

از خاک جنوب تا مام وطن

گفتگو با دکتر
هادی طحان نظیف

روز حسین علیه السلام

«پرتوی از عظمت امام حسین (علیه السلام)»
آیت الله صافی گلپایگانی

حسین بن علی را علیه السلام

بهتر بشناسیم
«روایت خلق یک کتاب»
آیت الله یزدی

فراز و فرود طراز اول

اولین انتخاب و آخرین تلاش‌ها
برای تعیین مجتهدان ناظر
بر مجلس مشروطه

پرواز از بهشت تابه بهشت

مصاحبه با خانواده محترم شهید
حجت الاسلام محمد اصلانی

روایت؛ امین آراء

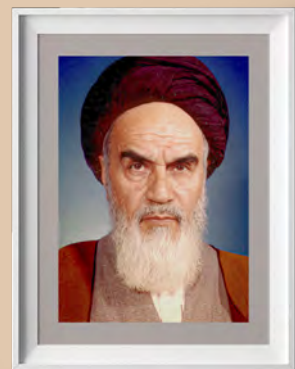
روایت ۲۰ سال برگزاری انتخابات در
سرحدات شمال غربی کشور





امام خمینے

شورای محترم نگہبان، کہ حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی هستند، مورد تأیید اینجانب می باشند و وظیفه آنان بسیار مقدس و مهم است و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند.



رهبر معظم انقلاب

شورای نگہبان مظهر اعتماد عمومی است، حضور شورای نگہبان در قانون اساسی کہ امام علیه السلام ہم مکرر روی آن تأکید می کردند حقیقتاً یک حضور مبارک است. تشخیص شورای نگہبان، تشخیص یک عده انسان های عادل، بی طرف و بصیر نسبت به صلاحیت ها است؛ این یک چیز مبارک برای ما و برای ہمہی آحاد ملت است.



نشریه فرهنگ
آموزش و تخصص
ناظر امین

ناظر امین

صاحب امتیاز:
اداره کل انتخابات شورای نگہبان
تهیه و تدوین:
اداره آموزش

شماره ۵۷

تابستان ۱۴۰۱

آدرس: تهران، خیابان امام خمینے علیه السلام، روبروی دانشگاه افسری امام علی علیه السلام،
خیابان فلسطین جنوبی / نهاد شورای نگہبان
تلفن گویا: ۰۲۱۰۶۶۴۰۱۲

وبسایت: www.shora-gc.ir | پست الکترونیک: info@shora-gc.ir



دکتر صادق مقدم

شورای نگهبان و کارنامه
پرافتخار ۴۲ ساله



آیت الله جنتی

شورای نگهبان ضامن بقای
جمهوری اسلامی ایران



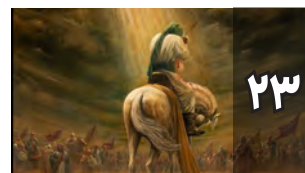
سخن سردبیر

عماد ملت و چشم بینای نظام



حسین بن علی (علیه السلام) بهتر بشناسیم

«روایت خلق یک کتاب»
آیت الله یزدی



روز حسین (علیه السلام)

«پرتوی از عظمت امام حسین
(علیه السلام) آیت الله صافی گلپایگانی»



از خاک جنوب تا امام وطن

گفتگو با دکتر هادی
طحان نظیف



فصل فرزانه

معرفی کتاب‌های؛ مکتب
امام حسین (علیه السلام)



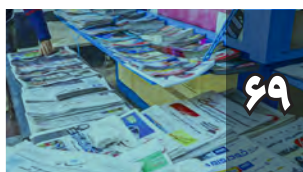
قالب تاریخ

تصاویر نادیده و کمتر دیده
شده از اعضای شورای نگهبان



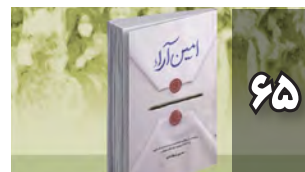
فرزاد و فرود طراز اول

اولین انتخاب و آخرین
تلاش‌ها برای تعیین مجتهدان
ناظر بر مجلس مشروطه



رخداد فرهنگ

بررسی مهمترین اخبار پیرامون
شورای نگهبان



امین آراء

روایت ۲۰ سال برگزاری انتخابات
در سرحدات شمال غربی کشور



پرواز از بهشت تا به بهشت

مصاحبه با خانواده محترم شهید
حجت الاسلام محمد اصلانی



صویر سازی حکیم کریم

جلوه‌های تبیین در قیام عاشورا



رهبر معظم انقلاب

یکی از اصول مهم در روش مبارزاتی حضرت اباعبدالله الحسین، تبیین و روشن‌گری برای مردم و همچنین خواص جامعه بود، از این رو، آن حضرت نسبت به بیان هدف و تشریح انگیزه قیام خویش اقدام فرمودند. ایشان در جایی این‌گونه فرمودند: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا»؛ یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتچی‌ها تبلیغ نکنند که امام حسین علیه السلام هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه، خروج می‌کنند برای این که قدرت را به چنگ بگیرند - برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد - وارد میدان مبارزه و جنگ می‌شود! کار ما از این قبیل نیست.»



۱۳۷۴/۰۳/۱۹

کار امام «مثل بقیه‌ی افرادی که قیام می‌کنند، خروج می‌کنند، می‌زنند، می‌کشند برای این که قدرت را قبضه کنند نیست.»

۱۳۸۰/۱۲/۲۱

علت اصلی قیام این است: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ إِصْلَاحٍ فِي أُمَّةٍ جَدَى». عنوان این کار، همین اصلاح است... این اصلاح، از طریق خروج است، خروج، یعنی قیام... اولاً می‌خواهیم قیام کنیم و این قیام ما هم برای اصلاح است.»

۱۳۷۴/۰۳/۱۹

و در فرجام قیام «دو عاقبت هم ممکن است برایش پیش بیاید: یکی این که پیروز بشود، یکی هم این که کشته بشود.»

۱۳۸۰/۱۲/۲۱

نوشتن نامه به اهالی شهرها، یکی دیگر از اقدامات روشن‌گرانه و تبیینی امام حسین علیه السلام بود. اباعبدالله الحسین علیه السلام در نامه به اهل کوفه این‌گونه نگاشتند: «امام و پیشوا و رئیس جامعه‌ی اسلامی نمی‌تواند کسی باشد که اهل فسق و فجور و خیانت و فساد و دوری از خدا و اینهاست. باید کسی باشد که به کتاب خدا عمل کند، یعنی در جامعه عمل کند؛ نه این که خودش در اتاق خلوت فقط نماز بخواند؛ بلکه عمل به کتاب را در جامعه زنده کند، اخذ به قسط و عدل کند و حق را قانون جامعه قرار دهد.»

۱۳۷۴/۰۳/۱۹

تأکید بر مقابله با بدعت و احیای سنت یکی دیگر از وجوه تبیینی نهضت امام حسین علیه السلام بود و ایشان در همین زمینه به رؤسای بصره نوشتند: «من می‌خواهم بدعت را از بین ببرم و سنت را احیا کنم؛ زیرا سنت را می‌رانده‌اند و بدعت را زنده کرده‌اند! اگر دنبال من آمدید، راه راست با من است.»

۱۳۷۴/۰۳/۱۹

اهمیت موضوع روشن‌گری و تبیین حقایق برای افکار عمومی و عوام و خواص جامعه در نگاه ابی عبدالله علیه السلام تا آنجا بود که از آغاز نهضت عاشورا تا آخرین لحظات زندگی مبارک حضرت و حتی در خود میدان کربلا و صحنه‌ی درگیری نظامی نیز امام دائماً اهتمام بر تبیین و هدایت و روشن‌گری داشتند: «در خود عرصه‌ی کربلا حضرت اهل تبیین بودند، می‌رفتند، صحبت می‌کردند. حالا میدان جنگ است، منتظرند خون هم را بریزند، اما از هر فرصتی این بزرگوار استفاده می‌کردند که بروند با آنها صحبت بکنند، بلکه بتوانند آنها را بیدار کنند.»

۱۳۸۸/۰۵/۰۵



جلسه شورای نگهبان
۵ مرداد ۱۴۰۱

شورای نگهبان



از راست: آقایان؛ هادے طحان نظیف، سیامک رہپیک و عباسعلی کدخدایی، حضرات آیات؛ مہدے شب زندہ دار، سید محمد رضا مدرسے یزدے، سید احمد خاتمے، احمد جنتے، سید احمد حسینے خراسانے و علی رضا اعرافی، آقایان؛ خیر اللہ پروین، سید فضل اللہ موسوے، غلام رضا مولا بیگے و محمد حسن صادق مقدم، (جلسہ ی تودیع دکتور موسوے و معارفہ دکتور پروین)



عماد ملت و چشم بینای نظام

طراز اول، نفس زنان و از پسی خون دل خوردن های بیش از هزار ساله ی تکاپوگران مکتب جعفری، با به دار آویخته شدن مجاهد نستوه شجاع، آیت الله شهید، شیخ فضل الله نوری در مشروطه ی بزرگوار بیداری ایرانیان و در ایستگاه وادادگی غرب زدگان از فرق سر تا نوک پا، به محاق صفحات تاریک تاریخ معاصر رفت. اما با کنار رفتن ابرهای تیره و تاریک وادادگی در پهنه ی پهن گستر ایران زمین، در سپیده دم انقلاب اسلامی و به هنگام برانگیختگی بی چون و چرای این بار ملت به راهبری ابراهیم زمان و روح الله ایران، خون تازه ای در رگ های جان از تن رفته ی میراث مشروطه خواهان جاری گشت.

این بار اما یاران امام علیه السلام شکل جامع، امروزی و مترقی ای از طراز اول مشروطه را در قالب جدیدی به نام «شورای نگهبان» به هنگام تدوین ساختار نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران پی ریزی نمودند که در طول سال های پس از انقلاب به مثابه ی «بنیانی مرصوص» همواره «عماد ملت» و «چشم بینای نظام» بوده است. بی گمان در تیررس قرار گرفتن گلوگاه حیاتی ایران امروز، در مقابل حملات سهمگین و ناجوانمردانه ی دشمن زیون، بی ارتباط با مجاهدات امثال بهشتی شهید در خبرگان تدوین قانون اساسی نبوده و نخواهد بود.

شورای نگهبان، میراث مرارت های رادمرد تاریخ معاصر، شیخ فضل الله نوری و تدبیری بی بدیل خمینی کبیر که امروز روز به نقش ضامن اسلامیت و جمهوریت ایران زمین درآمده، در حال حاضر ستاره ای است فروزنده در آسمان تابناک انقلاب اسلامی ایران. سدّ سدید و گوهر خالص و ناب انقلاب اسلامی، در طول چهل و دو سال عمر با برکتش همواره مانع انحراف روند انقلاب و نفوذ نامحرمان به بدنه ی نظام بوده و در مقاطع مهم و سرنوشت ساز کشور، نقش تأمین کننده ی صحت و قوام نظام را بر عهده داشته است.

با این شاخصه های برجسته است که به «نبض تپنده و حافظ سلامت نظام، مظهر و آئینه ی اعتماد ملت و مایه ی اطمینان و سکینه ی قلب مؤمنین» مبدل می گردد. از همین رو و بدون تردید، شورای نگهبان همواره خاری است در چشم خصم مستکبر بیرون و منافق بیمار دل درون؛ امید آن که قدر دان نعمتش باشیم.





✍ آیت الله احمد جنتی:

شورای نگهبان ضامن بقای جمهوری اسلامی ایران

بنیان فرهنگی مذهب شیعه و نشر فرهنگ اسلامی توسط امام صادق علیه السلام پایه گذاری شد و مردم توسط ایشان به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دعوت شدند. ما معتقدیم اگر ولایتمداری نباشد، درگیری و اختلاف خواهد بود. همانطور که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در زمان خودشان محور وحدت مردم بودند در این زمان هم امام بزرگوار علیه السلام و مقام معظم رهبری رحمته الله علیه محور وحدت هستند که از برکات و نتایج آن، آرامش خاطر و امنیت مردم است. شورای نگهبان به جایی وابسته نیست و این مسأله ای است که امام راحل و مقام معظم رهبری همواره بر آن تأکید دارند. این نهاد وظیفه مهمی در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی بر عهده دارد. مسئولیت نظارت بر سلامت انتخابات و حفظ آرای مردم و نیز تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات از وظایف سنگینی است که به عهده شورای نگهبان گذاشته شده است و این نهاد در این موارد نقش تعیین کننده و منحصر به فردی بر عهده دارد.

در حدود ۳۰۰ هزار ناظر انتخاباتی در سراسر کشور فعال هستند که تمام تلاش خود را برای سلامت انتخابات و بررسی صلاحیت افراد به کار می‌گیرند. برای عملکرد هرچه بهتر ناظران، دوره‌های آموزشی مختلفی برگزار می‌شود و انتظار است که «ناظران بر اساس حق و عدالت عمل» کنند. تلاش ما نیز این بوده است که ناظرین را پالایش کنیم و تا جای ممکن، سلامت مسأله‌ی نظارت را تضمین کنیم. از اعضای شبکه‌ی نظارت در سراسر کشور «نهایت دقت در انجام وظایف محوله نظارتی» را خواستارم. اعضای شبکه نظارت همواره باید «در

راستای اهداف عالیه انقلاب اسلامی» با «نصب العین قرار دادن تدابیر و رهنمودهای امام بزرگوار علیه السلام و رهبر معظم انقلاب علیه السلام از هیچ کوششی دریغ نمایند»، «تقوای الهی را سرلوحه امور قرار داده»، «امر به معروف و نهی از منکر را مطابق دستورات اسلام احیاء بدانند» و «در مسیر زندگی فردی و اجتماعی، خدای متعال را حاضر و ناظر به اعمال خود بدانند».

موضوع مهم دیگری که باید ناظران به آن توجه کنند «حفظ روحیه انقلابی در جامعه» است. امری که رهبر معظم انقلاب همیشه به آن تأکید دارند و معنی آن، «زنده و فعال بودن اسلام در زندگی» است. حفظ این روحیه تنها مربوط به ۴۰ سال پیش و

اوایل انقلاب نبود؛ بلکه باید همواره با این روحیه کارها را پیش برد و هرکسی در هر مکان و موقعیتی که هست انقلابی عمل کند چون هر جا این گونه عمل شد کارها به روال صحیح رسیده است. نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی امانتی در دست ماست که ان شاء الله باید آن را به حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام برسانیم.

اما وظیفه‌ی مهم و منحصر به فرد دیگر شورای نگهبان که در قانون اساسی بدان تصریح شده است، پاسداری از شرع و قانون اساسی است که این خود ضامن بقای جمهوری اسلامی است. این موضوع که قوانینی که در کشور تصویب

می‌شود خلاف موازین اسلام نباشد، خواست دیرینه ملت مسلمان ایران بوده و در راه تحقق این هدف خون‌های پاک‌ی در طول تاریخ بر زمین ریخته شده و انسان‌های بزرگی از جان عزیز خود گذشته‌اند. باید به روح بلند حضرت امام خمینی علیه السلام و همه‌ی کسانی که در تدوین قانون اساسی نقش داشتند، درود بفرستیم که باعث شدند آرزوی دیرینه مردم مسلمان ایران که حاکمیت موازین دین مبین اسلام بر امور کشور است شکل قانونی پیدا کند و با پیش‌بینی نهادی چون شورای نگهبان در قانون اساسی، از ضمانت اجرایی فوق‌العاده هم برخوردار باشد. از جمله اولین احکام

مسئولیتی که امام راحل پس از پیروزی انقلاب اسلامی صادر کرده‌اند، حکم انتصاب فقهای اولین دوره شورای نگهبان است؛ این بیانگر اهمیت جایگاه این نهاد انقلابی در نگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی است. همچنین بررسی نامه‌ها و سخنرانی‌های ایشان حکایت از جایگاه رفیع نهاد شورای نگهبان در نگاه امام راحل دارد. مقام معظم رهبری علیه السلام نیز در بیاناتی که به مناسبت‌های مختلف داشته‌اند، این نهاد را دارای اهمیت بسیار بالایی دانسته‌اند و همواره حامی این نهاد بوده‌اند. من فقط به یکی از جملات ایشان اشاره می‌کنم که درباره‌ی اهمیت شورای نگهبان فرموده‌اند: «شورای نگهبان مطمئن‌ترین دستگاه و ارگانی است که انقلاب به نظام کشور بخشیده است».

در خاتمه یاد همه‌ی بزرگوارانی که از زمان تأسیس نهاد شورای نگهبان تاکنون در این نهاد خدمت کرده‌اند را گرامی می‌داریم.

**از اعضای شبکه‌ی
نظارت در سراسر کشور
«نهایت دقت در انجام
وظایف محوله نظارتی»
را خواستارم. اعضای
شبکه نظارت همواره
باید «در راستای اهداف
عالیه انقلاب اسلامی» با
«نصب العین قرار دادن
تدابیر و رهنمودهای
امام بزرگوار و رهبر
معظم انقلاب از هیچ
کوششی دریغ نمایند»**

شورای نگهبان

و کارنامه پرافتخار ۴۲ ساله

انقلاب اسلامی در ایران در شرایطی به پیروزی رسید که کشورهای جهان به دو قطب سرمایه‌داری و سوسیالیستی تقسیم شده بود. برای تحلیل گران حوزه سیاست متصور نبود که کشوری بتواند خارج از این دو قطب جایگاهی داشته باشد. امام راحل عظیم الشان رحمه الله با شعار نه شرقی - نه غربی و با تکیه بر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اتکال به خداوند

متعال، مردم ایران را به برافراشتن پرچم توحید در این سرزمین فراخواند. او با درک صحیح از علل شکست نهضت ضد استبدادی مشروطیت و ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت بر روی اسلام و مکتبی بودن انقلاب اسلامی تأکید بسیاری داشت. این ایده و تفکر بایستی در قانون اساسی به عنوان اساس و بنیاد نظام اسلامی تبلور می‌یافت. در اصول متعدد قانون به ویژه اصل چهارم بر ایتنای کلیه قوانین و مصوبات بر اساس موازین اسلامی تأکید شده است. قانون اساسی به خوبی در اصول ۹۱ تا

از ولایت الهی و ولایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام در نظام اسلامی است که در اصول قانون اساسی به ویژه اصول ۵۷، ۱۰۹ و ۱۱۰ تجلی یافته است. اساس حکومت در نظام اسلامی تبدیل اسلام به نسخه‌ی حکومتی است. نسخه‌ای که اصلی‌ترین تقابل با لیبرال دموکراسی را با شعار مردم‌سالاری دینی دارد. علاوه بر اصول ۹۱ تا ۹۹ که به طور

مستقیم فلسفه‌ی اصلی تأسیس و وظایف مهم شورای نگهبان را بر شمرده است.

در مجموع در ۲۰ اصل در قانون اساسی به شورای نگهبان و اهمیت آن اشاره شده است و این واژه را به یکی از پرتکرارترین واژه‌های اساسی در حکومت اسلامی مبدل ساخته است.

پس از رأی بیش از ۹۸ درصد مردم در روز ۱۲ فروردین ۵۸ به جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی در ۱۲ آذر همان سال، حضرت امام خمینی رحمه الله در تاریخ اول اسفند ۵۸ فقهای شورای نگهبان را منصوب

کردند در حالی که مجلس شورای اسلامی ۷ خرداد ۵۹ شروع به کار و در ۲۶ تیر ماه سال ۵۹ پس از معرفی حقوقدانان توسط قوه قضائیه با انتخاب حقوقدانان، زمینه‌ی تشکیل شورای نگهبان را فراهم کرد.

شورای نگهبان که در همه‌ی ادوار مورد تأیید امامین انقلاب بوده است، حفظ جایگاه و اهمیت

شورای نگهبان با تشکیلاتی متناسب با وظایف، به ویژه در موضوع مهم نظارت بر انتخابات در چارچوب قوانین و احراز شرایط داوطلبان، در همه‌ی استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها نظارت مؤثر اعمال و در قالب شبکه مردمی و از میان اقشار مختلف مردم به عنوان «مدافعان حریم مردم‌سالاری دینی» انجام وظیفه می‌نماید.

۹۹ نقش شورای نگهبان در دو حوزه‌ی اصلی رفع مغایرت مصوبات با شرع و قانون اساسی و نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را برجسته کرده است. از نکات اساسی دیگر نحوه‌ی اداره‌ی حکومت مبتنی بر ولایت مطلقه فقیه و حکومت منبعث



مؤثر اعمال و در قالب شبکه‌ی مردمی و از میان اقشار مختلف مردم به عنوان «مدافعان حریم مردم‌سالاری دینی» انجام وظیفه می‌نماید. شورای نگهبان در همه‌ی ادوار با همکاری نزدیک با عوامل اجرایی و همکاران در وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها توانسته است از امانت مردم در صندوق‌های رأی و جلوه‌ی اراده‌ی مردم در صحنه‌ی سیاسی کشور به عنوان حق الناس به درستی صیانت و پاسداری نماید.

معاونت اجرایی دبیر شورای نگهبان، توفیق خدمت‌گزاری به نظام مقدس جمهوری اسلامی را برای کلیه‌ی همکاران در سراسر کشور به‌ویژه شبکه‌ی پُرافتخار نظارت، آرزو می‌کند.

نقش آن همیشه مورد تأکید حضرت امام علیه السلام و رهبر عظیم الشان انقلاب حضرت آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام قرار گرفته است. این شورا با کارنامه‌ای پُرافتخار و با دقت تمام در ۴۲ سال گذشته مغایرت‌های شرعی و قانون اساسی مصوبات مجلس شورای اسلامی را متذکر گردیده است و به وظیفه‌ی مهم نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی اهتمام داشته و بدون تأثیرپذیری از افراد و جناح‌های سیاسی به وظیفه شرعی و قانونی خود پرداخته است. شورای نگهبان با تشکیلاتی متناسب با وظایف، به‌ویژه در موضوع مهم نظارت بر انتخابات در چارچوب قوانین و احراز شرایط داوطلبان، در همه‌ی استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها نظارت



از خاک جنوب تا امام وطن

گفتگو با دکتر هادی طحان نظیف

هرچند تا پیش از این، عنوان جوان‌ترین حقوق‌دان شورای نگهبان از آن فرد دیگری بود اما وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم این موضوع از اقتضات سال‌های اولیه انقلاب اسلامی و نوپا بودن آن بوده است؛ چنانچه در سمت‌ها و جایگاه‌های مختلف در آن سال‌ها ناظر حضور افرادی با سنین بالا نیستیم اما با گذشت بیش از چهل سال از برپایی نظام جمهوری اسلامی، شاهد روی آوردن بالاترین نهادهای سیاسی مهم کشور از جمله دولت، مجلس و شورای نگهبان به موضوع جوان‌گرایی هستیم. خاصه آنکه این موضوع، مورد تأیید و از مطالبات جدی رهبری معظم انقلاب هم بوده است. دکتر هادی طحان نظیف که در ۳۷ سالگی به عنوان حقوق‌دان شورای نگهبان انتخاب و در ۳۹ سالگی به سخنگویی این نهاد برگزیده شد از جمله همین جوانان متولد و رویش یافته در فضای تربیتی پس از انقلاب اسلامی است. نشریه‌ی ناظر امین در اولین گفتگوی تفصیلی خود با سخنگوی جوان شورای نگهبان به ابعاد کمتر دیده شده‌ی زندگی شخصی و کاری وی پرداخته است.

متولد:

۱۳۶۱ دزفول

تحصیلات:

دکترای حقوق عمومی

عضویت:

حقوق‌دان شورای نگهبان
(۲۵ تیر ۱۳۹۸)

سمت:

سخنگوی شورای نگهبان
(از ۲۳ تیر ۱۴۰۰)

جنابعالی در چه سالی و در کدام شهر متولد شده و تحصیلات خود را در کجا گذراندید؟

بنده در سال ۱۳۶۱ در شهر دزفول استان خوزستان متولد شدم و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را تا قبل از دانشگاه در آنجا گذراندم. تحصیلات دانشگاهی خود را هم در رشته‌ی حقوق عمومی تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه امام صادق علیه السلام ادامه دادم و سپس دکترای حقوق عمومی خود را از دانشگاه تهران اخذ نمودم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام هستم.

شاید یک اطمینان و دلگرمی برای رزمندگانی که در مناطق جنگی بودند و از آن مناطق تا شهر، فاصله‌ی زیادی هم وجود نداشت، ایجاد می‌کرد. این نرفتن، ماندن و مقاومت کردن، به نظر من خودش یک پیام داشت. البته این در شرایطی بود که شاید کمتر خانهای پیدا می‌شد که از آن مردی و فرزندی به جبهه اعزام نشده باشد. لذا خانواده‌ها ترجیح می‌دادند بمانند و در کنار فرزندان خود و رزمندگانی که از مناطق مختلف کشور برای دفاع از آنان آمده بودند، باشند.

برای مخاطبان ما کمی از حال و هوای سخت و تلخی‌های دوران جنگ در جنوب کشور بگویید.

آنچه که انسان از آن ایام به یاد می‌آورد، شهری است که خانه‌هایش ویران شده و خیابان‌ها، تأسیسات و جاهای مختلف آن پر از خرابی است. صدای آژیرهای خطر یا بقایای موشک‌ها و بمب‌هایی که بر سر مردم ریخته می‌شد، از خاطراتی است که در ذهن من و

سال‌های جنگ را با خانواده چگونه طی کردید؟ آیا در محل تولد، مانند یا مانند بسیاری دیگر از هم‌شهریان خود ناچار به کوچ اجباری شدید؟

طبیعتاً جنگ همیشه با سختی‌ها و تلخی‌هایی همراه است. خانواده‌ی ما هم مانند بسیاری دیگر از خانواده‌های دزفولی ترجیح دادند که بمانند و به قول شما کوچ نکنند و به نظرم، خود این نرفتن و ماندن،



دانش‌تن چگونگی و علت ورود شما به دانشگاه امام صادق علیه السلام برای مخاطبین ما خالی از لطف نخواهد بود.

علاقه‌ی من بیشتر به حوزه‌ی علوم انسانی، آن هم به دلیل اثرگذاری این حوزه بود. البته رشته‌ی تحصیلی دبیرستانم ریاضی - فیزیک بود. حتی کنکور ریاضی امتحان دادم و قبول هم شدم ولی به دانشگاه امام صادق علیه السلام از باب این که هم به حوزه‌ی علوم انسانی می‌پرداخت و هم رویکردش دینی بود و در واقع رسالت و دغدغه‌اش تلفیق معارف اسلامی و حوزه‌ی علوم انسانی بود، علاقه‌مند بودم. لذا من هم مانند بقیه‌ی داوطلبان در کنکور سراسری شرکت و بحمدالله رتبه خوبی در کنکور کسب کردم و پس از آن، مراحل بعدی (گزینش دانشگاه) را سپری کردیم و دانشجوی دانشگاه امام صادق علیه السلام شدیم.

از اساتید مطرح و نامدار آن زمان، بالاخص چه کسانی را می‌توانید نام ببرید؟

در دانشگاه از اساتید متعددی بهره‌مند بودیم؛ چه اعضای هیأت علمی دانشگاه خودمان، چه برخی دیگر از اساتید شناخته شده‌ی دانشگاه‌هایی مثل تهران، شهید بهشتی و... به عنوان نمونه در آن سال‌ها از اساتیدی

امثال من، هنوز وجود دارد؛ این که در هنگام بازی یا حتی در نیمه‌های شب، همیشه نگران موشک‌باران باشید و این ترس همیشه در وجودت باشد. کودکان یتیم، شهر ویران، درخت‌های واژگون، چشم‌های گریان و نگران مادرانی که در فراق و انتظار عزیزان‌شان بودند؛ همگی اوصاف و تصاویری است که از آن روزها در ذهن وجود دارد ولی مهم این است که مردم ایستادند و با ایثار و فداکاری از وطن، سرزمین و عقایدشان دفاع کردند و مردانه جنگیدند. ثمره‌ی تمام آن مجاهدت‌ها نیز این شد که حتی یک وجب هم از خاک وطن کم نشد. خاطرم هست یکی از برادرانم مدرسه ابتدایی بود ولی به دلیل حجم موشک‌باران و بمباران، آن مقطع را در چندین مدرسه سپری کرد. چرا که دانش‌آموزانی مثل او هر مدرسه‌ای می‌رفتند، آنجا به دلیل موشک‌باران و بمباران تخریب می‌شد و مجبور می‌شدند در مدرسه‌ی دیگری ثبت‌نام کنند تا بتوانند درس‌شان را پیش ببرند. به هر حال آن مقطع گذشت و خرابی‌ها ساخته شد و آن ویرانی‌ها جای خود را به آبادانی داد. اما با وجود همه‌ی اینها، آنچه از همه چیز مهم‌تر بود، همان مقاومت و ایستادگی مردم بر سر آرمان‌ها و اعتقادات‌شان بود.



مقام معظم رهبری نقش آفرینی می‌کردند. ایشان مسئولیت‌های متعددی در انقلاب اسلامی داشتند. از عضویت در شورای انقلاب تا تشکیل کمیته‌های انقلاب؛ از عضویت در شورای نگهبان تا تصدی وزارت کشور و بعد هم نخست‌وزیری. به تعبیر مقام معظم رهبری در سخت‌ترین دوران‌های جمهوری اسلامی حضور جدی در مناصب مهم و مختلف داشتند و بعدها هم در عرصه‌ی علمی و تربیت جوانان کشور انصافاً نقش ایفا کردند؛ به‌طور خاص در تأسیس دانشگاه امام صادق علیه السلام که ما از نزدیک می‌دیدیم چقدر این مسأله برای ایشان اولویت دارد تا جاهای دیگر مانند امامت جمعه تهران و ریاست مجلس خبرگان. در همه‌ی این موارد، آنچه که ما می‌بینیم یک عالم دینی و اخلاقی و یک شخصیت علمی و به تعبیر مقام معظم رهبری یک سیاستمدار صادق و انقلابی صریح که هرگز ملاحظه‌های شخصی و انگیزه‌های جناحی را به حیطة فعالیت‌های گسترده‌ای که داشتند، راه ندادند و وزن وزین خود را به یاری مسائل نظام و انقلاب آوردند و یکی از الطاف خداوند به ما افتخار شاگردی ایشان در دانشگاه امام صادق علیه السلام بود.

در مورد نحوه‌ی آشنایی، معرفی و سال ورودتان به شورای نگهبان بفرمایید. در بدو ورود و سال‌های ابتدایی در این نهاد مشغول چه اموری بودید؟

بنده از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۸ همکاری خود را با شورای نگهبان آغاز کردم و از آن تاریخ در مرکز تحقیقات شورای نگهبان آن زمان که هنوز به پژوهش‌کده تبدیل نشده بود؛ مشغول فعالیت علمی، پژوهشی و کارشناسی شدم و پس از یک سال به شورای نگهبان و صحن این شورا نیز آمدم.

چطور شد که منشی جلسات شورای نگهبان شدید؟

همان‌طور که عرض کردم بنده در آن مقطع در مرکز تحقیقات شورای نگهبان مشغول کار علمی بودم. البته هم‌زمان با هیأت تطبیق مصوبات در مجلس نیز همکاری می‌کردم تا این که ابتدای آذرماه سال ۱۳۸۹، آیت‌الله جنتی با معرفی که صورت گرفته بود در یک جلسه از بنده برای حضور در صحن شورا و انجام امور داخلی جلسه دعوت فرمودند و از آن پس به عنوان منشی جلسات شورای نگهبان و مشاور معاون اجرایی و امور انتخابات این نهاد مشغول به کار شدم. در جلسه‌ی

مثل مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی، مرحوم آیت‌الله عمیدزنجانی، آیت‌الله باقری کنی و برخی از استادان دیگر که قبلاً عضو شورای نگهبان بودند یا اکنون عضو این شورا هستند و همچنین بسیاری از اساتید شناخته‌شده در رشته‌ی حقوق، توفیق علم‌آموزی داشتیم. برخی دیگر از اساتید شناخته‌شده‌ی دانشگاه‌هایی دیگر مثل تهران، شهید بهشتی و... از اساتیدی مثل مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی و برخی استادان دیگر که در سابق و هم اکنون عضو حقوقدانان شورای نگهبان هستند نیز توفیق علم‌آموزی داشتیم.

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در سال‌های اولیه‌ی انقلاب سابقه‌ی حضور در شورای نگهبان را داشتند. برای مخاطبان نشریه از نحوه‌ی مدیریت علمی ایشان در دانشگاه امام صادق علیه السلام و سلوک سیاسی آن شخصیت بزرگ، یادی کنید.

آیت‌الله مهدوی کنی رحمه الله، هم از پیش‌تازان مبارزات قبل از انقلاب محسوب می‌شوند و هم از چهره‌های مؤثر در پس از انقلاب اسلامی هستند. از کسانی که در کنار حضرت امام رهبر بودند و بعداً هم در کنار

شورای نگهبان وظیفه‌ام قرائت متن مصوبات و تقریر نظر شورا بود. البته در میان جلسه هم اگر نیازی به جستجوی مستندات قانونی بود، انجام می‌دادم و سعی می‌کردم آن بُعد کارشناسی و پژوهشی و علمی را که در مرکز تحقیقات مقدماتش فراهم می‌شد در جلسات به کمک اعضای شورا بیاورم.

در آن زمان، در شورا بزرگانی حضور داشتند و اکنون هم این‌گونه است. الحمدلله همه‌ی اعضا، اهل علم و فضل هستند ولی با این حال اگر مواردی که نیاز به بررسی و جستجوی بیشتر داشت، سعی می‌کردم اینها را در کنار سایر وظایفی که بر عهده داشتم نیز بررسی و نتایج آن را عرض کنم.

از جس و حال این که در معیت بزرگانی چون حضرات آیات جنتی، یزدی، شاه‌رودی، مؤمن، رضوانی و... مشغول بوده و هستیید، بگویید.

طبیعتاً بودن در کنار بزرگانی مثل حضرات آیات عظام جنتی، یزدی، شاه‌رودی، مؤمن و رضوانی و حقوقدانان برجسته و فاضل که برخی از آنها به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، فرصتی بوده و هست برای آموختن و کسب تجربه و از این بابت، همیشه خدای متعال را شاکرم. دقت‌هایی که اعضای شورا اعم از فقها و حقوقدانان، خصوصاً فقه‌های معظم به لحاظ تأکید بر موازین شرعی و نیز حقوق مردم نسبت به موضوعات دارند از مواردی است که بسیار قابل استفاده و یادگیری است.

قطعاً جنابعالی خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از جلسات شورای نگهبان به هنگام تصدی منشی‌گری جلسات دارید. تقاضا داریم نکاتی از این دست برای ما عنوان کنید.

خاطرات بسیاری از این سال‌ها در ذهنم هست ولی وقتی مرور می‌کنم، در خلال همه‌ی این‌ها، آنچه می‌توانم عرض کنم این است که اعضای بزرگوار شورای نگهبان در عین تصلّب و تعصبی که در انجام وظایف دینی، شرعی و قانونی خود دارند؛ یعنی دفاع جدی از مسائل شرعی و فقهی و کوتاه نیامدن از اصول؛ در عین حال، صفا و لطافت و نیز التزامشان به خصوصیات خوب اخلاقی، برای امثال ما درس‌آموز است. به بیان دیگر این عزیزان علی‌رغم جدیت در انجام وظایف خود چه در حوزه‌ی بررسی مصوبات و چه در بحث انتخابات در کنار همه‌ی

اینها، ملتزم به رعایت خصوصیات خوب اخلاقی هستند. مثلاً صفا و ساده‌زیستی که مرحوم حضرت آیت‌الله مؤمن داشتند و یا سایر خصوصیات عزیزانی که الان فرصت نیست به صورت جزئی، تکتک آنها را بیان کنم؛ همگی می‌تواند برای ما درس‌آموز باشد.

برای نمونه، منش و روشی که حضرت آیت‌الله جنتی به عنوان شخصی که از ابتدای انقلاب در مسائل سیاسی کشور حضور داشتند و سال‌ها در کوران رخدادهای مختلف و مهم بودند و پایمردی که بر روی اصول خودشان دارند از یک طرف و تأکید و توجهی که به رعایت موازین اخلاقی دارند از طرف دیگر، همگی از امور مهمه‌ای است که واقعاً جای آموختن دارد. من در این سال‌ها ندیدم که حضرت آیت‌الله جنتی و لویک بار از کسی بدگویی کنند. اگر همین الان در اتاق کارشان بروید، می‌بینید نوشته‌هایی از آیات قرآن کریم و آثار روایی وجود دارد که افراد را از غیبت کردن تحذیر می‌دهد و بر نماز اول وقت و اموری از این دست تأکید می‌کند. به طور کلی این بزرگان افرادی هستند که هم در عرصه‌های اجتماعی حضور مؤثر دارند و هم در حوزه‌های فردی از خصوصیات بسیار خوب اخلاقی برخوردارند. اما متأسفانه باید بگویم که معمولاً خصوصیات شخصی و اخلاقی این افراد در سایه‌ی مسائل سیاسی پنهان می‌ماند.

چگونه شد که به عنوان حقوقدان به مجلس معرفی شدید؟

در سال ۹۸ در دوره ریاست جناب آقای رئیسه بر دستگاه قضا در کنار بقیه‌ی عزیزان به مجلس



معرفی و در نهایت با رأی نمایندگان محترم مجلس به عنوان عضو حقوقدان شورای نگهبان انتخاب شدیم.

مدد او بتوانم وظایف خود را به عنوان یک عضو به نحو احسن انجام دهم.

شما تنها حقوقدان شورای نگهبان هستید که پیش از عضویت در این نهاد، سابقه‌ی منشی‌گری جلسات آن را داشته‌اید و در نتیجه با یک پیشینه و کسوت در خور توجه، جایگاه حقوقدانی را کسب کرده‌اید. با توجه

به این که نسبت به اعضای دیگر از سن و سال کمتری نیز برخوردار هستید، بفرمایید این سابقه چگونه توانست به نوعی کمک حال شما در حضور بزرگان شود؟ قطعاً سابقه‌ی حدوداً ده ساله‌ی حضور در جلسات شورای نگهبان، برای من بسیار مفید بوده است چرا که به لطف خدا در این سال‌ها از نزدیک با نحوه‌ی کار، فرایندها و ساز و کار شورای

نگهبان آشنا شدم. لذا شاید بتوان گفت در بُعد نظری، به خاطر تحصیل در حوزه‌ی حقوق عمومی و حقوق اساسی و علاقه به این حوزه و در بُعد عملی، به خاطر سابقه‌ی حضور در جلسات شورای نگهبان و نحوه‌ی کار شورا و ارتباط با بدنه‌ی کارشناسی و پژوهشی پژوهشکده‌ی شورای نگهبان، تا حد خوبی با سوابق موضوعات در این شورا آشنایی دارم. این که مثلاً یک مصوبه، مشابه مصوبه‌ی فعلی در سال‌های قبل در شورای نگهبان بررسی و با اشکال مواجه شده و یا مورد اشکال و ابهام قرار نگرفته است یا آشنایی با سوابق نظرات و تفاسیر شورا و مواردی از این دست، همه از مواردی بود که اعضای محترم گاهی اوقات در جلسات ارجاع می‌دادند و یا سؤال می‌کردند یا می‌خواستند که بررسی شود و من با علاقه موضوعات را دنبال می‌کردم. امیدوارم همان گونه که خدای متعال توفیق آموختن و پرورش را در کنار این عزیزان به بنده داد، اکنون نیز به

اینجا بحث محرمانه و نگفتنی وجود ندارد. در اینجا موضوع، کاملاً تخصصی و استدلال است و حتی سال‌ها قبل مقام معظم رهبری علیه السلام بر این موضوع تأکید فرمودند و این کار هم در حال انجام است که مشروح مذاکرات شورا منتشر شود.

حال و هوای قرار گرفتن در جایگاه مهم سخنگویی شورای نگهبان چگونه است؟ آن هم پس از شخصیت مشهور و شناخته شده‌ای همچون دکتر کدخدایی که سال‌ها در این کسوت بوده و همگان چه از اهالی رسانه و چه عموم مردم؛ شورای نگهبان و به ویژه موضوع انتخابات را همیشه در قلاب چهره‌ی ایشان ترسیم کرده‌اند.

جناب آقای دکتر کدخدایی، مدت‌ها بود که آهنگ رفتن از سیمت سخنگویی را داشتند و اعتقاد و نظرشان بر این بود که عرصه را باید به جوان‌ترها سپرد. در نهایت علی‌رغم مخالفت من و اصرار ایشان، این موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح شد و با رأی عزیزان شورا به عنوان سخنگو انتخاب شدم.

واقعیت این است که سخنگویی نهادی مثل شورای نگهبان کار آسانی نیست و به لحاظ جنس وظایفی که شورای نگهبان بر عهده دارد، کار خطیری است. اصلاً سخنگویی چنین جمع وزین و اهل علم و فضلی کار راحتی نیست و من خیلی دقت و تلاش می‌کنم که به مدد و لطف الهی بتوانم وظیفه‌ام را به درستی انجام بدهم. همانطور که اشاره کردید جناب آقای دکتر کدخدایی یک شخصیت مشهور و شناخته شده‌ای هستند و خیلی از مردم و رسانه‌ها، شورای نگهبان و موضوع انتخابات را با ایشان می‌شناسند. طبیعتاً بر عهده گرفتن مسئولیت بعد از امثال ایشان به عنوان یک عضو با تجربه، کار کرده و مجرب کار ساده‌ای نیست. اما بنده هم به مدد الهی تمام سعی و تلاشم بر این است تا به کمک همه‌ی عزیزان، بیش از پیش تصویر بهتری بهتر، منطقی‌تر و تخصصی‌تر از شورای نگهبان در افکار عمومی و نخبگان ایجاد شود. البته در این مسیر باید از تجارب ایشان و سایر افراد اهل فکر و تجربه استفاده کرد چرا که این افراد پیش از ما راه‌هایی را پیموده‌اند و به تجاربی دست پیدا کرده‌اند که حتماً باید به آنها توجه شود.

رویکرد جناب عالی در حوزه سخنگویی چگونه است؟

من در این مدت سعی کرده‌ام کمی بیشتر بر رویکرد

خاص شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشم. به عنوان نمونه سعی کردم به‌طور مستمر از هر جلسه‌ی شورای نگهبان، گزارشی رادر بسترهایی مانند اینستاگرام منتشر کنم.



در این گزارش‌ها سعی می‌کردم آن حواشی قابل ذکر در هر جلسه و جذاب برای مخاطب، همچنین استدلال‌های اعضای محترم را نسبت به مصوبات بیان کنم که الحمدلله بازخوردهای خیلی خوبی داشت. فکر می‌کنم در این سال‌ها حدود ۸۸ گزارش منتشر شده که در اکثر رسانه‌ها هم به آن پرداخته می‌شد. از طرف دیگر سعی می‌کردم در مجامع علمی، دانشگاهی و حوزوی حضور پیدا کنم و آنجا هم نسبت به نظرات و رویکردهای شورای نگهبان برای مخاطب نخبگانی اعم از دانشگاهی و حوزوی، توضیحاتی داشته باشم. خاطرم هست آن روزی که در جلسه‌ی شورا اعضای خواستند بنده را به عنوان سخنگو انتخاب کنند، می‌گفتند شما که الان در فضای مجازی این کار را انجام می‌دهید، خب در فضای حقیقی هم این کار را به عهده بگیرید.

آیا موافقید به موضوع مهم نظارت تقنینی شورای نگهبان به نسبت دیگر مباحث کمتر پرداخته شده است؟

بله، خیلی اوقات احساس می‌کنم حق صلاحیت نظارت تقنینی شورای نگهبان نسبت به مصوبات در سایه‌ی

تخصصی، تحلیلی و استدلالی شورای نگهبان در حوزه‌ی مصوبات پیردازم. امسال که سال انتخابات نیست و ان شاءالله سال بعد کم‌کم بحث انتخابات آغاز می‌شود که البته آنجا هم باید کارهای نو و تازه‌ای را آغاز کرد.

شورای نگهبان وظایف خطیری در اداره کشور دارد. چه در بررسی مصوبات مجلس، تفسیر قانون اساسی، پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری توسط فقهای معظم شورا و چه در بحث نظارت بر انتخابات که خطیر و حیاتی بودن این وظایف کاملاً مبرهن است. همانطور که عرض کردم در این مدت سعی کرده‌ام یک مقداری به وظیفه‌ی اول، یعنی نظارت بر مصوبات و قوانین و مقررات تمرکز بیشتری داشته باشم چرا که معتقدم شورای نگهبان می‌تواند توضیحات جامعی در خصوص مواردی که خلاف شرع و قانون اساسی می‌داند، ارائه کند. اتفاقاً اینجا بحث محرمانه، نگفتنی و پنهانی وجود ندارد و موضوع کاملاً تخصصی و استدلالی است. مسأله‌ای که سال‌ها قبل، مقام معظم رهبری با تأکید بر انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان بر آن صحه گذاشتند. بنابراین ما باید نسبت به مصوباتی که رد یا تأیید می‌کنیم یا ابهام می‌گیریم به مردم توضیح بدهیم. اتفاقاً معتقدم در چنین مواردی، همراهی بیشتری از جانب مردم خواهیم دید. اگر مصوبه‌ای به هر دلیلی توسط شورای نگهبان مورد اشکال، ایراد یا ابهام قرار می‌گیرد، می‌شود اینها را توضیح داد و تشریح کرد. تمرکز بنده در سمت سخنگویی در این مدت، بیشتر بر این موضوع قرار داشته و به لطف خدا مقداری که باز خورد گرفتم الحمدلله خوب بوده است. به‌طور کلی تأکید ما بر اطلاع‌رسانی به موقع، متعهدانه و صادقانه نسبت به همه‌ی حوزه‌ها خصوصاً در حوزه‌ی مصوبات است. در بحث انتخابات هم این تأکید وجود دارد. البته تلاش‌هایی در دوره‌های قبل هم انجام شده است ولی ما سعی کردیم این موضوع را مقداری ارتقا بخشیده و بیشتر روی آن متمرکز شویم.

جنابعالی تا پیش از کسوت سخنگویی حضور نسبتاً فعالی در فضای مجازی داشتید. برای مخاطبین نشریه‌ی ناظر امین، اطلاع از این موضوع نیز مغتنم خواهد بود.

بنده از زمانی که به عنوان عضو شورای نگهبان انتخاب شدم، سعی کردم در کنار وظایف اصلی که در شورای نگهبان بر عهده دارم، مثل انجام بررسی‌های لازم نسبت به مصوبات یا حضور در کمیسیون‌های تخصصی مجلس جهت تبیین نظرات شورا؛ در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی هم کمک کنم و با هماهنگی با سخنگو اقداماتی را انجام دهم. لذا از همان ابتدا سعی کردم در فضای رسانه‌ای و مجازی و به‌طور

مباحث انتخاباتی ادا نمی‌شود. همان‌طور که عرض کردم به عنوان یک رویکرد، از ابتدایی که به عضویت شورا در آمد؛ در آن یادداشت‌های اینستاگرامی یا اقدامات دیگر و بعد از سخنگویی هم به عنوان رویکرد کلان خود، سعی کردم به این بُعد بیشتر بپردازم که به لطف خدا تا همین جا بازتاب‌های خوبی داشته که البته به هیچ عنوان کافی نیست و باید بیش از پیش به این موضوع پرداخت.

در موضوع پُر سر و صدای تأیید یا رد صلاحیت برخی

چهره‌های مشهور چه نظری دارید؟

شورای نگهبان بر اساس قانون، وظایفی در انتخابات بر عهده دارد. چه در انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری. طبیعتاً هر کسی که می‌خواهد داوطلب انتخابات شود باید شرایطی را که قانون ذکر کرده، داشته و مواعی را که قانون ذکر کرده نداشته باشد. تمام تلاش شورای نگهبان این است که به وظیفه‌ی خود عمل کند، فارغ از این که این افراد، چهره‌ی مشهور باشند یا نباشند.

ما کماکان در فضای رسانه‌ای و از طرف تقریباً تمام جریان‌های سیاسی بادیگاه‌های مختلف، لزوم اصلاح قانون انتخابات را مشاهده می‌کنیم. جنابعالی چه نظری دارید؟

بنده بارها عرض کرده‌ام که قوانین انتخاباتی ما نیازمند به‌روز رسانی هستند. ما مجری قوانینی هستیم که با اشکالات و ابهاماتی در مقام عمل مواجه هستند و پاسخگوی نیاز امروز نیست. معتقدم پس از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات از سوی مقام معظم رهبری که انصافاً، هم آسیب‌شناسی نظام انتخابات کشور است و هم ارائه‌ی راهکارهایی را در خود دارد؛ بسیاری از این سیاست‌ها را باید به زبان قانون و مقررات به صورت جزئی‌تر ترجمه کرد. لذا عزیزان در مجلس باید قوانین را مبتنی بر سیاست‌های کلی انتخابات، اصلاح کنند.

شورای نگهبان نیز نهادی است که بیش از چهار سال تجربه‌ی نظارت بر انتخابات دارد. مادر شورای نگهبان با توجه به تجاری که در این زمینه داریم اگر عزیزان مجلس در راستای اصلاح قانون انتخابات تمایل داشته باشند و طلب کنند، نظرات خود را در اختیار آنها قرار خواهیم داد.

شورای نگهبان در طول این سال‌ها با حجم‌های مختلفی

روبرو بوده است. حال که حضرت‌عالی در مقام حقوق‌دان و

نیز سخنگوی شورای نگهبان قرار گرفته‌اید و از نزدیک با

این امور مواجهید، این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جنس کار شورای نگهبان در حوزه‌ی بررسی مصوبات و

به‌ویژه در موضوع انتخابات به نحوی است که معمولاً تحت هجمه و مورد سؤال قرار می‌گیرد. بالاخره راجع به یک اظهار نظر شورا نسبت به یک مصوبه، ممکن است برای خیلی‌ها ابهام ایجاد شود. این را باید توضیح بدهیم که اگر این موارد، مراعات نشود؛ اشکالات دیگری در مقام عمل ایجاد می‌شود یا اصلاً مصوبه قابل اجرا نخواهد بود. مانند ایراد اصل ۷۵ قانون اساسی که ناظر بر بار مالی مصوبات است. یعنی تا وقتی که بار مالی برطرف نشود حتی اگر موضوع تبدیل به قانون هم شود، عملاً اعتبار و پولی وجود نخواهد داشت که آن موضوع اجرایی شود.

در حوزه‌ی انتخابات هم مرسوم است که می‌گویند بالاخره از دو نفری که به دستگاه قضایی می‌روند تا موضوعی حل اختلاف شود، حداقل یک نفر با نارضایتی بیرون می‌آید. جنس کار قضاوت‌گونه‌ی شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها به نحوی است که بالاخره برخی‌ها که صلاحیت‌شان احراز نمی‌شود یا رد صلاحیت می‌شوند ممکن است برای‌شان خوشایند نباشد؛ ولی آنچه که برای شورای نگهبان مهم است این است که به وظایف خود عمل کند. طبیعتاً کسانی که شرایط را دارا هستند و مواعی ندارند، می‌توانند در این عرصه ورود پیدا کنند. البته در این میان، دشمنان هم که موضع‌شان نسبت به این نهاد انقلابی روشن است.

به نظر ابهامات وارده در باره‌ی ارتباط مشارکت عمومی و عملکرد

شورای نگهبان نیز از جنس همین هجمه‌هاست؟

بله، این هم از مواردی است که شورای نگهبان معمولاً مورد هجوم واقع می‌شود. متأسفانه در سال‌های اخیر در موضوع میزان مشارکت، برخی می‌خواهند انجام وظیفه‌ی شورای نگهبان را عامل عدم مشارکت معرفی کنند. این در حالی است که برای شورای نگهبان مشارکت عمومی اهمیت دارد اما این نهاد هم باید به وظیفه‌ی قانونی خود عمل کند. اتفاقاً مسائل دیگری وجود دارد که تأثیر آنها بر مشارکت عمومی خیلی بیشتر است مثل این که در دوره‌هایی مسئولان وعده‌هایی دادند و عمل نکردند یا مسائل مربوط به وضعیت معیشتی و اقتصادی که گلایه‌هایی برای مردم ایجاد کرد. وزن و تأثیر این موضوعات در عدم مشارکت عمومی از انجام وظایف شورای نگهبان به مراتب بیشتر است و قابل مقایسه نیست. این چیزی است که نظرسنجی‌ها هم آن را نشان می‌داد.

از وقتی که در اختیار مایا قرار دادید، سپاسگزاریم.

من هم از شما تشکر می‌کنم.



نقاش: محمد علی نادر | امداد حضرت علی (ع) علیہ السلام

روز حسین علیه السلام

«پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام»

این نوشتار برگرفته از بخش پیشگفتار کتاب «پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام» تألیف آیت الله العظمی صافی گلپایگانی و چاپ انتشارات کتاب جمکران است.



مرحوم آیت الله العظمی
صافی گلپایگانی

در میان حوادث و پیشامدهای بزرگ و دلخراش تاریخ، هیچ واقعه‌ای نیست که مانند حادثه جانسوز کربلا همه‌ساله مراسم سالگرد آن با شکوه و عظمت فراوان و شرکت تمام طبقات از زن و مرد، پیر و جوان برگزار و مجالس یادبود و تذکار آن همواره در منازل، مساجد، مدارس، تکایا، و حسینیه‌ها، بازار، خیابان و بنگاه‌ها تشکیل گردد، و خطبا در پیرامون آن سخنرانی و نویسندگان کتاب‌ها و مقالات بنویسند و مرور زمان و تکرار این مراسم آن را کهنه نسازد، و از اعتبار و اهمیت آن نه تنها چیزی کاسته نگردد بلکه عظمتش روزافزون و در هر عصری برای فلسفه‌ی آن معنایی عالی و هدف‌هایی ارزنده درک و استنباط شود. روز حسین علیه السلام، روزی شد که هرگز گذشت آژمنه و أعصار، آن را از یاد نخواهد برد.

و کفر و ستم و بیدادگری است. تاریخ این فاجعه جانکاه، تاریخ فداکاری بی‌مانند در راه مبدأ و عقیده، و احترام از شرف و کرامت حق، و کوشش برای آزادی و نجات جوامع محروم است، پس شگفت‌انگیز نیست اگر صدایش در جهان پیچید، و بانگش در گوش‌ها مانند بانگ اذان برجا و پایدار مانده، و بآن که بیش از هزار و سیصد سال است که گویندگان و نویسندگان از آن سخن می‌گویند، اهمیت آن همچنان در دل‌ها باقی است، و بر آن رادمردان باایمانی که در راه ایمان به خدا، و اجرای احکام خدا استقامت ورزیده و شربت شهادت نوشیدند، درود می‌فرستند. آنان جوانمردانی بودند که دوستی دنیا و قیافه‌ی مهیب مرگ در زیر شمشیر و نیزه، آنها را در برابر طغیان اهل باطل، سست و خاضع و حقیر نساخت، و آنچه را باعث ضعف اراده و کوتاهی همت می‌شود از جاه و مقام، زر و زیور، همسر و فرزند پشت سر گذاشته و آخرین مرتبه‌ی آزادی روح را مالک شدند. در برابر آنها، گروهی پست و نفوسی پلید قرار گرفتند که روح و دلشان هرگز از کمند بندگی منصب و درجه و لذائذ مادی آزاد نگشته و از حریت ضمیر و بیداری وجدان بی‌بهره بودند و از کشتن اختیار و بندگان خدا و اطفال و شیرخواران باک نداشتند. در حساب مردم مادی، در این پیکار بُرد با دسته‌ی اشرار و دشمنان دین بود، و ایمان و عقیده‌ای که

حادثه عاشورا واقعه‌ای است که دل‌های ارباب ایمان و عشاق فضیلت و حقیقت در برابر آن به خاک تعظیم افتاد، و مشعل نورپاشی شد که در قرون و ادوار روزگار، چراغ هدایت مردان بزرگ و رهبران مصلح گردید، و آنها را از ظلمات تحیر و سرگردانی نجات داد. کاری که حسین علیه السلام کرد یک کار عادی که مانند آن را تاریخ نشان دهد نبود بلکه یک کار و قیام بی‌سابقه بود. یک کار و عمل خدایی بود که جوامع عالم جبروت، و سیگان صوامع ملکوت و ملاّی اعلی آن را بزرگ‌ترین تجلی کمال مقام انسانی دانستند، و قهرمانان فضیلت بشری و صاحبان عقول کامله، و واصلان حقایق عالیّه، پیغمبران اولوالعزم، اولیای عالی‌قدر و شهدای راه اصلاح و هدایت، آن را نمونه ممتاز و منحصربه‌فرد نمایش قدرت اراده، قوّت عزم و ثبات، کمال ایمان، صبر و فداکاری و شجاعت شمردند. ایمان خالص، مردانگی، صراحت، وفا و علوّ همت، شکیبایی و استقامت، مقاومت در برابر تجاوز و ستم، از سرتاسر این حادثه تاریخی و آلم‌زا نمایان و هویدا است. عظمت مقصد، ایای نفس و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و مادیات، و مرگ باعزت و شرافت را بر زندگی با ننگ و ذلت برگزیدن از جریان آن ظاهر و پیداست. شرح این داستان، شرح کمال روح انسان، و تحقیر تمام مظاهر مادی و لذائذ دنیوی و محکوم ساختن شرک





تصویری از کربلا در شب

و جنگ همان زمین کربلا نبود و نبرد، نبرد آن اشخاصی که در آنجا با هم روبه‌رو شدند نبود، بلکه نبرد، نبرد حق و باطل و اسلام و کفر بود و اگر اهل حق عقب‌نشینی می‌کردند، عقب‌نشینی آنها در همان جا و در آن روز به پایان نمی‌رسید و برای آیندگان و نسل‌های آتیه آثار خطرناک و مأیوس‌کننده داشت؛ زیرا تماشاکنندگان آن صحنه خونین، تنها مردم دنیای معاصر آنها و مسلمان‌های آن زمان نبودند، بلکه تماشاگران آن صحنه، تمام ملل اسلام و توده‌های مظلوم و محروم در مرور اعصار بوده و هستند، لذا حسین علیه السلام و یارانش آن استقامت عجیب و حیرت‌افزا را در آن میدان بلا نشان دادند و دشمن بدن‌های پاک آنها را پاره‌پاره ساخت ولی بر روح و اراده و نیت و هدف آنها دست نیافت.

قَدْ غَيَّرَ الظُّعْنُ مِنْهُمْ كُلَّ جَارِحَةٍ
إِلَّا الْمَكَارِمَ فِي أَمْنٍ مِنَ الْغَيْرِ^۱

نیزه (سلاح) تمام اعضای بدن آنان را تغییر داد (پاره‌پاره کرد) مگر بزرگواری‌های آنان را که از دگرگونی در امان است.

علت توجه نویسندگان و گویندگان

آنچه بیشتر سبب توجه گویندگان و نویسندگان به شرح واقعه کربلا شده است، نخست اهمیت دینی و مذهبی، و دیگر ارزش معنوی و واقعی آن برای انسان‌ها و جامعه بشری است.

۱- ازری، دیوان، ص ۳۱.

حسین علیه السلام و اصحابش را مظهر آن استقامت و فداکاری بی‌نظیر قرار داد، ارزش نداشت، و پایان آن حادثه، پایان روز عاشورا بود. اما در حساب واقع و تاریخ فضیلت و بلندپروازی‌های روح انسان و در حساب موازین قرآن و اسلام، پیروزی جاوید نصیب حسین علیه السلام و یارانش شد. در میزان اصحاب فضیلت، قیمت و بهای انسان، این منافع فانیه و لذائذ زودگذر نیست و حساب سود و زیان و شکست و پیروزی مردان بزرگ با این ترازوها صحیح نیست.

در میزان حقیقت، قیمت و ارزش اشخاص به مقدار قوّت ایمان و اراده‌ی آنهاست، و پیروزی واقعی، پیروزی باطن بر ظاهر، روح بر جسم، و حقیقت بر مجاز است؛ پیروزی، پایداری در راه مقصد و هدف و تسلط بر عوامل ضعف روح و تباهی ایمان است.

آری، مردم همه می‌میرند، و بسا کسانی که در راه عقیده و ایمان به حق جان سپردند ولی مانند شهیدان کربلا نامدار و جاوید نماندند و آن آزادی و استقامتی که آنها نشان دادند در سایر میدان‌های مواجهه‌ی حق و باطل آشکار نشد.

آنان دلیران شیردلی بودند، با آن‌که می‌توانستند با کناررفتن از آن ایستگاه خطرناک جان خود را حفظ کنند، با پای خویش به استقبال مرگ و شهادت رفتند و راستی اگر آنها آن روز در آن میدان عقب‌نشینی کرده و دوستی جان و مال و مقام، و بیم از شمشیر و مرگ آنها را شکست می‌داد زیان و ضرری که به انسانیت و موازین عالی‌ه‌ی اسلامی وارد می‌شد بیش از اندازه‌ی تصوّر بود. میدان کربلا میدان نبردی بود که صحنه‌ی جهاد



درس‌هایی که این واقعه به انسان‌ها می‌دهد همه عالی و آموزنده و سودمند بوده، و مکتب آن یک مکتب عمومی و همگانی است که کلاس‌ها و شعب آن در تمام نقاط و سرزمین‌های آدم‌نشین، شهری و روستایی، چادرنشین و آسمان‌خراش‌گزین را به فضایل انسانی، هدایت می‌کند. بدیهی است که چنین موضوعی هیچگاه کهنه نمی‌شود، همیشه نو و تازه بوده و مورد علاقه و توجه همگان است. از جنبه‌ی ثواب اخروی نیز برطبق احادیث صحیح و معتبر، سخنرانی و نویسندگی پیرامون آن، اجر بسیار داشته، موجب علو درجه و تقرب به خدا و رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) است. علاوه بر اینها، سرگذشت حقیقی کربلا، چون سرگذشت یک نبرد واقعی حق با باطل و پیکار با بیدادگری، و مبارزه فضیلت با رذیلت است، طبعاً و به‌خودی‌خود مورد توجه هر با وجدان و هر شخص عدالت‌پژوه و آزادی‌خواه است و احساسات پاک انسانی و بیداری ضمیر و شعور باطنی، هرکسی را شیفته و دل‌باخته‌ی قهرمانان حق‌پرست این حادثه می‌سازد. با این ملاحظات است که هزاران کتاب و صدها هزار شعر، در این موضوع گفته شده و نویسندگان و شعرا حتی در دوران‌های اختناق شدید افکار و تحت فشار سخت عمال حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، و دوران سلطنت «متوکل‌ها»، و خطر قتل و بر باد رفتن آبرو و عزت و مصادره‌ی اموال و قطع مستمری و حقوق و... امام حسین (علیه السلام) را فراموش نکرده و بعد از این هم تا دنیا، دنیاست این روش ادامه یافته و او را فراموش نخواهند کرد.

موجبات بقا و پایداری این حادثه‌ی دلسوز همواره آن را نگاه‌داری نموده و تا انسانیت باقی است و بشر، عدالت‌خواه و فضیلت‌دوست و دشمن ظلم و ستم و زور و حکومت خودکامگی است، این واقعه زنده است و او را به‌سوی زندگی هرچه آزادتر راهنما خواهد بود.

آری! هیچگاه بشر از شنیدن سرگذشت مردان حق‌پرستی که در کربلا در راه دفاع از حق و مبارزه با باطل فداکارانه‌ترین جهاد را نمودند، سیر نمی‌شود^۲ و داستان فداکاری‌های آن مردان نخبه‌ی جهان آفرینش و شهیدان حقیقت و فضیلت، زینت‌بخش جاودان اوراق تاریخ است، و گوش‌ها از شنیدن و چشم‌ها و زبان‌ها از مطالعه‌ی و خواندن آن ملول و خسته نخواهد شد.

نویسندگان آن را از برگزیده‌ترین موضوع مقالات و کتاب‌ها شناخته و همه با عشق و شور فراوان، دوست می‌دارند هم‌ردیف کسانی باشند که در این موضوع از آنها اثری به یادگار مانده است.

شعرای عرب و عجم اندیشه‌های تابناک خود را در لباس اشعار نغز و شیوا، و قصاید بلیغ و غزّا درآورده و با حرارت و ذوق سرشار، هرکدام به لحنی و زبانی از گوشه‌ای از این صحنه‌ی تاریخی و پیکار شگفت‌انگیز مردان خدا و حقیقت با اهل باطل و ضلالت، سخن گفته‌اند.

هرکس به‌زبانی سخن از مدح تو گوید بلبل به غزل خوانی و قُمری به ترانه

و با این همه کتاب‌ها و اشعار و نثر و نظم‌ی که در این موضوع نوشته و سروده شده باز هم کتاب‌هایی که از نو تألیف می‌شود برای عشاق فضیلت و حقیقت‌تازگی دارد و مطالعه‌ی آنها با حسن استقبال عموم روبه‌رو می‌شود و چون موضوع به مناسبت مقصد و هدفی که از آن منظور بوده بسیار وسیع و پهناور است، و هر نویسنده نمی‌تواند تمام این وسعت را دیدگاه بصیرت خود نماید، بیشتر کتاب‌هایی که در این موضوع نگاشته می‌شود خالی از فوائد تازه و نکات ارزنده و افکار بکر نیست، و بجا است اگر بگوییم از ناحیه‌ی آن حضرت، از هریک از نویسندگان دستگیری‌هایی شده که از این خرمن پرفیض محروم نمانده و از این دریای بیکران حقیقت جرعه‌ای بچشند. با توجه به این ملاحظات، نویسندگان، علما و متفکرین بزرگ، هزاران مقاله و کتاب در این موضوع نوشته و هر نویسنده‌ای که اندک آشنایی با هدف حسین (علیه السلام) یافته، مایل است ریزه‌خوار این سفره‌ی پهناور و خوان نعمت حسینی شده، اثری به یادگار گذارده و خود را در شمار شیفتگان حقیقت، و خریداران لطف و عنایت آن «یوسف مُلک شهادت» در آورد.

۲ - مگر کسانی که از آغاز و انجام این واقعه بی‌اطلاع باشند و یا خوی تجاوز به حقوق انسان‌ها و بیدادگری، حجاب وجدان و فطرت آنها شده باشد.



«حسین بن علی را بهتر بشناسیم»

«روایت خلق یک کتاب»



مرحوم آیت الله
محمد یزدی

در ایام نهضت اسلامی در کنار مبارزات عملی، مبارزه‌ی فکری و فرهنگی نیز در جریان بود. در این مسیر، روحانیون و علما پیشگام بودند. آنان با نگارش کتاب و گره زدن فضای سیاسی آن دوره به مبانی دینی، روشنگری می‌کردند. از جمله آثار و کتاب‌هایی که در ایام انقلاب با محوریت قیام عاشورا نوشته شد، کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر بشناسیم» به قلم آیت الله محمد یزدی رحمة الله علیه بود.

بلد نیستیم.» هر چه اصرار کردند، نپذیرفتم. روز دوم و سوم هم به همین منوال گذشت. روز چهارم، یکی از روضه‌خوان‌های پنج دقیقه‌ای نزد من آمد و گفت: «چرا شما روضه نمی‌خوانید؟ چه کار کنیم که شما هم روضه بخوانید؟» عرض کردم: «راهش این است که چند نفر از شما نوبت‌تان را به من بدهید تا من لااقل یک ساعت وقت داشته باشم. یک بار هم بیشتر منبر نمی‌روم.» روضه‌خوان‌ها با هم توافق کردند که یک روز به من وقت بدهند.

منبر انتقادی

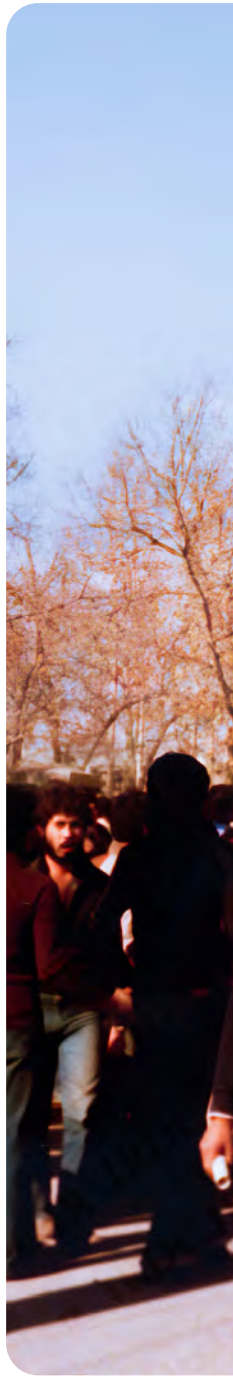
روز موعود فرارسید و من بالای منبر رفتم و با سبک خودم، شروع کردم به گفتن بسم الله الرحمن الرحیم. برای مردم چنین روضه خوانی که بر سر منبر دوام آورد، تازگی داشت. بعد از مقدمه‌چینی لازم، انتقادهایم را شروع کردم و گفتم: «این چه سبک روضه خوانی است، مگر امام حسین علیه السلام کشته شد که ما جمع شویم و قلبان بکشیم و چای بخوریم؟! معنا ندارد که فلان بازاری تنها به عنوان تبرک به اینجا بیاید و پنج دقیقه بنشیند و روضه‌ای استماع کند و برود.

سفر به یزد در ماه محرم

آیت الله یزدی درباره‌ی چگونگی و نحوه‌ی نگارش کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر بشناسیم» می‌گوید:

در جریان انقلاب، بنده به یزد مسافرت کردم که مصادف با ایام عزاداری بود. یزدی‌ها در عزاداری سبک خاصی دارند و عمدتاً از منبری‌ها دعوت می‌کنند و محافل شلوغ و پرحساس را راه می‌اندازند. یکی از منبری‌های دعوت شده، من بودم و یکی از عواملی که باعث می‌شد مردم آن منطقه به من احترام کنند، این بود که خودم یزدی بودم. مرحوم آیت الله صدوقی به من اظهار محبت بسیار می‌نمود؛ شاید به دلیل آن که بنده در قم به درس ایشان می‌رفتم. به هر تقدیر، در یزد به خانه یک حاجی معروف دعوت شدم که چادر و تشکیلاتی برپا کرده بود و جمعیت عظیمی را برای عزاداری سیدالشهدا علیه السلام گرد آورده بود.

روز اول که وارد مجلس شدم، در کناری نشستم و مشاهده کردم که روضه‌خوان‌ها و منبری‌ها بیش از پنج دقیقه روضه نمی‌خوانند؛ مردم هم پیوسته در رفت و آمدند، چایشان را می‌نوشتند و قلبانشان را می‌کشند و می‌روند. قدری بعد از من دعوت شد که منبر بروم. عرض کردم که «من منبر پنج دقیقه‌ای





دام. در مقدمه‌ی این کتاب، بانیان، مستمعان و ذاکران مجالس را به نقد کشیده‌ام و بیانم حالت تند و صریح دارد.

در مدت ده روزی که تا عاشورا باقی بود، شب‌ها در منزل یکی از بستگان یزدی به سر می‌بردم و در فرصتی که داشتم، کتاب را تدوین می‌کردم. کم‌کم به زمان انقلاب هم نزدیک می‌شدیم و تصمیم گرفتم کتابم را به دوستان معرفی کنم و نظرخواهی نمایم.

ماه رمضان بعد که در سیرجان به سر می‌بردم،

کتابم را که هنوز به طبع درنیامده

بود، با خودم بردم و برای دوستان

- از جمله فرد میزبان که آدم وارد و

فهمیده‌ای به نام آقای تخشید بود

- قرائت کردم. ایشان البته نظرش

این بود که «هر واقعیتی را نباید به

زبان آورد؛ به‌خصوص اگر با لحن

تند و صریح گفته شده باشد، بهتر

است این مطالب تعدیل شود و

بعد انتقادی‌اش کاهش یابد.» در

آن ایام پدرم هم به منطقه آمده بود

و من هر بار که برخی از آقایان به

دیدنشان می‌آمدند، کتابم را به آنها

ارائه می‌کردم. پدرم از این کار عصبانی

شد و گفت: «چند صفحه مطلب

مجالس ما باید روح و عمق داشته باشد و افراد برایش وقت بگذارند و دل بدهند.» سخنرانی من بیش از یک ساعت به طول انجامید. در انتها هم گفتم: «من از آقایانی که نوبتشان را به من دادند، تشکر می‌کنم و خداحافظ!» وقتی از منبر پائین آمدم، یک نفر از طرف صاحبخانه، نزد من آمد و گفت: «شما اگر ممکن است هر روز به مدت یک ساعت به اینجا بیایید و منبر تشریف ببرید!» عرض کردم: «نه، من بنای مزاحمت یک ساعته ندارم و امروز هم استثنا بود.» گفتم: «همه با این امر موافق هستند.»

یادداشت‌هایی که کتاب شد

در خلال روزهایی که در آنجا حاضر بودم، به وضع مجالس روضه‌خوانی آن زمان دقت کردم و آنچه به عنوان نقطه‌ضعف و انتقاد در کیفیت برگزاری این محافل به نظرم می‌رسید، روی کاغذ آوردم. یادداشت‌های پراکنده‌ای جمع شد که همان مایه‌ی اصلی کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر بشناسیم» بود. به تدریج به یادداشت‌هایم شکل منسجمی

بعضی از ناشرها قصد داشتند کتاب را پس از حذف بعضی از قسمت‌هایش به چاپ برسانند و من شدیداً با این کار مخالفت کردم و گفتم: «ارزش کتاب، به خاطر همین قسمت‌هایش است.» قسمت‌های مزبور، به داستان سلیمان صرد و مسلم بن عقیل مربوط می‌شد که عوامل حکومت از طریق جاسوسی، او را به دام انداختند.

حساسیت ساواک نسبت به کتاب «حسین بن

علی علیه السلام را بهتر بشناسیم»

کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر بشناسیم» بعد از چاپ، مورد استقبال خوبی قرار گرفت. ساواک با کتاب برخورد کرد و اگر در حجره‌ی طلبه‌ها یافت می‌شد، به عنوان مدرک جرم به حساب می‌آمد.

بعضی از ناشرها قصد داشتند کتاب را پس از حذف بعضی از قسمت‌هایش به چاپ برسانند و من شدیداً با این کار مخالفت کردم و گفتم: «ارزش کتاب، به خاطر همین قسمت‌هایش است.» قسمت‌های مزبور، به داستان سلیمان صُرد و مسلم بن عقیل مربوط می‌شد که عوامل حکومت از طریق جاسوسی، او را به دام انداختند. من این مقطع از تاریخ خونبار اسلام را با زبان خاصی بیان کرده بودم که به اوضاع زمان شاه هم ربط پیدا می‌کرد. من اعلام کردم که «با حذف کتاب موافق نیستم و اگر این اتفاق بیفتد، من اعلام جرم خواهم کرد.» بعد از پیروزی انقلاب، امتیاز کتاب را به سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار کردم و این سازمان هم در چند مناسبت به چاپ آن اقدام کرد. این کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی و اردو نیز ترجمه و چاپ شده است.

وجه توفیق کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر

بشناسیم»

من معتقدم که دلیل توفیق کتاب «حسین بن علی علیه السلام را بهتر بشناسیم» این است که دارای خلوص است. بدین معنا که در مقطعی که مشغول نگارش آن بودم، روحاً تمایل داشتم که این بحث، درست‌پروانده شود و متناسب با شرایط زمان و مکان از کار درآید. گمان می‌کنم این یکدلی و خلوص در نوشتن، تنظیم و هدف انقلابی، به میزان زیادی کار کتاب را جلو برد. بعدها تنی چند از دوستان اصرار کردند که در ادامه، داستان کربلا هم که همان اسارت اهل بیت علیهم السلام بود، نگاشته شود. من گفتم: «نه فرصت این کار را دارم و نه روحیه‌ای که در آن ایام در من بود، موجود است؛ ضمن این‌که به نظر من شهادت نسبت به اسارت دارای گویایی خاصی است و بیشتر می‌تواند در انقلاب ما نقش داشته باشد.»

نوشته‌ای، آن وقت هر کسی پیدا می‌شود، درمی‌آوری و می‌گویی این مال من است؟» عرض کردم: «من قصد سوئی ندارم و تنها می‌خواهم نظر آقایان را جویا شوم و از راهنمایی‌هایشان بهره‌مند گردم.» پدرم هم نظرش این بود که «صبغی انتقادی کتاب پررنگ است.» آقایان نظرات مختلفی داشتند ولی در مجموع، مرا تشویق به ادامه کار می‌کردند. من در صدد چاپ کتاب بودم و وقتی در آستانه‌ی انقلاب قرار گرفتیم، ترجیح دادم که کتاب را به زبان انقلاب درآورم. رعایت این نکات و تناسب کتاب با مسائل اجتماعی باعث شد که این کتاب به فاصله اندکی، هشت الی نه بار تجدید چاپ شود. برای چاپ کتاب با آقای اسدالله طباطبایی که در قم کتاب‌فروشی داشت و به اتفاق اخوی‌اش به تأسیس چاپخانه‌ای مبادرت کرده بودند، وارد مذاکره شدم. آنها هم موافقت کردند و من بسیار خوشحال شدم. چند روز بعد، فردی به نام آقای مصطفوی با من برخورد کرد و ابراز تمایل کرد که کتاب را چاپ کند، بعد پرسید: «شما با ناشر قبلی چگونه قرارداد بسته‌اید؟» عرض کردم: «من زیاد در بند این مسائل نبوده‌ام و تنها چاپ کتاب برایم اهمیت داشته است.» مصطفوی گفت: «امتیاز کتاب را به ما واگذار کن تا به چاپش برسانیم. همان‌گونه که با بقیه کتاب‌ها عمل کردیم، با تو هم عمل می‌کنیم.» من هم موافقت کردم.



* خاطرات آیت‌الله محمد یزدی، صفحات ۱۰۳ تا ۱۰۷، چاپ اول، ۱۳۸۰، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

«فراز و فرود طراز اول»



شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله سید عبدالحسین بهجت

اشاره:

در برهه‌ای که انقلاب مشروطه با رهبری و پیشاهنگی علما شکل گرفت، هم‌اینان برای جلوگیری از بی‌عدالتی و بی‌قانونی به قم مهاجرت کردند و این مهاجرت کبری، منجر به صدور فرمان مشروطه شد. به همین جهت، مظفرالدین شاه، مجلس را در آغاز، «مجلس شورای اسلامی» نام نهاد. اما افرادی به رویارویی با این تصمیم برخاستند و آن را تبدیل به «مجلس شورای ملی» کردند.

در مجلس اول، «اصل دوم متمم قانون اساسی» به تصویب رسید که تضمین‌کننده اسلامیت قوانین کشور بود. اما این اصل نیز مورد بی‌مهری قرار گرفت. در آن مقطع علما با تأکید بر قانون اساسی، اجرای این اصل مهم را بارها خواستار شدند و در این راه کوشش‌های فراوانی انجام دادند. پس از مشروطه نیز بسیاری از حرکت‌های علما برای اجرای قانون اساسی به‌ویژه اصل دوم متمم قانون اساسی بوده است.

البته شماری نیز بودند که برای به دست آوردن موقعیت خود به علما متوسل شده، اجرای این اصل را شعار خود قرار می‌دادند و چنین وانمود می‌کردند که می‌خواهند این اصل متروک شده را احیا کنند. حمایت علما از برخی حاکمان در برابر اجرای این اصل و دیگر اصول قانون اساسی از این منظر بوده است.

نمونه‌ی بارز آن سردار سپه (رضاخان) است که در مقطعی بر اجرای این اصل تأکید داشته و آن را در محضر علما مورد توجه قرار می‌داد. اما در واقع وسیله‌ای بود برای رسیدن به پادشاهی که وقتی به آن رسید تمام وعده‌هایش را زیر پا گذاشت.

اولین انتخاب و آخرین تلاش‌ها برای تعیین مجتهدان ناظر بر مجلس مشروطیت

«به مناسبت ۱۴ مرداد سالروز صدور فرمان مشروطیت»

✍ علی اکبر ذاکری

تصویب اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت

مهم‌ترین موضوعی که در مجلس اول مورد بحث واقع شد، «مشروع و مشروطه» بود که کدام یک از این دو برگزیده شود. در عین این‌که در مجلس اول، فقط با یک رأی بیش‌تر، عنوان «مشروطه» برگزیده شد، اما پافشاری آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری و بست‌نشینی ایشان در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام و انتشار لواحی در این زمینه و حمایت علمای بلاد، زمینه‌ی تصویب اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت را که تضمین‌کننده‌ی اسلامیت قوانین ایران بود، فراهم ساخت.

این اصل بیان می‌کند: «برای این‌که قوانین مصوّب مجلس، بر خلاف شرع نباشد، همیشه پنج تن مجتهد و فقیه متدین آگاه از مقتضیات زمان، از لیست بیست نفره‌ای که از سوی مراجع بزرگ به مجلس معرفی می‌شوند، اعضای مجلس شورای ملی، بالاتفاق و یا به قید قرعه، آنان را برگزینند و آنان با دقت، آنچه را که مورد تصویب نمایندگان می‌رسد، بررسی کنند و موادی که مخالف با قواعد مقدسه‌ی اسلام باشد طرح ورد نمایند تا عنوان قانونیت نیابد و این اصل تا زمان ظهور حضرت حجت، عجل الله تعالی فرجه الشریف، تغییرپذیر نخواهد بود»^۱.

۱- اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت: «مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام علیه السلام، و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام، خلدالله سلطانه، و مراقبت حجج اسلامیه، کثرالله امثالهم، و عامه ملت ایران، تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام، صلوات الله علیه، نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام، علیهم السلام وجودهم، بوده و هست. لہذا رسماً مقرر است، در هر عصری از اعصار، هیأتی که کم‌تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین، که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه، اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند، پنج نفر از آنها را یا بیش‌تر، به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق»



اولین و آخرین انتخاب علمای طراز توسط «آخوند خراسانی»

این نامه برای مجلس ارسال می‌شود، اما مجلس، دو ماه و نیم، نامه را پنهان نگه می‌دارد. این در حالی است که دست‌اندرکاران مجلس، بیانیتهای علمای نجف را خیلی زود در مجلس عنوان می‌کردند و در مطبوعات نشر می‌دادند. نماینده‌ای به تاریخ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ ه.ق از نامه علمای نجف به مجلس خبر می‌دهد و از رئیس مجلس می‌خواهد که نامه نشر شود. رئیس مجلس، وعده می‌دهد که در جلسه پنجمین، مطرح خواهد شد اما در آن جلسه هم موضوع مطرح نشد. در این بین، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی در شب جمعه ۱۳۲۸ ه.ق ترور شد. نهایتاً در جلسه ۱۹ رجب ۱۳۲۸ ه.ق نامه حضرات آیات خراسانی و مازندرانی، در معرفی بیست نفر از مجتهدان، خوانده می‌شود. در این جلسه تأیید شد که علمای نجف، شیخ هادی قائینی را جایگزین آیت‌الله بهبهانی کرده‌اند. با این‌که معرفی وی، یک هفته پس از معرفی ۲۰ نفر از مجتهدان، در نامه یاد شده بوده است. »

از مطالعه سیر این رویدادها به دست می‌آید که

ابوالحسن اصفهانی ۵. آقای آقا شیخ مهدی مازندرانی ۶. آقای آقاضیاء‌الدین عراقی ۷. آقای آقا شیخ عبدالله گلپایگانی / از مشهد، علی مشرفها الصلوة والسلام: ۸. آقای حاجی سید اسدالله قزوینی تنکابنی. از خود تهران: ۹. آقای حجت الاسلام بهبهانی ۱۰. آقای حاجی امام جمعه خوئی ۱۱. آقای میرزا سید محمد آقازاده بهبهانی / از اصفهان: ۱۲. آقای حاجی آقا نورالله ثقة الاسلام ۱۳. آقا سید حسن مدرس قمشاهی / از تبریز: ۱۴. آقای حاجی میرزا ابوالحسن انگجی / از شیراز: ۱۵. آقا سید علی کارزونی / از یزد: ۱۶. حاج سید علی حائری / از بلده طایفه قم علی النوایه بها سلام الله: ۱۷. آقای حاجی میرزا زین العابدین / از همدان: ۱۸. آقای حاجی شیخ محمدباقر / از سلطان آباد عراق: ۱۹. آقای آقا نورالدین / از گلپایگان: ۲۰. آقای آخوند ملا زین العابدین ادام الله تعالی تأییداتهم و تسدیداتهم: آقایان عظام که معرفی شده‌اند، ائصار جمله از ایشان به معرفت کامله خودمان معلوم و نسبت به بعضی، به شهادت شهود ثابت است...»

با همه‌ی تلاش‌هایی که برای تصویب اصل دوم متمم قانون مشروطیت، انجام گرفت، این اصل فقط در مجلس دوم به اجرا درآمد و در دوره‌های دیگر مجلس مشروطه، اجرا نشد. برای این‌که تلاش‌های آخوند خراسانی و علمای نجف روشن شود، گزارشی از روند اجرای آن در مجلس دوم ارائه می‌شود:

«بعد از فتح تهران، اولین جلسه‌ی دومین دوره مجلس شورای ملی، در دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ه.ق در بهارستان برگزار شد. انجمن ایالتی آذربایجان در تبریز از مجلس خواست که اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی را از حضرات آیات نجف درخواست کند. انجمن ایالتی خراسان نیز در ۲۳ ذی‌قعدة ه.ق درخواست مشابهی را مطرح کرد. حضرات آیات آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی در تلگرافی به مجلس به تاریخ ۲۳ ذی‌قعدة ه.ق، این موضوع را مطرح کردند و در ۲۲ ذی‌حجه ه.ق، از علمای تهران درخواست کردند که افرادی را برای تنظیم اسامی بیست نفر برای ارسال به مجلس از فقیهان آشنای به زمان به مجلس معرفی کنند تا نمایندگان برای نظارت بر سیر قانون‌گذاری، از بین آنان پنج نفر را یا بیش‌تر، برابر نیاز هر زمان برگزینند. در نتیجه آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی، به تاریخ ۳ جمادی‌الاولی سال ۱۳۲۸ ه.ق، بیست تن از فقیهان را به مجلس، معرفی کردند.^۲

ک یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سمت عضویت بشناسند، تا موادی که در مجلس عنوان می‌شود به دقت مذاکره و بررسی نموده، هر یک از آن مواد معنونه که مخالف با قواعد مقدسه اسلام باشد، طرح و رد نماید که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علما در این باب، مطاع و متبع خواهد بود و این ماده، تا ظهور حضرت حجت عصر عجل الله تعالی فرجه، تغییرپذیر نخواهد بود.» (لغت نامه دهخدا) ج ۱۱، ویرایش سوم، مدخل قانون اساسی

۲- «... از نجف اشرف، زاده‌الله تعالی شرفاً و عزاً: ۱. آقای حاجی سید مصطفی کاشانی ۲. آقای آقا شیخ اسماعیل محلاتی ۳. آقای آقامیرزا محمدحسین نائینی ۴. آقای آقا سید





موانع تحقق اصل طراز

مجلس، سیاستش بر این بوده که اصل دوم متمم قانون اساسی جامه عمل نپوشد. شیوه برخورد مجلس با نامه علمای نجف و شهادت آیت الله بهبهانی برای همه روشن کرد، سیدحسن تقی زاده، متهم اصلی است زیرا وی آزادی به سبک فرانسه را مطرح می کرد و با قوانین مذهبی مخالف بود و در نتیجه، مجلس تمایلی به این کار نداشت، ولی نفوذ آیت الله آخوند خراسانی آن قدر زیاد بود که به ناچار این اصل را عملی کردند و به دستور آخوند خراسانی، تقی زاده از مجلس اخراج شد. در ادامه گزارشی از برگزیده شدن علما و مجتهدان طراز اول را برای نظارت بر سیر قانون گذاری در مجلس آورده می شود تا روشن شود چگونه این وظیفه مهم که بر عهده عالمان دین بود بر زمین ماند:

میرزا زین العابدین قمی پس از دست کم چهار بار رأی گیری به اتفاق آرا (۶۳ رأی از ۶۸ رأی) برای هیأت ناظران، در جلسه هفتم شعبان ۱۳۲۸ ه. ق برگزیده شد. وی در جلسه پنجم شعبان ۱۲ شعبان وارد مجلس شد و پس از مدتی در عاشورای ۱۳۲۹ ه. ق درگذشت. همچنین در جلسه ۷ شعبان آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج میرسیدعلی حائری و آقا سیدحسن مدرس قمشاهی و حاجی امام جمعه خوئی به حکم قرعه، انتخاب گردیدند. در نشست روز شنبه ۲۱ شعبان ورود امام جمعه خوئی تبریک گفته شد. وی نمایندگی مردم یزد را هم برعهده داشت.

در نشست ۲۶ شعبان تلگرافی از یزد رسید که میرزا سیدعلی حائری از هیأت فقیهان ناظر بر سیر قانون گذاری استعفا داده بود.

در جلسه شنبه ۲۸ شعبان، به جای وی، حاج شیخ



انگجی، برگزیده شدند و خبر برگزیده شدن آن دو، به تبریز و خراسان تلگراف زده شد لکن در جلسه‌ی سه‌شنبه ۱۴ صفر ۱۳۲۹ ه.ق شیخ محمدهادی قایینی در تلگرافی به مجلس اعلام کرد: «در فصل زمستان، نمی‌تواند در مجلس حضور بیابد و در نوروز شرکت خواهد کرد» که تا پایان دو ساله دوره دوم مجلس ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ه.ق به مجلس نیامد. درباره‌ی پذیرفتن و نپذیرفتن میرزا ابوالحسن انگجی هم گزارشی در دسترس نیست.

از آنچه فرا روی نهادیم، روشن شد که اصل دوم متمم قانون اساسی پا نگرفت و به صورت ناقص فقط در «مجلس دوم» عملی گردید و این چنین سرنوشتی پیدا کرد و موضوع «نظارت علمای دین بر سیر قانون‌گذاری» برای همیشه پایان یافت. زیرا در دوره‌های بعدی، نه آخوند خراسانی و نه مازندرانی در قید حیات بودند و نه مجلس از مراجع دیگر خواست که مجتهدانی را برای نظارت معرفی کنند. این اصل مهم و سرنوشت‌ساز که به گفته‌ی حضرت امام خمین^{ره}، علما به خاطر آن جان دادند، پ‌اثر ماند و نیز تلاش‌هایی بعدی و مجدد برخی دیگر از علما در سالیان دیگر، بی‌اثر بوده و همه ناکام ماند. نگاهی عبرت‌آموز به این رویداد مهم، نشان می‌دهد که چگونه استعمار از عرصه‌های خالی و بی‌هماورد، به سود خود بهره برده و بر دامنه‌ی سلطه‌ی اهریمنانه‌ی خود افزود. در غیاب عالمان دین، روشنفکران سکولار و لژهای فراماسونری انجمن‌های سری، یکه‌تاز شدند و زمینه برای استبداد رضاخانی و سلطه‌ی بی‌چون و چرای انگلیس فراهم شد.

محمدباقر همدانی، به قید قرعه برگزیده شد. در جلسه‌ی شنبه، پنجم رمضان استعفای وی که از همدان به تهران فرستاده بود، خوانده شد. آنگاه حاج آقا نورالله اصفهانی به قید قرعه برگزیده شد و وی در تلگرافی به مجلس که روز پنج‌شنبه ۱۷ رمضان در مجلس خوانده شد به دلیل مسافرت به عتبات از حضور فوری، عذرخواهی کرد.

در جلسه‌ی سه‌شنبه ۵ ذیقعه، تلگراف استعفای سید ابوالحسن اصفهانی از عضویت در هیأت مجتهدان ناظر بر سیر قانون‌گذاری خوانده شد. در جلسه‌ی پنجشنبه هفتم ذیقعه، آقا شیخ مهدی مازندرانی معرفی شد و در جلسه‌ی ۱۵ محرم ۱۳۲۹ ه.ق تلگراف استعفای او خوانده شد.

در نتیجه، از پنج فقیه که با رأی و به قید قرعه برگزیده شدند، کسی برای نظارت به مجلس نیامد، جز امام جمعه خوئی که نماینده مردم یزد بود و در مجلس حضور داشت و آقا سید حسن مدرس که در ۲۸ ذی‌الحجه، به مجلس آمد و حاج آقا نورالله اصفهانی که بنا بود پس از سفر عتبات به مجلس بیاید و هرگز نیامد.

در این مرحله، مجلس دو عضو کم داشت؛ سید ابوالحسن اصفهانی استعفا داده بود و زین‌العابدین قمی هم در عاشورای ۱۳۲۹ ه.ق به رحمت خدا پیوسته بود. در این هنگام، اشکال قانونی مطرح شد «چون فقیهان معرفی شده از سوی آیات نجف ۲۰ نفر نیستند، برگزیدن آنان ممکن نیست». موضوع برای بررسی به کمیسیون برگشت داده شد. برای دو نفر رأی‌گیری شد اما هیچ یک از آن دو رأی نیاورد. در نهایت به قید قرعه آقایان: حاج شیخ محمدهادی قایینی و حاج میرزا ابوالحسن

استبداد رضاخانی عامل شکست مشروطه مشروعه

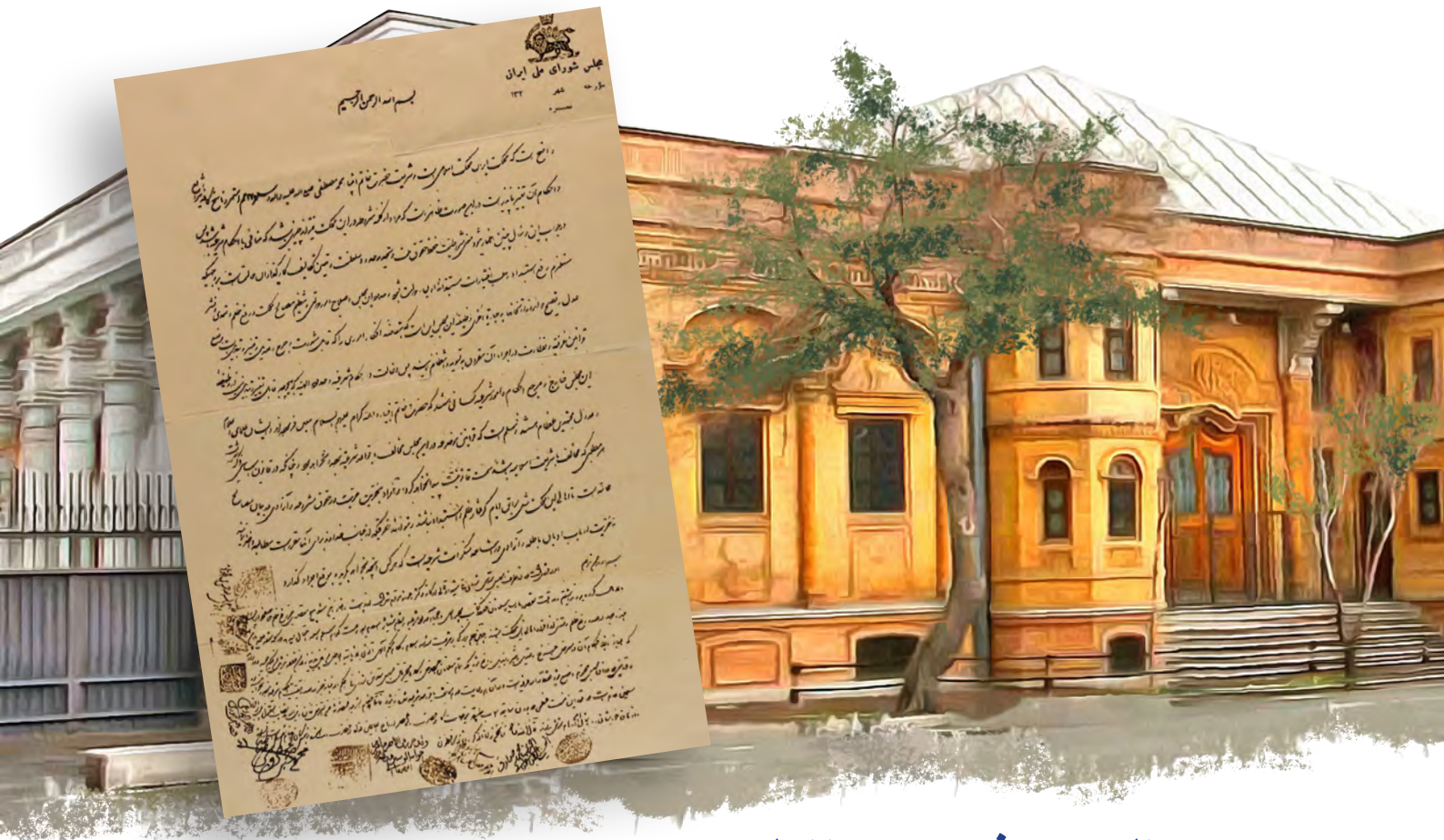
آخرین تلاش‌ها برای اجرای اصل دوم در مجالس بعدی پس از آن مقطع، تلاش‌هایی بود که برای اجرای این اصل در مجلس‌های چهارم، پنجم و ششم در هنگام مهاجرت علمای اصفهان به قم به عمل آمد که بیش‌تر در زمانی بود که رضاخان در آستانه‌ی رسیدن به قدرت و یا سال‌های آغازین حکومتش بود. متأسفانه بخشی از این تلاش‌ها اصولاً مطرح نشده، یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علمای نجف و بزرگانی مانند حضرات آیات سیدابوالحسن اصفهانی، محقق نائینی و شیخ عبدالکریم حائری، برای اجرای این اصل، رضاخان را در حل قضیه جمهوریت کمک کردند تا از یک طرف اسلامیت قوانین را تضمین کنند و از سوی دیگر مانع پیامدهای سوء کشمکش‌های سیاسی این واقعه شوند. اما رضاخان به قولی که داده بود، عمل نکرد و یا از اول چنین نظری داشت و خواست عمل کند. رضاخان، افزون بر تظاهر به شعائر مذهبی و شرکت در مجالس عزاداری، برای جلب اعتماد علما به گونه‌ای عمل می‌کرد که طرفدار مذهب معرفی شود و اعتماد مراجع تقلید را نیز جلب نماید.^۳

چنین به نظر می‌رسد که در قضیه جمهوریت، مشاوران رضاخان وی را برای سفر به قم تشویق کرده باشند. البته او قبل از این به قم رفته بود، اما در حد یک همراه احمد شاه در مجلس علما حاضر شده بود. اما اکنون برای حل مشکل، خود می‌خواست به قم برود. این احتمال را نیز می‌توان در نظر داشت که ممکن است علما درخواست‌هایی از وی داشته‌اند، چرا که احمد شاه به فرنگ رفته و او در آن روز، مرد اول ایران بود. از این روی تلاش می‌کرد چنین بنمایاند که در پی اجرای خواست علما و مردم است و فضای عمومی کشور را در نظر دارد و می‌داند که مردم و علما در این شرایط از او می‌خواهند که اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی را در دستور کار خود قرار دهد.

در سفر به قم برای حل مسئله‌ی جمهوریت با برنامه حرکت می‌کرد. از این روی از تلاش خود برای اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی سخن به میان آورد و این به فضا سازی‌هایی نیاز داشت که انجام داد. در قم نیز علما از سردار سپه درخواست‌هایی داشتند که یکی از آنها، تعیین پنج مجتهد برای نظارت بر قوانین مجلس بوده است.

۳- زمانی که رضاخان وزیر جنگ بود در ۲۹ مهر ۱۳۰۱ ه.ش به مجلس شورای ملی (دوره چهارم) رفت و پس از ملاقات با رئیس مجلس، تقاضا نامه روحانیون را که دارای ۶ ماده بود به ریاست مجلس داد که یکی از مواد مهم آن، «تقاضای انتخاب مجتهدان طراز اول برای پارلمان» بود.





متن نامه معرفی بیست نفر از علمای برای نظارت بر قوانین

«... مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه؛ چون به موجب اصل دوم متمم قانون اساسی مقرر است بیست نفر از علمای اعلام به مجلس محترم معرفی شوند و پنج نفر از ایشان را بالاتفاق یا به قرعه برای مراقبت در عدم مخالفت آراء صادره با قوانین مقدسه اسلامیه انتخاب نموده امضا (و) رد آن پنج نفر را در این باب مَطاع و متبّع دانند، لهذا علمای عظام مفصله الاسامی را به مجلس محترم معرفی می‌نمائیم. شهر شعبان المعظم ۱۳۴۲ هـ. ق.»^۴

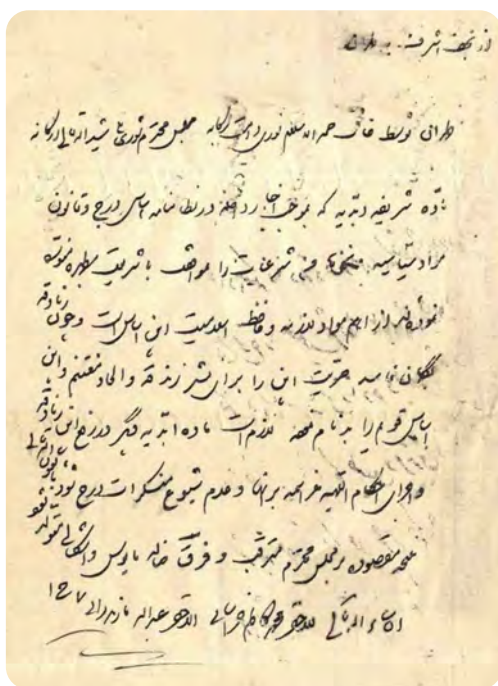
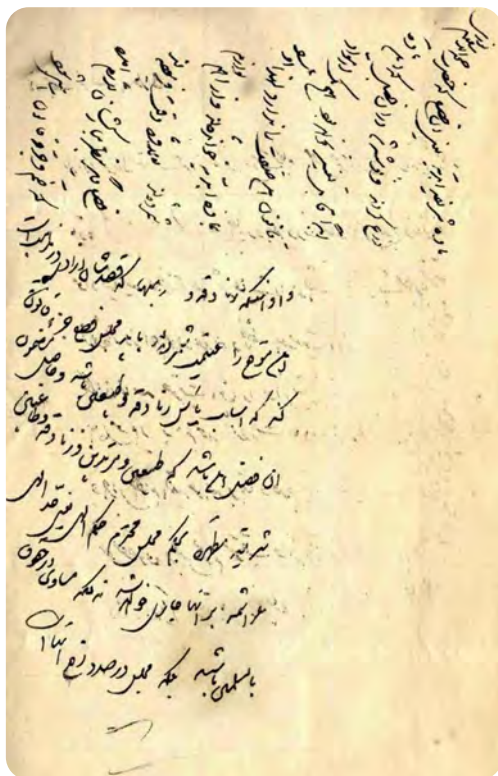
۴- «از نجف اشرف: آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی، آقای حاج شیخ محمد کاظم شیرازی، آقای حاج میرزا احمد آیت‌الله زاده و آقای حاج شیخ اسحق آیت‌الله رشتی / از تهران: آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی، آقای امام جمعه خویی، آقا حاج سید محمد امام جمعه و آقای آقا سید حسن مدرس / از اصفهان: آقای حاج آقا نورالله و آقای فشارکی / از خراسان: آقای حاج میرزا محمد آقا زاده (خراسانی) آقای حاج شیخ احمد شاه‌رودی / از کرمانشاه: آقای آقا شیخ هادی، آقای حاج آقا محمد مهدی / از شیراز: آقای آقا شیخ مرتضی، آقای آقا شیخ جعفر، آقای آقا سید جعفر / از یزد: آقای حاج میرزا سید علی یزدی مدرس / از عراق (اراک): آقای حاج آقا مصطفی، آقای حاج میرزا محمد علی خان... الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی الاحقر

تاریخ نگارش نامه مزبور، شعبان ۱۳۴۲ هـ. ق. است. این تاریخ مربوط به زمانی است که حضرات آیات اصفهانی و نائینی هنوز در قم بوده‌اند، زیرا بیانیه‌ی رضاخان درها کردن جمهوری در ۲۵ شعبان ۱۳۴۲ هـ. ق. در تهران صادر شده است و اعلامیه‌ی علمای نجف درباره‌ی جمهوریت چند روز بعد یعنی ۲۷ شعبان صادر شده است. چنین به نظر می‌رسد که علمای مهاجر و آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، اسامی این ۲۰ نفر را در هنگام دیدار رضاخان با آنان به وی داده است و یا در روز ۱۴ فروردین که تلگراف آنان به تهران رفته و روز ۱۵ فروردین در روزنامه منتشر شده است. اسامی این افراد را برای مجلس از طریق سردار سپه فرستاده‌اند.

یکی از خواسته‌های علمای در نشست با رضاخان در قم، مسأله ناظر شرعیات بر مطبوعات بوده است که به دستور رضاخان، روزنامه‌ی ایران در خرداد ماه سال ۱۳۰۳ هـ. ش. نامه‌ای را که وی به وزارت معارف نوشته و حدود مسئولیت و ناظر شرعیات بر مندرجات مطبوعات و نمایش‌ها را بیان می‌کند، منتشر کرد.^۵

محمد حسین النوری... النائینی... «... اشخاص مفصله‌ی فوق دامت برکاتهم که حضرتین آیتین، آدم‌الله ظلهما، معین فرمودند صحیح و محل اعتماد این جانب هستند... الاحقر عبدالکریم الحائری»

۵- نمونه‌ای از نامه‌های تقدیمی به محضر علما مبنی بر لزوم تصویب مقررات مطابق با موازین اسلامی و شرعی: «حضور مبارک حجج اسلام و»



مکاتبات حضرات آیات عظام محمدکاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی در مورد درج ماده ابدیه مربوط به تطابق قوانین سیاسی و اساسی با اصول شرع اسلامی (اصل دوم متمم قانون اساسی)

چنین به نظر می‌رسد که رضاخان برای جلب اعتماد علمای نجف این کار را انجام داده است زیرا تاریخ انتشار آن پس از سفر وی به قم و پیش از سفر به نجف است که ممکن است در سفر به نجف (۲۴ دی ۱۳۰۳ ه.ش) به علما گفته باشد من این درخواست شما را انجام دادم.

قرائت نامه آیات عظام در مجلس پنجم مشروطه

مؤتمن الملک، ریاست مجلس دوره پنجم در بیست و نهمین جلسه‌ی مجلس، در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۰۳ ه.ش اظهار داشت: «لایحه‌ای از طرف آقای سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا محمد حسین نائینی و آقای شیخ عبدالکریم راجع به معرفی بیست نفر از آقایان طراز اول به مجلس رسیده است. گفتم سوابق این کار را در اداره‌ی تقنینیه‌ی معین بکنند و در جلسه‌ی دیگر به اطلاع آقایان برسد». در جلسه‌ی اول تیر ۱۳۰۳ ه.ش. گفت: «سابقه این امر آماده است و در قانون اساسی هم مطرح است که این انتخابات باید به اتفاق آرا باشد یا به قید قرعه سپس اصل لایحه قرائت و پس از آن به شعبه ارجاع داده شد.»

آیات الله علی الانام... معروض می‌دارد به حکم محکم مبارک اعلی حضرت حجه الله المطلق ولی الله علی الحق امام عصر علیه السلام (و اما الحوادث الواقعة علیکم فارجعوا فیها) الی رواة احادیثنا فائهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم» عامه شیعه و فرقه جلیله اثنی عشریه مأموریت دارد که در پیش آمد حوادث خود در زمان غیبت کبری پناه به اولیا دین و روضاء شرع خاتم النبیین، کثرالله امثالهم، بیاورند تا به وسیله‌ی بزرگان دین، به شاهراه محکم مبارک «و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» اولیا دین مؤمنه که از ایتمام اسلام کفالت فرمایند و در حفظ حوزه‌ی مسلمین حتی الامکان بذل جهد فرمایند و چون اصل دوم قانون اساسی که ذیلاً از لحاظ مبارک می‌گذرد، دولت ایران با هزاران تلفات جانی و خسارات مالی این اصل مقدس را تحصیل و حصن حصین خود قرار داده و در سه دوره تقنینیه در بوته اجمال و اهمال ما، رها بود، اکنون که دوره پنجم مجلس شورای ملی است با اوضاع اسف آمیز محیط امروزه که در انتظار مبارک تان مشهود و ذکرش موجب تطویل است، تعطیلی این اصل مقدس موجب پیش آمدهای ناگوار به عالم اسلامیت خواهد بود. لذا قاطبه مسلمین... با کمال بی‌صبری از پیشگاه آن ذوات مقدسه و حمایه اسلامیه به جدیت تقاضا می‌نمایند که به فوریت عده مرقوم در اصل سطور را تعیین و معرفی فرمایند و مسلمین را از تیه ضلالت نجات داده به برکات انفاس قدسیه آن ذوات محترمه، مسلمین روی به اوج ترقی آورده و موجب سرفرازی عامه و مایه تشکر قاطبه موحدین گردد و هر آن گاه خدای نخواست، بزرگان ما استنکاف نمایند و مضلین را مهمل و معطل به خود واگذار فرمایند در پیشگاه عدل الهی عامه را مسئولیتی نخواهد بود.»



مجلس شورای ملی ایران | دوره پنجم

آن مقطع علما با تأکید بر قانون اساسی، اجرای این اصل مهم را بارها خواستار شدند و در این راه کوشش‌های فراوانی انجام دادند. پس از مشروطه نیز بسیاری از حرکت‌های علما برای اجرای قانون اساسی، به‌ویژه اصل دوم متمم قانون اساسی بوده است.

البته شماری نیز بودند که برای به دست آوردن موقعیت خود به علما متوسل شده، اجرای این اصل را شعار خود قرار می‌دادند و چنین وانمود می‌کردند که می‌خواهند این اصل متروک شده را احیا کنند. حمایت علما از برخی حاکمان، در برابر اجرای این اصل و دیگر اصول قانون اساسی، از این منظر بوده است. نمونه بارز آن سردار سپه (رضاخان) است که در مقطعی بر اجرای این اصل تأکید داشته و آن را در محضر علما مورد توجه قرار می‌داد، اما در واقع به وسیله‌ای بود برای رسیدن به پادشاهی که وقتی به آن رسید تمام وعده‌هایش را زیر پا گذاشت.

پس از آن، موضوع در جلسات بعدی مطرح شد ولی در عمل کاری انجام نگرفت و کسی از مجتهدین برای نظارت بر قوانین مجلس انتخاب نشد و با زیرپا گذاشتن وعده‌های دروغینی که رضاخان به علما برای رسیدن به قدرت داده بود، با فریبکاری او، عملاً دوره سیاه و ضداسلامی پهلوی اول آغاز شد.

در برهه‌ای که انقلاب مشروطه با رهبری و پیشاهنگی علما شکل گرفت، هم‌اینان برای جلوگیری از بی‌عدالتی و بی‌قانونی به قم مهاجرت کردند و این مهاجرت کبری، منجر به صدور فرمان مشروطه شد. به همین جهت، مظفرالدین شاه، مجلس را در آغاز، «مجلس شورای اسلامی» نام نهاد. اما افرادی به رویارویی با این تصمیم برخاستند و آن را تبدیل به «مجلس شورای ملی» کردند. در مجلس اول، «اصل دوم متمم قانون اساسی» به تصویب رسید که تضمین‌کننده‌ی اسلامیت قوانین کشور بود، اما این اصل نیز مورد بی‌مهری قرار گرفت. در

«قـاب تاريـ»



از راست: حضرات آیات؛ ربّان شیرازی، رضوانه، خزعلی، صانع و جنتی. تشییع پیکر شهید چمران مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی



ایستاده از راست: محمد صالحی، علی آزاد، آیت الله جنتی، محسن هادوی، آیت الله خزعلی، حسین مهرپور، آیت الله رضوانی، مهدی هادوی. نشسته از راست: حضرات آیات صانع، صافی گلپایگانی، مهدوی کنی و گودرز افتخار جهرمی

«تصاویر نادیده و کمتر دیده شده»



خ



ردیف جلو، از راست: حضرات آیات؛ خامنه‌ای، صانع، ربانے شیرازی، جنتی، حجت الاسلام سید احمد خمینی، آیات بهشتی و موسوی اردبیلی، عباس شیبانی و آیت الله مهدوی کنی. افتتاحیه اولین دوره مجلس شورای اسلامی، ۷ خرداد ۱۳۵۹



حضرات آیات؛ مهدوی کنی، خزعلی و آقای علی آزاد.



ردیف جلو، از چپ: محسن هادوی، حسین مهرپور، گودرز افتخار جهرمی، محمد صالحی، آیت الله صانعی، مهدی هادوی و آیت الله رضوانی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۰



ردیف جلو از راست: آیت الله خادمی اصفهانی، حجت الاسلام سید احمد خمینی، گودرز افتخار جهرمی، حضرات آیات: جنتی، ربانی املشی، رضوانی، صافی گلپایگانی و خزعلی، حسین مهرپور، علی آزاد، محسن هادوی و محمد صالحی. افتتاحیه اولین دوره مجلس خبرگان رهبری ۲۳ تیر ۱۳۶۲.



ایستادہ از راست؛ محمد صالح، حسین مہرپور، علی آزاد، خسرو بیڑے، سید جلال الدین مدنی و حسن فاخری، نشستہ از راست، حضرات آیات؛ محمدی کیلانے، مؤمن، صافی گلپایگانی، خزعلے، جتئی و امامے کاشانے. جلسہی شورای نگہبان بین سالہای ۶۲ تا ۶۵



از راست: آیت اللہ محمدی کیلانے، محمد صالح، آیت اللہ صافی گلپایگانی، خسرو بیڑے، حسن فاخری، سید جلال الدین مدنی، حسین مہرپور، حضرات آیات مؤمن، امامی کاشانے، جتئی و خزعلی. جلسہی شورای نگہبان بین سالہای ۶۲ تا ۶۵.



ردیف جلو از راست: حجت الاسلام والمسلمین عباسی فرد (عضو حقو قدان)، حضرات آیات: امامی کاشانی، جنتی، رضوانی و محمدی گیلانی، محمد رضا علیزاده، آیت الله خزعلی، حسن فاخری، حسن حبیبی و احمد علیزاده. تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، مجلس چهارم





از راست: ابراهیم عزیزی، احمد علیزاده، حجت الاسلام عباسی فرد، حضرات آیات طاهری خرم آبادی، استادی، جنتی، یزدی، رضوانی و مؤمن و سیدرضا زواره‌ای و علی آزاد. جلسه‌ی شورای نگهبان بین سال‌های ۷۸ تا ۸۰



از راست: ابراهیم عزیزی، احمد علیزاده، حجت الاسلام عباسی فرد، حسن حبیبی، حضرات آیات طاهری خرم آبادی، استادی، یزدی و رضوانی، سیدرضا زواره‌ای و محمدرضا علیزاده



از راست: حجت الاسلام عباسی فرد، حسن حبیبی، حضرات آیات طاهری خرم آبادی، استادی، یزدی و رضوانی، سید رضا زوارهای، علی آرادو
محمد رضا علیزاده



از راست: سید محمد جهرم (معاون اجرایی و امور انتخابات وقت شورای نگهبان)، محسن اسماعیلی، ابراهیم عزیزی، عباسعلی کدخدایی، محمد رضا علیزاده،
حجت الاسلام عباسی فرد، سید رضا زوارهای و حضرات آیات: آملی لاریجانی، قدیری، رضوانی، طاهری خرم آبادی، یزدی، مؤمن و جنتی در دیدار با رهبر معظم انقلاب، سال ۱۳۸۰



از چپ: احمد علیزادہ، حجت الاسلام عباسیہ فرد، حسن حبیبیہ و حضرات آیات یزدی، استادی، مؤمن، رضوانہ و جنتیہ در دیدار با رہبر معظم انقلاب



از چپ: احمد علیزادہ، حسن فاخری، حجت الاسلام عباسیہ فرد، خسرو بیژنی، حسن حبیبیہ و حضرات آیات محمدی گیلانی، خزعلی، رضوانہ، جنتیہ، مؤمن و امامی کاشانیہ در دیدار با رہبر معظم انقلاب



از راست: عباسعلی کدخدایی، حضرات آیات شب زنده دار، مدرسے یزدی، یزدی، جنتی، هاشمی شاهرودی و مؤمن، محمد رضا علیزاد، محسن اسماعیلی، نجات الله ابراهیمیان، سید فضل الله موسوی و سام سواد کوه فر



از راست: سیامک رهپیک، عباسعلی کدخدایی، حضرات آیات شب زنده‌دار، مدرسے یزدی، یزدی، جتّے و آملی لاریجانے، محسن اسماعیلی، نجات‌الله ابراهیمیان، سیدفضل‌الله موسوی و سام سوادکوهی فر



از راست: هادی طحان نظیف، سیامک رهپیک، عباسعلی کدخدایی، حضرات آیات شب زنده‌دار، مدرسے یزدی، یزدی، جتّے، آملی لاریجانے و اعرافی، سیدفضل‌الله موسوی، محمد دهقان و محمدحسن صادقی مقدم



از راست: سیامک ره‌پیک، عباسعلی کدخدای، حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مدرسے یزدی، خاتمے، جتے و اعرافے، سید فضل اللہ موسوی، محمد دھقان و محمد حسن صادق مقدم



از راست: ہادی طحان نظیف، سیامک ره‌پیک، عباسعلی کدخدایی، حضرات آیات شب‌زنده‌دار، مدرسے یزدی، خاتمے، جتے، حسینے خراسانے و اعرافے، سید فضل اللہ موسوی، غلامرضا مولاییگے و محمد حسن صادق مقدم

«فصل فرزانه»



کتاب حاضر، متضمن مطالبی از فضایل حضرت سیدالشهداء (ع) و تاریخ اسلام در آن زمان و نیز پاره‌ای از علل و نتایج واقعی کریم‌باشی باشد که به صورت تحقیقی و تحلیلی به رشته‌ی تحریر درآمده و در چهار بخش:

۱- شخصیت و فضایل حسین (ع) | ۲- بنی‌هاشم و بنی‌امیه | ۳- علل قیام | ۴- نتایج و فواید قیام حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (ع)، سامان یافته است.

از ویژگی‌های مهم کتاب، قلم ساده‌ی آن است که علی‌رغم انتقال مطالب علمی و تحلیلی، مخاطب را از هر طبقه‌ی فکری و سطح سواد که برخوردار باشد با اندک مایه‌ی علمی، بهره‌مند می‌سازد. پاسخ به برخی از مهم‌ترین شبهات پیرامون قیام امام حسین (ع) نیز بر غنای کتاب افزوده و سبب آگاهی و معرفت بیشتر خواننده‌ی کتاب می‌گردد. نکته‌ی قابل توجه، استفاده‌ی فراوان از منابع عامه و اهل سنت در مستندات است که فهرست منابع اهل سنت با بیش از ۷۰ مورد به همراه نام نویسنده‌ی آنها در پایان کتاب درج شده است.

کتاب «پرتوی از عظمت امام حسین (ع)» به خامه‌ی توانای مرحوم آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی (رحمه‌الله) به رشته‌ی تحریر درآمده و توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شده است.



پرتوی از عظمت امام حسین (ع)

ناشر:
جمکران

نویسنده:
آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

سال نشر:
۱۳۹۷

تعداد صفحات:
۴۸۸



«ما اینجا نمی‌خواهیم شرح حال و تاریخ زندگی حضرتش را نوشته و بیوگرافی حسین بن علی (ع) را تشریح کنیم. منظور ما اینجا آشنایی با شخصیت حسینی است از نظر حادثه‌ی کریم‌لا و هدف مقدس وی و نتایجی که از این حادثه به دست آمده است. ما اینجا دنبال تشخیص هدف اصلی حسین بن علی (ع) به راه افتاده تا ببینیم این همه جانبازی برای چه بوده است؟»

اینها بخش‌هایی از پیشانی کتاب حاضر است که در سال‌های استیلای رژیم پهلوی توسط آیت‌الله محمد یزدی به رشته‌ی تحریر درآمده است. نویسنده در ابتدای کتاب تذکرات مفیدی برای اهل منبر مطرح نموده است آنگاه به اوضاع سیاسی اجتماعی عصر معاویه و شگردهای تبلیغاتی آن می‌پردازد و علل قیام امام حسین (ع) را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و نقش بسیار مهم اسرای کریم‌لا در تغییر وضعیت علیه حکومت یزید را یادآور می‌شود.

کتاب «حسین بن علی (ع) را بهتر بشناسیم» که چندین بار در سال‌های پیش از انقلاب منتشر شده بود، در سال‌های بعد از انقلاب نیز به همت انتشارات اسوه مجدداً چاپ و در دسترس عموم قرار گرفت.



حسین بن علی (ع) را بهتر بشناسیم

ناشر:
اسوه

نویسنده:
آیت‌الله محمد یزدی

سال نشر:
۱۳۸۳

تعداد صفحات:
۲۵۵

معرفی کتاب‌های مکتب امام حسین علیه السلام آثاری از فقهای عظام شورای نگهبان



ک

زیارت دیداری است مشتاقانه، با حضور در پیشگاه آن که دوستش داریم و بزرگش می‌شمیریم.

«زیارت وارث توسط شیخ الطائفه شیخ طوسی رحمه الله از طریق جناب «صفوان جمال» نقل شده است. صفوان از امام صادق علیه السلام تقاضا کرد که چون به زیارت جدت امام حسین علیه السلام باید بروم، زیارتی به من بیاموز و امام ششم این زیارت را با مقدماتی به صفوان جمال آموخت.

امام صادق علیه السلام، سیدالشهداء علیه السلام را وارث پنج نفر از انبیای اولوالعزم و وارث آدم معرفی می‌کند و به صفوان می‌فرماید، وقتی بالای سر سیدالشهداء رسیدی آغاز کلامت این باشد: «السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله.»

کتاب پیش رو با عنوان «شرح زیارت وارث» از جمله آثار حکیم متائله و فقیه فرزانه مرحوم آیت الله محمد محمدی گیلانی است که در زمینه‌ی شرح و تفسیر زیارات و مناجات‌های مشهور و معتبر شیعی، پیشینه‌ای قابل توجه و سابقه‌ای شناخته شده مانند شرح زیارت «امین الله» و شرح مناجات «شعبانیه» دارند.

گفتنی است اثر حاضر مجموعه ۵ جلسه سخنرانی ایشان است که در سال ۱۳۶۱ از رادیو سراسری جمهوری اسلامی ایران پخش گردیده بود و توسط نشر سایه منتشر شده است.



شرح زیارت وارث

ناشر:
نشر سایه

نویسنده:
آیت الله محمد محمدی گیلانی

سال نشر:
۱۳۸۲

تعداد صفحات:
۱۰۴

«پیامبر علیه السلام برای احقاق حقوق مظلومان و اجرای احکام خدا مبعوث شد و مردم را به حق‌مداری و حق‌طلبی دعوت کرد و حق را معروف و باطل را منکر شمرد. در این راستا، اهل بیت خود را با کتاب خدا ملازم و قرین داشت، ولی همه چیز وارونه شد.

معروف، منکر و منکر، معروف شد. از دریای بیکران اسلام به جز قطره‌هایی کوچک و از چمن زار سرسبز آن جز علف‌های خشکیده و زرد باقی نمانده است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌کنند و از باطل روی نمی‌گردانند؟ یعنی حق ناشناخته و باطل معروف و مطلوب واقع شده است.»

اینها بخش‌هایی از کتاب «عقل و دین» و گفتار نوزدهم آن با موضوع رغبت به لقاء الله (درسی از عاشورای حسین علیه السلام) اثر عالم فرزانه و سیاستمدار صادق مرحوم آیت الله محمد رضا مهدوی کنی رحمه الله و مجموعه‌ای از سخنرانی‌هایی است که در نشست‌های مختلف در واحد خواهران دانشگاه امام صادق علیه السلام ایراد شده است. این کتاب به همت انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام در سال ۱۳۹۰ به زیور طبع آراسته گردیده است.



عقل و دین

ناشر:
دانشگاه امام صادق علیه السلام

نویسنده:
آیت الله محمد رضا مهدوی کنی

سال نشر:
۱۳۹۰

تعداد صفحات:
۳۰۰



چهل مقاله

ناشر:

کتابخانه بزرگ حضرت
آیت الله العظمیٰ مرعشی
نجفی (رحمه الله)

نویسنده:

آیت الله رضا استادی

سال نشر:

۱۳۷۱

تعداد صفحات:

۷۱۶



«چهل مقاله» که از نامش هم پیداست شامل چهل مقاله‌ی تفصیلی در موضوعات مختلف است که به همت استاد نام‌آور و محقق برجسته آیت الله رضا استادی (رحمه الله) به رشته‌ی تحریر درآمده است. از جمله‌ی این مقالات، کتابنامه‌ی مفصلی است که درباره‌ی زندگی و شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) و قیام عاشورا نوشته شده است.

نویسنده با فرصت محدود خود سعی نموده است آثار قدما و متأخرین تا به امروز پیرامون زندگی و شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) را در این کتابنامه گردآورده و تا آنجا که اطلاع داشته و قابل دسترسی بوده است محل و تاریخ چاپ و سایر خصوصیات کتاب‌ها و نیز برخی از ویژگی‌های نسخ خطی را ذکر نماید. همچنین در آغاز این کتابشناسی به کامل نبودن آن تصریح و گفته شده کتابشناسی حاضر «گزیده» است. در این مقاله بیش از پانصد کتاب در دو بخش کتاب‌های اختصاصی و کتاب‌هایی که بخشی از آنها درباره‌ی امام حسین (علیه السلام) بوده، معرفی شده است.

«چهل مقاله» در سال ۱۳۷۱ و توسط انتشارات کتابخانه عمومی آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی (رحمه الله) منتشر شده است.



نهضت حسینی

ناشر:

بنیاد فقه و معارف اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

آیت الله سید محمود هاشمی
شاهرودی

سال نشر:

۱۳۹۱

تعداد صفحات:

۹۶

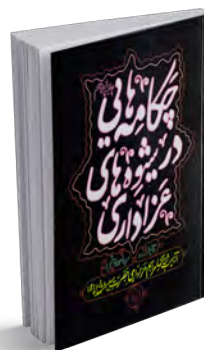


«نهضت سیدالشهداء (علیه السلام) مدرسه‌ای است دارای ابعاد و جوانب گوناگون که رشادت، فداکاری و تمامی ارزش‌های آسمانی به تمامی معانی و مراتب خود در آن نهفته است و انسان می‌تواند از صحنه‌ها و فصول گوناگون آن بیاموزد.

آنان که به مطالعه وجهه‌ی اجتماعی حرکت امام حسین (علیه السلام) پرداخته‌اند، تفاسیر متعددی از این نهضت ارائه نموده و هر یک آن را به گونه‌ای متفاوت از دیگری تبیین نموده‌اند. البته این امر به هیچ روی جای شگفتی نیست زیرا غالباً چنین اختلافاتی در تفسیر و تحدید ابعاد وجودی یک شخصیت عظیم روی می‌دهد. چنان که در مورد شخصیت بسیاری از بزرگان تاریخ اسلام و تفسیر اعمال و موضع‌گیری‌های آنان، چنین اختلافاتی میان اندیشه‌وران در گرفته است. مهم‌ترین عناوینی که در مطالعه بُعد اجتماعی نهضت امام حسین (علیه السلام) باید مورد مطالعه قرار گیرد به شرح زیر است: ۱- علل و عوامل پیدایش و شکل‌گیری این نهضت ۲- ماهیت نهضت ۳- مراحل نهضت ۴- آثار و نتایج نهضت.»

کتاب حاضر مجموعه گفتارهای مرحوم آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی (رحمه الله) پیرامون نهضت حسینی است که به همت انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (علیهم السلام) به زیور طبع آراسته گردیده است.

فرهنگ‌والای شیعه که میراث گران‌بهای پیامبر عظیم‌الشأن ﷺ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام است در طول تاریخ با امداد الهی و عنایات خاصه‌ی حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الکونین و حافظان حریم واقعی مکتب تشیع از خطر انحراف و بدعت به دور مانده و تلالو امواج نورانی آن گرمابخش هدایت انسان‌های مشتاق بوده است. کتاب حاضر متن سخنرانی آیت‌الله سیداحمد خاتمی درباره‌ی آسیب‌های عزاداری و آفت‌زدایی از آن است.



نویسنده در مقدمه‌ی این متن می‌نویسد: «این سخنرانی به پیشنهاد کمیسیون سیاسی - اجتماعی مجلس خبرگان و تصویب هیأت‌رئیشه‌ی آن مجلس ایراد شده است. علاوه بر مطالعات قبلی، برای این سخنرانی حدود چهار ساعت مطالعه نمودم. با چهار تن از مراجع تقلید، هیأت‌رئیشه‌ی محترم خبرگان، برخی اعضای خبرگان مشورت شده است.» وی این مباحث را گام اول در سیر آسیب‌شناسی عزاداری می‌داند که باید تکمیل شود که به صورت عام ادا شده و شامل سایر مراسم عزاداری و مراسم جشن نیز می‌شود. کتاب «چکامه‌هایی در شیوه‌های عزاداری» به همت انتشارات سوره مهر تاکنون به چاپ یازدهم رسیده است.



چکامه‌هایی در شیوه‌های عزاداری

ناشر:

سوره مهر

نویسنده:

آیت‌الله سید احمد خاتمی

سال نشر:

۱۳۹۷

تعداد صفحات:

۶۴

«عاشورا» که چون «خورشیدی» خون‌فام بر تارک تاریخ، نورافشانی می‌کند، علاوه بر این‌که دست‌مایه‌ی هنرمندان در خلق آثار هنری و ادبی بوده، مورد بحث و تحلیل عاقلانه‌ی اندیشمندان نیز قرار گرفته است. این حادثه‌ی عظیم که نقطه‌عطفی در تاریخ تقابل جبهه‌ی حق و باطل است، از زوایای مختلف شایسته‌ی بررسی و عبرت‌آموزی است. کتاب «خورشید عاشورا» برگرفته از بیانات و آثار آیت‌الله اعرافی عضو محترم فقهای شورای نگهبان که در طول سالیان متمادی به مناسبت‌های مختلف ایراد شده است. اثر حاضر با تأملی بر واقعه‌ی کربلا در ۵۳۲ صفحه و در هشت فصل نسبتاً جامع تنظیم شده است.



«فلسفه و اهداف قیام عاشورا»، «بررسی مراحل و وقایع تاریخی زمینه‌ساز قیام عاشورا»، «نقش‌آفرینان قیام عاشورا»، «پیام‌ها و درس‌های قیام عاشورا»، «پیامدهای قیام عاشورا»، «ویژگی‌ها و راز ماندگاری قیام عاشورا»، «وظایف مسلمانان در قبال قیام عاشورا» و «بایسته‌ها و آسیب‌های عزاداری» از سرفصل‌های این کتاب می‌باشد.

«خورشید عاشورا» با تلاش‌های محقق ارجمند آقای محمد آزادی تدوین و تنظیم گردیده و به همت مؤسسه‌ی اشراق و عرفان قم به زیور طبع آراسته شده است.



خورشید عاشورا

ناشر:

موسسه اشراق و عرفان

نویسنده:

آیت‌الله علیرضا اعرافی

سال نشر:

۱۳۹۶

تعداد صفحات:

۵۳۲



پرواز از بهشت تا به بهشت

مصاحبه با خانواده شهید گرانقدر حجت الاسلام والمسلمین محمد اصلانی

در غروب سومین روز از ماه مبارک رمضان امسال، خبری دردناک کام روزه داران و محبین اهل بیت (علیهم السلام) راتلخ کرد. در اقدام تروریستی یک عنصر تکفیری در حرم رضوی، سه روحانی مورد سوء قصد قرار گرفتند که یک نفر از آنها در همانجا به شهادت رسیده و دو نفر دیگر به بیمارستان انتقال یافتند. تلاش ها برای نجات جان روحانی دوم نیز افاقه نکرد و دومین روحانی نیز چند روز بعد به خیل شهدا پیوست.

شهید حجت الاسلام والمسلمین محمد اصلانی روحانی جهادگر و خستگی ناپذیر، سال ها در شهر مقدس مشهد در کسوت روحانیت، هم و غم خود را معطوف خدمت به مردم به ویژه مردم کم بضاعت و حاشیه نشین شهر کرده و برای رفع حوائج مستمندان و دردکشیدگان، به غایت تلاش نموده و از هیچ کوششی فروگذار نبود. وی اعتقادی راسخ به فعالیت های جهادی و خادمانه با محوریت مسجد داشت.

شهید اصلانی که خود برادر دو شهید دفاع مقدس بود، دفاع از انقلاب و ارزش های اسلامی را بر خود فرض دانسته و هیچ گونه کوتاهی را در این زمینه ها برنمی تابید. آن شهید بزرگوار ارتباطی وثیق و دامنه دار با نهادهای انقلابی ای چون شورای نگهبان داشته و به عنوان شخصی معتمد و امین، معرف افراد خوشنام بسیاری برای خدمت در شبکه ی سراسری نظارت بود؛ آنچنان که همسر و فرزندان او نیز از اعضای شبکه ی نظارت شورای نگهبان در مشهد مقدس می باشند. در ادامه گفتگویی خواهیم داشت با همسر و فرزند آن شهید گرانقدر.

مرحوم شهید اصلانی در چه سالی و در کدام بخش استان خراسان رضوی متولد شدند. در مورد پیشینه خانوادگی ایشان هم اگر نکاتی را بیان کنید، ممنون می شویم.

*** | همسر شهید اصلانی**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | شهید اصلانی اصالتاً یزدی هستند. زمانی که اهالی یزد بر اثر خشکسالی به سمت خراسان آمدند، خانواده ی ایشان به روستای سده، بخش خواف از تربت حیدریه که الان شهر شده می آیند و ایشان در همان سده و در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای مذهبی به دنیا می آیند. مرحوم پدرشان از محبتین و دوستان اهل بیت بودند. پیشه شان کشاورزی و به چشم و دست پاکی و کسب نان حلال و امانت داری شهره بودند. مادر بزرگوارشان که در عنفوان جوانی به رحمت

خدا رفتند نیز زنی عفیف، بسیار محجبه و به صوری و خوش خلقی زیانزد بوده اند. به طوری که مرحوم شهید اصلانی را در کودکی با نام مادرش صدا زده و می گفتند «پسر طوبی». مرحومه ی مادرشان، خاله ی مادر بودند و بدین ترتیب شهید اصلانی پسر خاله ی مادر من محسوب می شوند.

جریان شهادت دو برادر و جانبازی برادر سوم و همچنین حضور خود حاج آقا در سنین کم در جبهه چیست؟

سال ۶۲ که ایشان حدود ۱۲، ۱۳ سال داشتند، برادر بزرگشان حسین آقا در ۱۸ سالگی در جبهه به شهادت می رسند. شهادت برادر بزرگتر باعث می شود که ایشان تصمیم به تحصیل در حوزه علمیه بگیرند. که ابتدا در تربت حیدریه، بعد کاشمر و در نهایت در حوزه

علمیه‌ی مشهد ادامه‌ی تحصیل می‌دهند. چند سال بعد یکی از برادران‌شان در دوره‌ی آموزشی دچار حادثه شده و مجروح اعصاب و روان می‌شوند که تا مدت‌ها خود شهید اصلانی به او رسیدگی می‌کردند. شهید اصلانی به دلیل سن کم و نیز شهادت برادر دوم و کوچک‌ترش ابراهیم در سال ۶۷ و نیز رسیدگی به برادر جانبازش، توانست فقط حدود یک سال آن هم در اواخر جنگ و در واحدهای تخریب و آموزش در جبهه حضور داشته باشد و از این مسأله نیز ناراحت بود که توفیق بیشتر و شهادت در جبهه را نیافته است.



لطفاً از نحوه‌ی آشنایی و ازدواج خود با حاج آقا بفرمایید.

همانطور که پیش از این عرض کردم ما با هم نسبت فامیلی داشتیم و ایشان به خانه‌ی ما رفت و آمد داشتند. مضاف بر این که ایشان برادر شهید و شخصیت حوزوی بودند و پدر ما هم نسبت به روحانیت و خانواده‌ی شهدا ارادت خاص داشتند. در همین اوضاع و احوال برادر کوچک‌ترشان نیز به

شهادت می‌رسند. بعد از این قضیه، پدرشان به منزل ما آمدند و گفتند من نمی‌خواهم دیگر محمد به جبهه برود، دو برادرش که شهید شدند و آن یکی هم مریض است و من دیگر طاقت رفتن سومی را ندارم. با تأکيدات قبلی پدر بزرگ و پدر خودم که می‌گفت: محمد، علی‌رغم سن کم به درد زندگی می‌خورد و مرد آینده است نهایتاً منجر به ازدواج ما در سال ۶۷ شد. پدر من خیلی دوست داشتند دامادشان طلبه باشد چون در بین فامیل هم طلبه نداشتیم.

در جلسه‌ای که آیت‌الله مدرسی یزدی عضو فقهای شورای نگهبان هم تشریف داشتند، فرمودید که شهید اصلانی اولین روحانی فامیل بودند و بعد از ایشان چند نفر دیگر به حوزه علمیه و کسوت روحانیت وارد شدند؟

بله. پدر من و هر دو پدر بزرگ مادری و پدری من در زمان سابق، مکتب قرآن داشتند. در واقع نوعی زمینه‌ی طلبگی و روحانیت در خانواده‌ی ما وجود داشت. برای همین پدر من خیلی طلبه دوست داشت. اما با طلبگی آشنا نبودیم زمانی که شهید اصلانی با آن مشی و زی طلبگی که داشتند آمدند، حرف و عمل‌شان و برخوردی که با فامیل داشتند، باعث شد که بسیاری از میان بستگان، میل به حوزه‌ی علمیه پیدا کنند. از جمله برادر خودم ترغیب شد به حوزه برود. خواهران من طلبه شدند. بچه‌های خود ما که البته هیچکدام را اجبار نکردیم، پسرها هر دو طلبه شدند. یکی از دخترانم و عروس‌مان طلبه هستند. خواهرزاده و برادرزاده‌های خودشان سرجمع، خانم‌ها و آقایان را اگر شمارش کنیم، بیش از بیست نفر در فامیل طلبه داریم. برخورد ایشان آن قدر خوب بود که حتی در مسجد محل که ما الان ۱۵ تا ۱۶ حلقه تربیتی در آن داریم افرادی که با حاج آقا آشنا شدند جذب حوزه علمیه شدند. بیشتر طلبه‌های این منطقه را مسجد ما تأمین می‌کرد. واقعاً وقتی زندگی ما را می‌دیدند رفتار خوش ایشان، صبرشان، بالاخره این که امام جماعت بودند، نه فقط این که امام جماعت باشند، بعد از نماز هم حداقل نیم ساعت منتظر می‌ماندند و به درد دل مردم گوش می‌کردند، اگر کاری هم از دست‌شان بر نمی‌آمد لاقلاً گوشی بودند برای صدای مردم. هر کاری از دستش بر می‌آمد به عنوان ارتباط مردم با مسئولین انجام می‌داد. همچنین تلاش ایشان دوشادوش مردم باعث گسترش کمی مسجد نیز شد.

در همین رابطه و نوع سلوک اجتماعی ایشان به عنوان امام جماعت و روحانی با مردم محل می‌خواستیم بیشتر خوانندگان ما را آشنا کنید؟

بعد از شهادت ایشان محله دگرگون شد. خیلی‌ها می‌گویند می‌خواهیم بفروشیم و برویم. که باز خدا را شکر آقا محسن (فرزند شهید) تشریف بردند مسجد جای ایشان و مسئولیت نماز و منبر را بر عهده گرفتند، یک مرهمی برای زخم دل مردمی شد که امام جماعت‌شان را از دست داده بودند. پیر و جوان نداشت. وقتی جنازه حاج آقا را در مراسم تشییع زمین گذاشتند ما نمی‌توانستیم به ایشان دست بزنیم از بس شلوغ بود. بچه‌های کوچک ده پانزده ساله که افتاده بودند روی تابوت حاج آقا که ما می‌گفتیم بروید کنار اما اشک‌های این بچه‌ها امان نمی‌داد. ما فقط در معراج توانستیم ایشان را ببینیم. من خودم در حرم دیدم بچه‌های کلاس چهارم و پنجم هم برای ایشان اشک می‌ریختند. واقعاً یک اتفاق الهی بود. چرا که اخلاص

داشت و برای خدا کار می‌کرد. بالطبع کسی که با ایشان ارتباط می‌گرفت جذب می‌شد. دل‌ها را به طرف خودش جذب می‌کرد. آیه صریح قرآن است که وقتی کسی برای خدا کار کند خداوند دل‌ها را به سمت او متمایل می‌کند. برای ما واقعاً سخت بود. من حتی تا روز دادگاه نتوانستم عکس‌ها و فیلم‌های شهادت ایشان را ببینم.

ارتباط ایشان با خود شما و فرزندان و سلوک فردی‌شان در داخل خانه چگونه بود؟

ارتباط ما خیلی قوی بود. وقتی ایشان شهید شد، نوه یک ساله من مریض شد. از بس که وقتی حاج آقا وارد می‌شد با او گرم می‌گرفت. بال بال می‌زد برای حاج آقا. مرحوم شهید اصلانی وقتی وارد خانه می‌شد خستگی بیرون را کنار می‌گذاشت و واقعاً پدر بود. ما ناهار نمی‌خوردیم تا حاج آقا از سر کار بیاید. اگر جلسه‌ی خاصی بود و کارش طول می‌کشید زنگ می‌زد که من امروز نمی‌آیم. تا ساعت سه و نیم، چهار، همیشه سفره‌مان پهن بود و منتظر حاج آقا. بعضی وقت‌ها تا دوازده شب شام نمی‌خوردیم تا حاج آقا بیایند. الفت زیادی بین خانواده بود. خودشان می‌گفتند حضرت آقا می‌فرمایند که اگر بشود و ساعت کاری اقتضا کند همه‌ی

برای همین پدر من خیلی طلبه
دوست داشت. اما با طلبگی
آشنا نبودیم زمانی که شهید
اصلانی با آن مشی و زی طلبگی
که داشتند آمدند، حرف و
عمل‌شان و برخوردی که با
فامیل داشتند، باعث شد که
بسیاری از میان بستگان، میل
به حوزه علمیه پیدا کنند.

مسئولین بروند در خانه غذا بخورند. این را واقعاً حاج آقا در زندگی پیاده می‌کرد. یک وقتی می‌خواستیم پرده‌ی خانه را عوض کنیم به من تذکر دادند که حضرت آقا با وجود این که رهبر مملکت هستند، زندگی‌شان خیلی ساده است، ما که نمی‌توانیم مثل آقا باشیم ولی سطح زندگی ما باید در سطح زندگی ساده‌ی رهبری باشد. اگر مردم به خانه‌ی من امام جماعت مسجد بیایند و ببینند که از لحاظ رفاهی با آنها خیلی تفاوت دارم بین ما ارتباطی برقرار نمی‌شود. یادم هست یک بار بنده خدایی آمد خانه‌ی ما و باران شدیدی می‌آمد. می‌گفت از سقف خانه‌ی ما آب می‌چکد و تازه مثل خانه شما شده است. واقعاً ساده‌زیستی و دور از تجمل بودن ایشان روی بچه‌ها تأثیر گذاشت. من در جهیزیه‌ی دخترانم اصلاً دغدغه‌ای نداشتم چون بچه‌ها قانع و ساده‌زیست بار آمده بودند. یادم می‌آید که یک سرویس برای دختر کوچکم گرفتم که تزئینی بود که حتی او با من دعوا می‌کرد که چرا چنین چیزی خریده‌ام. یعنی سطح زندگی حاج آقا اینطور روی بچه‌ها تأثیر گذاشته بود.

ما شادی و نشاطی را که در خانه داشتیم با هیچ چیز عوض نمی‌کردیم. الان حاضریم هر چیزی که در زندگی داریم بدهیم و حاج آقا را یک بار دیگر ببینیم. واقعاً دشمن تا این مقدار پست و زیون شده است که به این گونه ترورها دست می‌زند.

همسر من کاری کرد که دشمن جرأت نکرد روبرو بایستد. زبان روزه و حالتی که هر کسی خدا این توفیق را به او نمی‌دهد. ضربات چاقو در قرن بیست و یکم واقعاً عجیب است. البته محبت را خدا در دل مردم می‌اندازد. مردم روز تشییع نشان دادند در آن گرمای هوا باز زبان روزه، آن جمعیت که ما واقعاً شرمندگی مردم شدیم. الان هم شرمندگی محبت‌شان هستیم.

نحوه‌ی شهادت ایشان واقعاً مظلومانه بود. برای هر فردی بازگو شود، اشکش جاری می‌شود. فردی اماراتی ما را در حرم دیده بود و اشک می‌ریخت و به زبان عربی می‌گفت چرا و به چه جرمی؟ جرمش این است که سرباز ولایت و خدمتگزار مردم و شاگرد مکتب امام صادق علیه السلام است دشمن کور شود. ما تا جایی که توان داشته باشیم، نه عمل ایشان را اجازه می‌دهیم روی زمین



چون شورای تأمین گفته بود در زندان باشد. ما هم احترام گذاشتیم.

فرمودید ایشان باعث ادامه تحصیل شما شدند و برای تحصیلات تکمیلی نیز تشویق بسیاری می کردند؟

من چون زود ازدواج کرده بودم از تحصیل باز مانده بودم. اما حاج آقا تأکید و اصرار بر ادامه‌ی تحصیل داشتند و کمک کردند که من دیپلم بگیرم و وارد دانشگاه شوم. در واقع کنار زندگی، درس هم می خواندم تا این که دیپلم گرفتم. حاج آقا برای دانشگاه رفتن هم مشوق بودند. همه‌ی بچه‌ها را تشویق به تحصیل می کردند. در وصیت هم نوشتند که درستان را حتماً ادامه دهید.

به بچه‌ها تأکید می کردند که اسلام نیرویی با تحصیلات عالیه نیاز دارد. برایتان جالب است که بگویم ایشان خودش مرا به سر جلسه امتحان می برد. شهید اصلانی با این که ایثارگر بودند اما کارت ایثارگری نداشتند. من خودم فرمانده پایگاه بسیج بودم اما از هیچ امتیازی استفاده نکردیم. الحمدلله رتبه خیلی خوبی هم در کنکور آوردم و در رشته‌ی الهیات و علوم قرآن و حدیث مدرک کارشناسی گرفتم.

به نظر می رسد خانواده جایگاه بسیار ویژه‌ای در منظومه‌ی فکری شهید اصلانی داشته است؟

زندگی ما بر اساس روش و تفکر حاج آقا بر روی چند محور بود؛ تهذیب نفس، ایثار، اخلاص، خودسازی، خوش اخلاقی و استقلال.

ایشان همواره خانواده را هم همراه با خودشان ارتقاء می دادند. در موضوع تحصیلات و اردوهای که

بماند و نه ذره‌ای از این خط کوتاه می آیم. گل خانواده برای شهادت آماده‌ایم. ان شاءالله که عاقبت همه‌ی ما ختم به خیر شود.

از جلسات دادگاه مطلبی هست که مخاطبین ما و مردم بدانند؟

خیلی لحظات سختی برای من بود. در آخرین سفری که به قم داشتیم لباس‌هایی برای ایشان گرفته بودیم. من فیلم را که در دادگاه دیدم خیلی حالم بد شد. لباس‌هایی که برای ایشان انتخاب کرده بودیم تن شان بود.

اما وقتی دیدم آن فرد چقدر ضعیف است واقعاً دلم برایش سوخت که مثل یک دستمال کاغذی، آلت دست کسی باشد. قبلش به قول برخی که می گویند اگر ببینمش او را تکه تکه می کنم و به قول مادر شهید دارایی نفت روی او می ریزم. اما من دلم برای او سوخت. به ما گفتند شما چه بخواهید چه نخواهید او را اعدام می کنند، چون محارب است.

روبرویش ایستادم و به او گفتم من تو را عددی حساب نمی کنم که قرار باشد صحبتی بکنم. حرف من به اربابان توست. فکر نکنند اصلانی رفت. نه شهید اصلانی به قول حضرت آقا مثل شهید سلیمانی، شهادتش برای دشمن خطرناک تر است. و می بینید که ان شاءالله راه حاج آقا بیشتر ادامه پیدا می کند.

من و همه‌ی خانواده دوست داشتیم اعدام او در ملأ عام باشد. حکم قاضی هم همین بود. چون دیگر کسی جرأت چنین جسارتی را آن هم در حرم آقا نکند. اما او را آوردند در زندان به درک واصل کردند.

**همین دختر کوچک ماکه
هشت ساله است زمان تشییع
وقتی اشک از چشمان من
می‌آمده من می‌گفت مامان
دشمن اشکت را نبیند. آرام
باشید.**

می‌گذرانند. اما همین که وسایلی یا کارت هدیه‌ای به اینها می‌دادیم، وقتی بیرون می‌آمدیم یک احساس شعفی داشتیم. من خودم خیلی خوشحال می‌شدم که همسرم کاری می‌کند که مصداق پیرو امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است. خود حاج آقا شخصاً به خصوص در ایام کرونا که ما دوتا دوتا ماسک می‌زدیم و دستکش دست می‌کردیم، پشتیبان این امور بود و ائمه‌ی جماعات اطراف را هم به خط می‌کرد. وقتی به خانه‌ی نیازمندی می‌رسیدیم که می‌گفتند مدتی است گوشت نخورده‌ایم، یا مثلاً آب هویج یا غذای گرم و سرد برای‌شان می‌بردیم، احساس خیلی خوبی داشتیم. در جبهه‌ی فرهنگی هم یکی دو بار که من تابستان‌ها کنار ایشان بودم وقتی آخر دوره می‌دیدم بچه‌ها نماز و غسل‌شان را یاد گرفته‌اند حالا من در بخش خانم‌ها و حاج آقا در قسمت آقایان، واقعاً احساس شمع می‌کردیم. بعضی وقت‌ها می‌گویم خدایا چه نعماتی به من داده‌ای. اگر بخواهم تمام عمرم را در سجده باشم و بخواهم شکر خدا را بکنم، شکر یک روز یا حتی یک لحظه از سی و سه سالی که در خدمت‌شان بودم را نمی‌توانم به جا بیاورم. خدا این توفیق را به من داد که در کنار ایشان باشم تا بدانم که راه زندگی را چطور باید انتخاب کنم.

**گویا ایشان هر روز توفیق زیارت حرم مطهر امام
رضا علیه السلام را داشتند؟**

شهید اصلانی معتقد بود هر روز صبح قبل از کار به حرم مشرف شود. دست مرا هم می‌گرفت و با خود به حرم می‌برد.

خودم معتقدم ایشان از الطاف امام رضا علیه السلام به من بوده است. من از بچگی و قبل از ازدواج می‌گفتم، خدایا شخصی را بر سر راه من برای ازدواج بگذار که اگر پول هم نداشت زیاد مهم نیست، دین و اخلاق داشته باشد و خودت او را تأیید کنی. بعد از شهادت ایشان، درحرم به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آقا جان سی و سه سال آن شهید را به من امانت دادی و بعد خودت خیلی زیبا از من گرفتی. همیشه می‌گفتند خدا امتحان‌های سختی برای من دارد. سال قبل که کرونا گرفتند می‌گفتند «خدایا حق من این نیست که در بستر بمیرم.» خیلی حال‌شان خراب شد. طوری بود که سینه درگیر شده بود و ما

راه می‌انداختند. بچه‌های ما از ابتدا با فرهنگ شهادت آشنا بودند به خصوص اوقاتی که به راهیان نور می‌رفتیم. همین دختر کوچک ما که هشت ساله است زمان تشییع وقتی اشک از چشمان من می‌آمد به من می‌گفت مامان دشمن اشکت را نبیند. آرام باشید. همین حرف‌هایی که ما قبلاً برای دختران شهدا می‌گفتیم. حاج آقا، خانواده را در مسیر با خود می‌برد. در برنامه‌های مساجد و پایگاه‌ها، حاج آقا کمک می‌کرد و ما را با خود می‌کشید بالا. نه این که فقط در منزل باشیم. اینها همه برای خدمت به مردم بود.

**ظاهراً سرکار عالی با شبکه‌ی نظارت و مجموعه‌ی
نظارتی شورای نگهبان مدتهاست همکاری می‌کنید؟
بله خدا توفیق داده است.**

**از چه سالی؟ آیا شهید اصلانی در ارتباط شما با شبکه‌ی
نظارت مؤثر بودند؟ تأکیدی بر حضور شما در عرصه‌ی
نظارت بر انتخابات داشتند؟ نظارتی در خصوص شورای
نگهبان و اهمیت کار شورای نگهبان داشتند یا خیر؟**

اگر خدا قبول کند ما از اول در خط بودیم و سرباز نظام. اما در موضوع شورای نگهبان ایشان گفتند می‌توانید بروید؟ عرض کردم بله و گفتند شورای نگهبان جایی است که می‌توانید بیشتر برای نظام و انقلاب مؤثر باشید.

شورای نگهبان کار سختی دارد. این که بالاخره خدای ناکرده تخلفی صورت نگیرد. صیانت از صندوق‌ها به عهده‌ی شورای نگهبان است. در پای صندوق، هم خودم بوده‌ام، هم دختر و پسر و هم دامادم. تأکید و توصیه‌ی همیشگی حاج آقا این بود که همیشه در صحنه‌های انقلاب باشید و به خصوص بر روی شورای نگهبان تأکید ویژه‌تری داشتند.

**آن طور که بعد از شهادت آشکار شد، شهید اصلانی در
حوزه‌ی کارهای جهادی به‌ویژه در حاشیه شهر مشهد،
بسیار کوشا بوده و تلاش زیادی از خود نشان می‌دادند.
لطفاً از این ویژگی شهید برای ما بگویید.**

حاج آقا معمولاً ما را همراه بچه‌ها به سرکشی خانواده‌ی شهدا و نیازمندان حاشیه شهر می‌بردند. ما می‌دیدیم در یک خانه‌ی کوچک، چگونه یک مادر شهید زندگی می‌کند. یا خانواده‌های مستمند با چه سختی‌ای روزگار



بیم این را داشتیم که از دست‌شان بدهیم. گاهی اوقات حتی جلوی ما گریه می‌کردند که خدایا مرگ من را اینجا قرار نده. روزی که به شهادت رسید گفتم واقعاً خوش به سعادتت به آن چیزی که می‌خواستی رسیدی و خدا خوب او را خرید.

در پایان اگر توصیه و نکته‌ی ناگفته‌ای دارید بفرمایید.

توصیه‌ی مؤکد ایشان همان جمله‌ی امام علیه السلام و وصیت سردار شهید سلیمانی بود. «پشتیان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیب نرسد.» می‌گفتند که ولایت، عمود خیمه‌ی اسلام است. واقعاً حیف است خدای ناکرده اهل کوفه شویم و حضرت آقا تنها بمانند. باید پشتیان رهبری باشید تا پرچم انقلاب را به دست صاحب اصلی آن امام زمان علیه السلام برسانند.

خیلی از شما سپاسگزاریم.

* | فرزند شهید، حجت الاسلام محسن اصلانی

آقای اصلانی، شخصیت مرحوم پدرتان را در چند جمله چگونه برای ما تبیین می‌کنید؟

همانطور که مادر فرمودند، شخصیت ایشان ابعاد مختلفی داشت. علی‌رغم زندگی در حاشیه‌ی شهر اما یک کنشگر فعال سیاسی و اجتماعی بوده و ابداً نسبت به این موضوعات بی‌تفاوت نبودند. نسبت به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم دغدغه‌مند بودند. در موضوعاتی چون رساندن ارزاق به مستمندان، بهداشت و درمان مردم، ازدواج جوانان و مشاوره در این مباحث، به جد فعالیت داشتند. ایشان یک فرد مخلص و خستگی‌ناپذیر بودند و علی‌رغم تمام سختی‌های زندگی از جمله شهادت دو برادر، فوت دو برادر دیگر، مریضی سخت یکی از برادران دیگر و فوت پدر و مادر در سنین جوانی هیچ وقت کم نیاورده، پشتکار عجیبی داشتند و هیچ‌گاه به دلیل مشکلات زندگی از پا نمی‌افتادند.

مرحوم شهید اصلانی در حوزه‌ی رفتار فردی و ارتباط با فرزندان چگونه بودند؟

ما بچه‌ها صبح‌ها با صدای قرآن حاج آقا بیدار می‌شدیم. ایشان اهل تهجد و نماز بودند. قریب سی سال نماز جماعت صبح و مغرب و عشاء را در مسجد به جا آوردند. خیلی به قرآن علاقه داشتند و بر روی چندین دور تفسیر قرآن کار

کردند. در جنبه‌های اخلاقی و ارتباط شخصی خودشان با خدا، خیلی ارتباط خوبی داشتند. در داخل خانه هم با بچه‌ها بازی و خوش‌رفتاری می‌کردند، آنها را به دوش می‌گرفتند و اهل شوخی و خنده بودند. با وجود سختی‌هایی که داشتند اما همیشه لب‌خند روی لب‌شان بود. یادم می‌آید وقتی از سرکار برمی‌گشتند به خانه، پاهایشان را برای ماساژ دراز می‌کردند و با شوخی و خنده می‌گفتند «بیا عبادت کن.» به دخترها خیلی بیشتر محبت می‌کردند. خیلی از کارهای زندگی ما معطوف به محبت حاج آقا نسبت به دختران‌شان بود که ما پسرها حسادت می‌کردیم. با وجود مشغله‌های زیادشان، اما در کنار آن سعی می‌کردند با فرزندان‌شان هم ارتباط خوبی بگیرند.

این که مادر فرمودند، شهید نسبت به مردم به‌ویژه قشر محروم دغدغه داشتند. در این مورد هم برای خوانندگان ما توضیح دهید.

در خانه همیشه تلفن دست‌شان بود. موقع غذا روی آیفون می‌گذاشتند و مسائل، معیشتی و اقتصادی محرومین را پیگیری می‌کردند. ویژه‌تر از همه مسأله‌ی معیشت مردم برایشان دغدغه بود.

شما در میان صحبت‌هایتان چند بار به فعالیت‌های سیاسی مرحوم شهید اصلانی اشاره داشتید.

از شاخصه‌های مهم فعالیت حاج آقا این بود که در برهه‌های حساس انتخاباتی، تلاش ویژه‌ای برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی می‌کردند که البته به نظر من این ویژگی کمتر دیده شد.

همه را دعوت به رأی دادن و مشارکت در انتخابات می‌کردند. در راه‌پیمایی‌ها به حضور مردم تأکید فراوانی داشتند. در بحران‌های اجتماعی مانند

سیل، زلزله و کرونا مردم را بسیج می‌کردند. در حوزه‌های مذهبی و فرهنگی، اجتماعات بزرگ چندهزار نفری صادقون و فاطمیون را در حاشیه شهر برگزار و مدیریت می‌کردند. این که عرض کردم ایشان شخصیتی چند بعدی داشتند به همین دلایل بود.

ظاهراً جنابعالی هم عضو شبکه نظارت شورای نگهبان هستید. از چه سالی شروع به همکاری کردید؟ آیا شهید اصلانی در این قضیه نقشی داشتند؟

من خودم در دو دوره‌ی اخیر (انتخابات مجلس یازدهم و ریاست جمهوری سیزدهم) بودم اما حاج خانم (مادر) سال‌های بیشتری حضور داشتند. در این موضوع هم حاج آقا بسیار ما را، چه مادر، چه خود من و داماد و همشیره را تشویق و توصیه می‌کردند تا با شورای نگهبان و شبکه‌ی نظارت همکاری کنیم. دلیلش هم اهمیت فوق‌العاده شورای نگهبان در نظر حاج آقا بود. خود من معتقدم دوستانی که اتفاقاً انقلابی‌تر و مذهبی‌تر هستند موضوع عدالت و مسأله‌ی بی‌طرفی در امر نظارت را بیشتر رعایت می‌کنند.

ظاهراً زمانی که آیت‌الله مدرسی یزدی عضو فقهای شورای نگهبان به نمایندگی از آیت‌الله جنتی به‌دیدار خانواده شهید اصلانی آمدند، یادداشتی بر قرآن شخصی شهید نوشته‌اند. داستان از چه قرار است؟

حضور ایشان در منزل ما بسیار مغتنم بود و باعث دلگرمی، التیام و نوعی شعف خانوادگی شهید شد. مرحوم پدرمان یک قرآنی داشتند که همیشه آن را تلاوت می‌کردند و با آن مأنوس بودند. چند صفحه‌ی آخر این قرآن خالی بود. هر کدام از علماء که لطف می‌کردند و به منزل ما تشریف می‌آوردند این مصحف را خدمتشان می‌دادیم، تقریظ و یادداشتی در آن صفحات بنویسند تا برای خود ما تذکری باشد. آیت‌الله مدرسی یزدی نیز لطف فرمودند و یادداشتی کوتاه در این قرآن نوشتند تا در کنار آیات نورانی قرآن کریم، هم مایه‌ی دلگرمی و هم یادگاری بوده باشد.

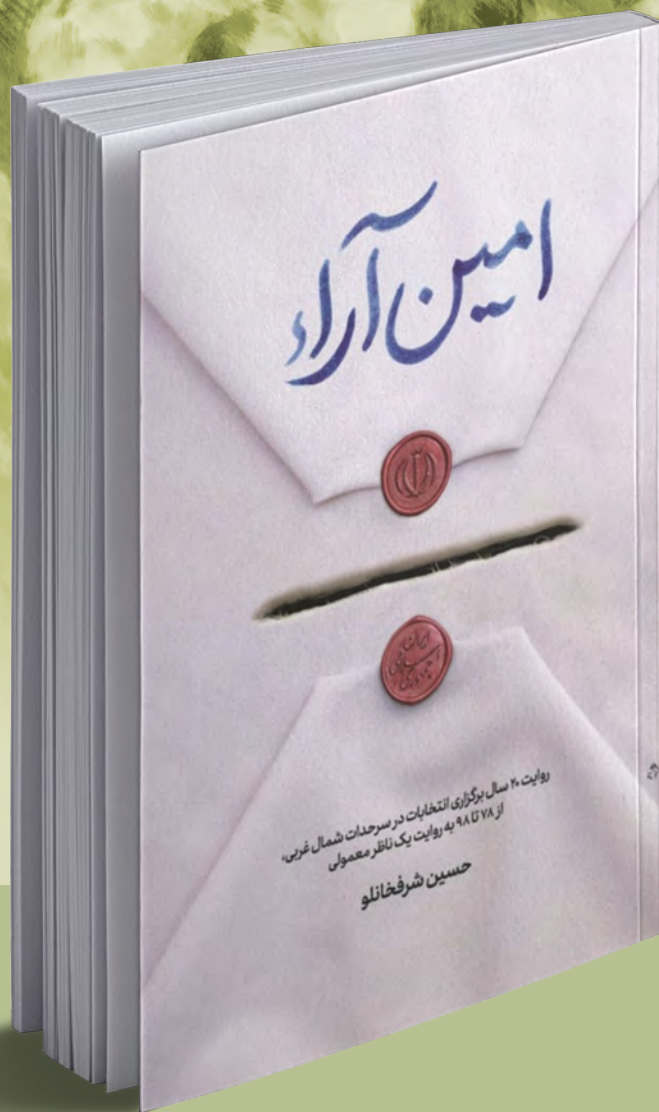
در پایان اگر مطلب ناگفته‌ای دارید، بفرمائید.

برای ما نبود و خلاصاً شهید اصلانی خیلی سخت است مخصوصاً برای خواهر کوچکم ریحانه. این فراق خیلی سخت و دردناک است و با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. از همه‌ی عزیزی که این مطالب را می‌خوانند تقاضا دارم ادامه‌دهنده‌ی راه شهدا باشند و نگذارند خون آنها پایمال شود. مسائل نظام، اسلام و مذهب حقه‌ی شیعه را خصوصاً که از دغدغه‌های شهید اصلانی بود، دنبال کنند. ما باید تلاش کنیم زمینه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیک را فراهم کنیم. در این طوفان مشکلات اقتصادی و سیاسی، بحران‌ها و تلاطمات، ثابت‌قدم و پای کشور و نظام باشیم. ان شاء الله که با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک تمامی مشکلات کشور برطرف شود.

از مجموعه شورای نگهبان هم تشکر می‌کنیم.

از وقتی که در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم.

در داخل خانه هم با بچه‌ها بازی و خوش‌رفتاری می‌کردند، آنها را به دوش می‌گرفتند و اهل شوخی و خنده بودند. با وجود سختی‌هایی که داشتند اما همیشه لبخند روی لب‌شان بود.



امین آراء

روایت ۲۰ سال برگزاری انتخابات در سرحدات شمال غربی،
از ۷۸ تا ۹۸ به روایت یک ناظر معمولی



حسین شرفخانلو

به مذاق دوستانی خوش نیاید. برخی را قبل از انتشار برای بعضی‌شان فرستادم و چنان که پیش‌بینی می‌کردم، قرائت دیگری از واقعه داشتند و سعی در تبریّه و تخطئه‌ی روایت و قرائتی که داشتم. همان وقت هم به ایشان گفتم که «ما سرب‌بی‌مو می‌تراشیم و عیب کس به رندی و مستی نمی‌کنیم!» و گفتم که این‌ها برداشت‌های من هستند از اتفاقی که سال‌ها پیش در شهرمان افتاده و در اثرش کسی به مجلس رفته و کس و کسان دیگری از رفتن باز مانده‌اند و اصل و درست و غلط موضوع را شاید روزی تاریخ با اسنادی که به جا مانده‌اند قضاوت کند و به تأکید به ایشان گفتم که «کار من، روایت است. نه قضاوت!» برای بعضی از انتخابات‌ها، در همان روزهای حوالی آن انتخابات، یادداشت‌هایی داشتم که مناسب دیدم در لابلای این نوشته‌ها و روایات بگنجد که آن‌ها را به‌طور پاورقی در انتهای فصل مربوطش آورده‌ام. انتخابات ذاتاً پدیده‌ای پر از اتفاق‌ها و پائین و بالا شدن‌ها و چرخش‌های نیم دور و تمام دور است و من عادت داشتم‌ام برای دل خودم و برای مقایسه و مطالعه‌ی آهنگ تغییر و دگردیسی‌های سیاسی‌ای که طرف در کم از چهار سال، از این رو به آن رو شده‌اند و اصلاح‌طلب دو آتشه، شده مرید کاندیدای اصولگرا و برعکس، تراکت و پوستروسی دی و پرتره‌ی نامزدها را آرشو کنم و سیاهه‌ی هواداران هر کدام را برای خودم بنویسم و هر از گاهی مرورشان کنم و هر از گاهی تعجب کنم از آمدگان و رفتگان.

«در ایام منتهی به روزهای برگزاری انتخابات دوم اسفند نود و دو، وقتی فضای شهر و کشور و حتا گپ‌های خودماني دو و چند نفره‌مان، رنگ انتخابات مجلس گرفته بود، فکری شدم، اتفاق‌هایی را که در ۲۰ سال که سر صندوق‌های انتخابات برایم افتاده را نظم و نسق بدهم و یکجا جمع‌شان کنم و بنویسم و حاصلش شد این چندین و چند ورق که سیاه شدند. آن چه در پی می‌آید، روایت یک ناظر شورای نگهبان است از روزهای انتخابات و صندوق‌هایی که تکلیف داشته بر صحت و سقم روند اجرای انتخابات در آن‌ها نظارت داشته باشد. چه آن روزی که ناظر صندوق بوده و چه روزی که مأموریت گرفت به عنوان ناظر ویژه برود بلوای جنوب استان آذربایجان غربی را بخواباند و چه امروز که عضو هیئت نظارت بخش است.

ضروری می‌دانم که بگویم روایت‌ها اولاً؛ نقل مستقیم وقایعی هستند که شخصاً در آن‌ها حاضر بوده‌ام و هیچ شنیده و نقل قولی در نوشته‌ها نیست. و ثانیاً؛ شرح وقایعی است که می‌شد در موردشان حرف زد. و ناگفته پیداست که هر انتخاباتی، چه در ایام نام‌نویسی و تبلیغ و چه در روز برگزاری و شبی که نتایج اعلام می‌شود و چه در روزهای بعدش، پر از ناگفته‌هایی است که باید زمان بگذرد تا بشود در مورد بعضی‌شان حرف زد و اهلش می‌دانند که خیلی حرف‌ها هیچ وقت زده نمی‌شوند و تا گور در سینه‌ی آدم‌ها می‌مانند... در لابلای حرف‌ها و نقل‌ها، مطالبی آمده که شاید

شاید اگر وقتی بود، روزی به روایت تصویرهای اسکن شده از پوستر و تراکت و بریده‌ی هفته‌نامه و مجله و روزنامه، به آن‌ها هم پرداختم؛ روایت مردانی که روزی سرنوشت شهر و کشور به انگشت اشاره‌ی آنها بند بود و امروز در بایگانی مطلق‌اند...

کتاب را «آمین آرا» اسم گذاشتم که امانت بودن رأی مردم و حق الناس بودن آن را متذکر شوم و بگویم که بچه‌های دفتر نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، آمین و پاک‌دست و چشم پاکند و نشده و الهی که نشود کج به رأی مردم نگاه کنند. ولو این که نظرشان به نظر اکثریت نزدیک نباشد!

و به جاست که سرِ سپاس بگذارم بر خاک که در تمام این سال‌ها و در تمام این انتخابات‌ها، در خدمت شورای نگهبان بوده‌ام و دور مدار انقلاب و گفتمان انقلابی چرخیده‌ام و همت و انرژی‌ای اگر داشتم را پای نگهبانی از آن گمارده‌ام.

شاید اگر عمری بود و اگر توفیق همکاری با نهاد انقلابی شورای نگهبان برای این قلم مهیا ماند، سال‌ها بعد این نوشته را به خاطراتم از انتخابات‌های آتی و نیز نکته‌هایی که امروز مجال پرداختن به آن‌ها نیست، پرو پیمان‌تر کردم. به قول خواجه که فرمود «گر بُود عمر به می‌خانه روم بار دگر...»

نویسنده‌ی سطور پیشین، حسین شرفخانلو فرزند شهید قربانعلی شرفخانلو، متولد آبان ۱۳۶۱ در خوی است. ۵ ماهه بوده که پدرش آسمانی شده است. شهید شرفخانلو جزو مؤسسين سپاه آذربایجان و در سال‌های ابتدایی جنگ تحمیلی معاون شهید مهدی باکری و مسئول تدارکات لشکر ۳۱ عاشور بوده است. از این شهید و الامقام، روایتی معجزه گونه از مادرش نقل شده است بدین حکایت:

«داخل معراج رفتیم و علی را پیدا کردیم. پشت علی به ما بود و صورتش را نمی‌دیدم. شروع کردم به صحبت و درد دل با پسر، به علی گفتم: در عمرت امکان نداشت که حرف من را زمین بگذاری. یادت هست که چقدر احترام من را نگه می‌داشتی؟ من برای بار آخر آمده‌ام تا ببینم. به این خاطر هم آمده‌ام که چشم هایت را ببینم. چشمت را باز کن تا ببینم هنوز سرخ است یا نه؟ ببین؛ بچه‌ات هم آمده.

اگر نبینی‌اش، می‌رود تا قیامت و داغش روی دلت می‌ماند. می‌گویند شهید سرش را برگرداند، چشمش را باز کرد و یک دور چند نفری که بالای سرش بودند را دانه به دانه دید و دوباره چشم هایش را بست و سرش را به سمت اول برگرداند.»

فرزند شهید خود در این مورد نیز می‌گوید:

«این روایت همان موقع هم در شهر پیچید. پاسدارهایی هم بودند که این اتفاق را دیده بودند. مادر بزرگ بعد از این ماجرا دلش آرام می‌شود. البته چند جای دیگر هم پدرم می‌آید و مادر بزرگم را آرام می‌کند. من اینها را در کتاب پدرم به‌طور کامل نوشته‌ام. الان که سی و شش سال از شهادت پدرم می‌گذرد، هر وقت مادر بزرگم خواسته، پدرم پیشش آمده؛ در خواب و بیداری. حتی در حج و کارهای مختلف. در سختی‌ها و خوشی‌ها. برای همین اسم کتاب پدرم را گذاشتم: «اشتباه نکنید من زنده‌ام»...»

کتاب را «آمین آرا» اسم گذاشتم که امانت بودن رأی مردم و حق الناس بودن آن را متذکر شوم و بگویم که بچه‌های دفتر نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، آمین و پاک‌دست و چشم پاکند

حسین شرفخانلو از سال ۱۳۷۸ عضو شبکه‌ی بزرگ و سراسری نظارت شورای نگهبان در آستان آذربایجان غربی بوده و پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرده و پس از دو دهه فعالیت از یک ناظر معمولی به عضویت هیأت نظارت بخش درآمده است. به قول خودش در انتخابات مجلس یازدهم فکری می‌شود که خاطرات بیش از دو دهه فعالیت در شبکه‌ی نظارت شورای نگهبان را به رشته‌ی تحریر درآورد که پُر بیراه نیست که بگوییم از عهده‌ی کار برآمده است.

روایت‌های ملموس، در دسترس و البته جذاب و شیرین که باید اذعان کرد، قلم توانا و داستان‌گویش، کتاب را خواندنی‌تر کرده است. شرفخانلو که سال‌ها پیش از این دست به قلم برده و چهار اثر در حوزه شهید و شهادت قلمی کرده بود، این بار موضوع تقریباً بکر و کار نشده‌ی انتخابات را دستمایه قرار داده و تلاش کرده به آن جان تازه‌ای ببخشد.

شرفخانلو سعی نموده علاوه بر روایت جو کلی حاکم بر هر انتخابات به مانند هیاهوهای مجلس ششم و یا داستان‌های عجیب و غریب هر کدام از انتخابات‌های ریاست جمهوری به‌ویژه فتنه‌انگیزی‌های سال ۱۳۸۸، به جزئیات نیز پرداخته و مخاطب را با



نداشت به سفره دست بزند و جمع کردن سفره با اهالی بود. یا این‌که استکان چای را نمی‌گذاشتند خالی بماند. بلافاصله بعد از این‌که چای را می‌خوردی، در کسری از ثانیه استکان خالی را با یکی پُرش عوض می‌کردند. و ممنون و متشکرم و نمی‌خورم و میل ندارم بهشان افاقه نمی‌کرد... [صفحات ۳۵، ۳۸ و ۳۷] یا روایت جالب دیگری از یکی از روستاهای منطقه کرد و سنی‌نشین «قطور» در منتهی‌الیه غربی شهرستان خوی: «رسیدیم روستای مَخین. رفتیم مسجدشان برای سرکشی از صندوق. مردم ایستاده بودند بیرون مسجد و کسی تو نمی‌رفت. علت را که پرسیدم گفتند: «مردم این منطقه تا ماموستا نیاید و رأی ندهد، ممکن نیست بیایند پای صندوق.» و تا مایک چای قندپهلو سر بکشیم، حضرت ماموستای جوان... با سلام و صلوات از راه رسید و رأیش را انداخت و تشکری کرد و رفت و نشست بیرون مسجد. کل آمدن و ریسه شدن پشت سرش برایم جالب بود. جالب‌تر این شد که بعد از دادن رأی، راهش را نکشید برود... علتش را پرسیدم. جواب جالبی داد. گفت: «مردم اینجا مادامی که ماموستا پای صندوق رأی باشد، می‌آیند و رأی می‌دهند. وقتی هم که رفت دیگر کسی نمی‌آید برای شرکت در انتخابات؛ برای همین هم این بنده‌ی خدا یکی دو

مفاهیم اجتماعی‌ای چون فرهنگ شفاهی و فولکلور، مذهب و قومیت نیز آشنا می‌کند. او در بخشی از کتابش آورده است: «اهل سنت منطقه‌ی آذربایجان، عموماً گردند؛ یعنی قریب به اتفاق سنتی مذهب‌های استان ما و البته استان کردستان و کرمانشاه حتی، از نژاد گرد هستند و درست به همان دلیل که در فرهنگ شفاهی آذری زبان‌ها، به مسیحی می‌گوییم اِرمَنی، به اهل سنت هم می‌گوییم گرد. ... وقتی چند روز مانده به انتخابات [مجلس هفتم]، حین سازماندهی صندوق‌های اخذ رأی گفتند که می‌روی جایی که اهلیش کوزه‌سوئی هستند، برایم جالب بود که برای اولین بار با روستایی مواجه می‌شدم که مردمشان مسلمان اهل سنت بودند و گرد نبودند و به لهجه و زبان کردی حرف نمی‌زدند... وقتی برای اولین بار در کسوت ناظر مسئول وارد روستایی شدم که اهالی اهل سنتش گرد نبودند، با آداب و رسومی مواجه شدم که پیش‌تر تجربه نکرده بودم... مسجد و اهالی روستا رسوم جالبی داشتند؛ مثلاً وقت صبحانه و ناهار و شام، ظرف و ظروف و کاسه و بشقاب را به پشت می‌چیدند توی سفره و هر کس خودش کاسه و بشقابش را برمی‌گرداند که غذا بکشد. بعد هم که مهمان غذايش را خورد، حق



سرناظر، عضو هیأت نظارت بخش، شهر، شهرستان و ... خاصه همکارانی با سوابق چندین و چند ساله، کتابت و به رشته‌ی تحریر درآوردن خاطرات و تجربیات انتخاباتی را وجهه‌ی همت خود قرار دهند تا حصول سرمایه‌ای بزرگ و پرفایده را به تماشا نشسته و حظ وافر علمی و عملی را ببریم. ذخیره‌ای گران‌سنگ برای مجموعه‌ی انتخاباتی شورای نگهبان که بی‌تردید مشعلی راهگشا خواهد بود در برخی مشکلات و ناگشوده‌های به وجود آمده، که سال‌هاست گریبان فرآیند نظارت مؤثر در برخی مناطق و موقعیت‌های جغرافیایی کشور را گرفته است.

در کنار همه‌ی این موارد، از دیگر نتایج و فوائد سرشار این نوشته‌ها می‌توانیم سود سرشاری ببریم. عوارض جانبی مطلوب این نوشته‌ها می‌تواند در موضوعات اجتماعی‌ای چون، فرهنگ، قومیت، نژاد، زبان، دین و آئین و ... که در گستره‌ی وسیع فرهنگ مردم ایران زمین جای می‌گیرند، فتح بابی نو و تازه برای تحقیقات و تلاش‌های علمی پژوهشگران و محققان مراکز علمی، دانشگاهی و فرهنگی گردد. یک تیر و چند نشان....

ساعت می‌نشینند اینجا تا مردم بیایند و رأیشان را بدهند. بعد می‌رود تا ظهر برگردد برای اقامه‌ی نماز جمعه. و بعدش باز بیکار و منتظر باشیم تا غروب که وقت نماز برسد و جناب ماموستا دوباره برگردد مسجد برای ادای فریضه‌ی مغرب. به حسابی که ناظر مسئول صندوق می‌گفت، ساعات کار شعب مناطق گردنشین را می‌بایست با ورود و خروج ماموستای هر روستا معین کنند. جالب بود برایم این همه تبعیت و دنباله‌روی از عالم دینی. کار به خوب و بد بودن و درست و غلطی‌اش ندارم. این‌که در عصر هجمه‌هایی که به دین و تقلید و تبعیت وارد می‌شود و از جوامع دینی کرور کرور تلفات می‌گیرد، در روستایی دورافتاده، خرد و کلان مردم، ریش سفید و گیس سفیدشان حتی، رأی دادن و ندادنشان منوط به حضور روحانی جوانی باشد که جای نوه‌شان است، برایم جالب بود.» [صفحات ۵۹-۶۰]

اداره کل انتخابات و به‌ویژه اداره‌ی آموزش امیدوار است تک تک اعضای شبکه بزرگ و سراسری نظارت، چه خواهران ارجمند و فرهیخته و چه برادران گرامی و فاضل، در هر رده‌ی نظارتی اعم از ناظر، ناظر مسئول،



رخداد فرهنگ





کرده است. یک از راز هاء ماندگار عا شورا همين است، زيرا چرخ هاء تاريخ و گذر زمان بسيار خرد کننده است. عا شورا يك تابلوي است كه تمام اسلام در آن تجلے پيدا كرد. ما جنگ در تراز عا شورا در طول تاريخ پيدا نكرده ايم. راز در عا شورا وجود دارد كه وقايع و حوادث آن پا ك نشد و از ذهن ها نرفت، زيرا تمام حوادثي كه رخ مي دهد با گذشت حداكثر يك قرن دوام مي آورد همانند جنگ جهان اول و دوم كه در آن تمام بشريت درگير و ميليون ها نفر كشته شدند و الان ما از جنگ هاء جهان كه رخ داده است فقط يك خاطره مي دانيم. اما عا شورا ماند، علي رغم اينكه قبر مطهر سيد و سالار شهيدان را آب بستند، عزاداري را ممنوع اعلام كردند و ... اما اين قصه روز به روز به حيات اجتماعي خود ادامه داد. به عنوان يك مكتبي كه در زندگي اجتماعي نقش آفريني مي كند.

حادثه عا شورا را هيچ حادثه و اتفاقي كه نه نكرد. عا شورا و كربلا امام حسين عليه السلام قصه اء نيست كه فقط يك درس به ما بدهد؛ در عا شورا تمام دين تجلے پيدا كرد، تمام ارزش هاء الهي رخ نمود. عا شورا مكتب است، عا شورا مدرسه است، عا شورا دانشگاه بزرگ است؛ در عا شورا سياست وجود دارد، درس هاء اخلاقي نهفته است و تمام ارزش هاء الهي را پخش مي كند.



آيت الله اعرافي: عا شورا، تابلوي تمام نماي اسلام است

آيت الله علي رضا اعرافي، مدير حوزه هاء علميه سراسر كشور و عضو فقهاء شورا نگهبان گفت: عا شورا فقط يك كارزار عاده و متعارف ميان حق و باطل در يك صحنه ي خاص نبود، بلكه تابلوي تمام نماي است كه با معمارة خداوند و فرماندهي سالار شهيدان به وجود آمده است. عا شورا جام اسلام نماست. عا شورا جامي است كه تمام ارزش هاء توحيد، الهي، اسلامي را متجلے

آیت الله جنتی:

مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام فرصتی بے نظیر برای بازسازی باورهاست

آیت الله احمد جنتی دبیر شورای نگهبان با اشاره به ماه محرم و ایام اقامه عزای حضرت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایشان، گفت: واقعه عاشورا، مصیبت عظیمی در تاریخ اسلام بود که داغ آن تا ابد در دل مؤمنین وجود دارد؛ امیدوارم عزاداری‌هایی که در این ماه برگزار می‌شود، مقبول درگاه خداوند متعال قرار بگیرد. شهادت حضرت امام حسین علیه السلام حقیقتاً عامل بقای دین اسلام شد و فلسفه اقامه عزای آن حضرت هم ماندگار کردن دین خداست. مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله علیه السلام یک فرصت بی‌نظیر معنوی برای بازسازی باورها و اعتقادات دینی است و در این ایام که فضای جامعه معطر به عطر یاد آل الله است، دل‌ها آمادگی بیشتری برای

پذیرش حقیقت دارند، لذا سخنرانان و مداحان باید قدر این ایام را بدانند و وظیفه مهم جهاد تبیین را انجام دهند.

لحظه لحظه‌ی حرکت حضرت اباعبدالله علیه السلام انسان‌ساز است و ما را در برابر یک گنجینه عظیم معرفت‌ساز قرار می‌دهد. اخلاص، توکل، ظلم‌ستیزی، آزادی، دفاع از حدود الهی، باور عمیق به سنت‌های الهی، ایثار و از خودگذشتگی، مقاومت در راه حق، پایبندی به ارزش‌های انسانی و بسیاری ارزش‌های دیگر، آموزه‌های این حرکت الهی است.

دشمن برای تغییر باور مردم و به‌ویژه جوانان و ایجاد شبهات و انحرافات عقیدتی سرمایه‌گذاری سنگینی کرده و مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام بهترین فرصت برای پاسخگویی به شبهات اعتقادی است. هدف اصلی از خلق حماسه‌ی عاشورا هدایت انسان است و این حرکت حضرت امام حسین علیه السلام در طول تاریخ همواره منشأ هدایت انسان‌ها بوده که پیروزی انقلاب اسلامی نیز نتیجه‌ی درس‌آموزی ملت آزاده و مؤمن ایران اسلامی از این حماسه است و شهدا شاگردان برجسته‌ی مکتب سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله علیه السلام هستند.

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان در دانشگاه شیراز گفت: سهم دانشگاه در قانون‌گذاری در گام نخست تا چه اندازه فرض شده و به عنوان یک مرکز علم‌آموزی و علم‌اندوزی تا کجا توانسته نیازهای جامعه را برطرف کند، دانشگاه مرکز آموزش علم و دانش است، اما آیا دانشگاه توانسته در جامعه و ایجاد یک نظام حقوقی به خوبی ایفای نقش کند.

امروز دانشگاه یک مرکز مدرک‌گرایی شده و در دانشگاه هم دانشجوی گریزپای و هم معلم گریزپای داریم؛ دانشگاه از ماهیت فاصله گرفته است، اگر گلایه داریم که در دستگاه‌های اجرایی شکل‌گرا شدند، چون از دانشگاه این مسأله ترویج می‌شود. دانشگاه فاصله‌ای با اجتماع پیدا کرده، دانشجو درس می‌خواند و مدرک می‌گیرد، اما در جامعه می‌بیند که فضای دیگری است؛ یک بخش از این امر به ضعف سیستم آموزشی بر می‌گردد که دانشگاه از علم محور بودن به مدرک محور بودن رفته است. اگر مراکز علمی و دانشگاه‌ها به ریل اصلی بازگردند می‌توانیم انتظار داشته باشیم که قانون‌گذاری مجلس درست باشد و به دیگر مسیرها برگردیم.



دکتر کدخدایی:

دانشگاه باید به ریل اصلی باز گردد



آیت الله جنتی: عمل به توصیه‌های ۱۴ خرداد رهبر انقلاب موجب تسریع در پیشرفت کشور می‌شود

دبیر شورای نگهبان با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) گفت: رهبر معظم انقلاب همچون سال‌های گذشته در این مراسم به معرفی برخی وجوه شخصیتی، به‌ویژه ابعاد رهبری انقلاب توسط حضرت امام خمینی (ره) پرداختند و حقیقتاً سخنانی راهگشا ایراد فرمودند که جای تقدیر دارد. همچنین ایشان توصیه‌های مهمی خطاب به فعالان عرصه‌های انقلابی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشتند که عملیاتی شدن این توصیه‌ها به سرعت حرکت انقلاب در مسیر پیشرفت ایران اسلامی خواهد افزود.

آیت الله خاتمی: تکریم علما نباید به تشریفات محدود شود

زیرا هدف آن است که یک راه دنبال شود. رسول اکرم (ص) فرمودند اگر کسی عالمی را تکریم کند، من را تکریم کرده است و هر کس مرا تکریم کند، خداوند را تکریم کرده و لذا پاداش چنین فردی بهشت برین است که این نشان‌دهنده اهمیت جایگاه علما محسوب می‌شود. در روایت دیگری آمده است که اگر کسی عالمی را تجلیل کند در واقع خدای او را تقدیر کرده است، از این منظر اعتقاد داریم که نشست‌های این چنینی که به تکریم علما پرداخته می‌شود، هدفمند هستند.

در عرصه‌ی سیاسی، تخریب روحانیت سابقه بیش از صد ساله دارد. دشمنان نیز به هر بهانه‌ای درست یا نادرست، به اهانت و تخریب روحانیت می‌پردازند که البته در این عرصه ضد انقلاب و رسانه‌های آن سوی آب و فضای مجازی فاسد، نقش بسزایی دارند لذا این نوع مجالس تقدیر از علما با تأثیرگذاری که دارند، پاسخی به آن سمپاشی‌ها محسوب می‌شود از سوی دیگر باید این موضوع را نیز تأکید کرد که معنای این حضور آن است که عالمان دین، همچنان محبوب القلوب هستند. تکریم علما با هدف طرح راه و مسیر است و یک پاسخ به ضد انقلابی محسوب می‌شود که قدرشناسی از روحانیان را ندارند و در پی تخریب روحانیت اصیل و خدمتگزار هستند.



عضو فقهای شورای نگهبان، در همایش نکوداشت آیت الله سید محمد شاهچراغی گفت: تقدیر از شخصیت‌های برجسته تازمانی که زنده هستند، رسم بسیار خوبی است که نباید به تشریفات محدود شود



دکتر صادق مقدم:

شبکه نظارت مدافع آراء و مردم سالار دین است

معاون اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان گفت: انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که کشورها خود را بیرون از قطب‌های شرقی و غربی نمی‌دیدند و شعار نه غربی نه شرقی در آن زمان یک هدف جدیدی به نظر می‌رسید. در آن شرایط، یک قطب جدید با عنوان حکومت اسلامی شکل گرفت که رهبری این ساختار جدید در جهان بر عهده حضرت امام علیه السلام بود و این حکومت مبتنی بر ولایت فقیه استوار شد که وظایف ولی فقیه هم در قانون اساسی ذکر شده است. تکثیر نسخه‌ی ناب اسلامی باعث شد که نسخه‌های اسلام آمریکایی دیگر زنگی نداشته باشند و در واقع دشمنی جهان غرب با ایران اسلامی نیز به این دلیل است که حکومت ما، یک حکومت مبتنی بر اسلام ناب است.

در قانون اساسی، ۹ اصل مستقیماً به شورای نگهبان و وظایف آن مرتبط است که اعضای شورای نگهبان در ادوار مختلف تلاش کرده‌اند که این وظایف را با نهایت دقت به انجام برسانند. شبکه‌ی نظارت شورای نگهبان نیز مدافعین آراء مردم سالاری دینی هستند. این شبکه تلاش می‌کند در لحظات حساس وقت و توان خود را برای مراقبت و حفاظت از آراء مردم به کار گیرد و با توجه به این که به زمان انتخابات نزدیک می‌شویم، مجموعه شورای نگهبان باید آمادگی لازم را برای برگزاری هر چه بهتر انتخابات آینده داشته باشد.

دارایی، شهیدان حرم مطهر رضوی حضور پیدا کرد. عضو مجلس خبرگان در این دیدار با تمجید از مقام شهید و شهادت گفت: ادامه و حفظ کارهای ارزشمندی که توسط این شهیدان در حاشیه‌ی شهر مشهد انجام شده است باید توسط فرزندان و خانواده‌ی این شهدا ماندگار بماند. در پایان این دیدار لوح تقدیری از طرف دبیر شورای نگهبان آیت الله جنتی به خانواده‌ی این دو شهید اهدا شد. گفتنی است یک فرد تکفیری روز سه شنبه شانزدهم فروردین ماه در صحن پیامبر اعظم حرم امام رضا علیه السلام با چاقو به سه روحانی حمله کرد. هر سه روحانی که در این حادثه مورد سوء قصد قرار گرفتند از فعالان حوزوی و جهادی و از ساکنان حاشیه شهر مشهد در منطقه شهرک شهید رجایی (قلعه ساختمان) بوده‌اند.

حجت الاسلام اصلانی در همان روز حادثه به درجه رفیع شهادت نایل شد و حجج اسلام پاکدامن و دارایی پس از جراحی در بخش مراقب‌های ویژه بستری شدند که حجت الاسلام پاکدامن به وضعیت پایداری رسید و بهتر شد و سپس به بیمارستان رضوی انتقال یافت اما حجت الاسلام دارایی یکی دیگر از روحانیان مضروب بر اثر شدت جراحات وارده به شهادت رسید.



آیت الله مدرسه یزدی

(در دیدار با خانواده شهیدان سرافراز اصلانی و دارایی)

راه این شهیدان باید توسط فرزندان و خانواده این شهدا ماندگار بماند

آیت الله سید محمد رضا مدرسی یزدی عضو مجلس خبرگان و فقهای شورای نگهبان در منزل شهیدان سرافراز اصلانی و

دکتر پیک: انقلاب اسلامی قابل دست‌کاری نیست

قائم مقام دبیر شورای نگهبان گفت: سوم خرداد حقیقتاً جزو روزهای بزرگ در تاریخ ایران است؛ از این روز با تعبیری مثل ایثار، فداکاری، شهامت، دین‌داری و وطن‌دوستی یاد می‌شود و اینها در واقع از خصوصیات جوهره‌ی انقلاب اسلامی است و خدا را شاکریم که



آیت‌الله اعرافی: هویت حوزه به مردم و جامعه است

مدیر حوزه‌های علمیه و عضو فقهای شورای نگهبان در نشست صمیمی با مدیران رسانه‌های استان قم گفت: حوزه به همان میزان که مطالبه‌گر است، به همان میزان وقتی مسأله و آسیبی وجود دارد، باید پاسخگو و مسئولیت‌پذیر هم باشد... قطعاً انقلاب اسلامی به کنشگری دقیق و مهم و سریع حوزوی بسیار نیازمند است.

حوزه قم در تاریخ بی‌نظیر است؛ این گنج‌نهاد و ذخیره‌ی بی‌پایان معارف الهی قابل بحث نیست و قدرت رسانه‌ای ما باید این حقیقت را به ایران و جهان بازتاب دهد و قبل از آن به نسل جوان خودمان و این رسالت مشترک حوزه و رسانه‌هاست... این گنج‌نهاد و ذخیره‌ی معارف الهی و تولیدات عظیمی که در این سال‌های اخیر در قم انجام شده قابل وصف نیست؛ تولیدات عظیمی که در این سال‌ها انجام شده هنوز نهان است و قدرت رسانه‌ای ما باید این قدرت را در فضای مجازی ایجاد کند که این معارف را به جوانان و همه‌ی دنیا بازتاباند. روحانیت دارای سابقه بیش از هزار ساله است که گل تاریخ خود را در رنج و محنت سپری کرده و روحانی نیز کسی است که باید خود را فدایی بداند. روح همه‌ی نظامات جامع و اسناد حوزه، رسیدن به حوزه‌ی انقلابی است. لایه‌ی عمیق‌تر حوزه‌ی انقلابی، پاسخ‌گویی حوزه به مشکلات است. نگاه افراطی و تفریطی نیز در این زمینه پذیرفتنی نیست. نگاه رهبری و امام‌راحل نیز ملاک و معیار عمل ما در حوزه است.



این جوهره علیرغم گذشت ایام و فراز و نشیب‌های مختلف حفظ شده است و آنچه که اهمیت دارد و باید خیلی مورد توجه قرار بگیرد، همین جوهره‌ی انقلاب اسلامی است.

نقاطی در این ساحت از انقلاب اسلامی وجود دارد که به راحتی قابل دست‌کاری و تغییر نیست لذا هر چه که ما برای تقویت و حفظ این جوهره تلاش کنیم، این تلاش‌ها به استمرار حرکت انقلاب اسلامی منجر شده و آثار مثبت دنیوی و اخروی برای ما خواهد داشت.

در شورای نگهبان نیز یک هدف بسیار مهم وجود دارد و آن «نظارت» است. اقداماتی در سطح

کشور انجام می‌شود که نظارت بر بخشی از آنها طبق قانون، به شورای نگهبان واگذار شده است. نظارت شورای نگهبان «نظارتی مؤثر» است. برخی، برداشت‌های نادرستی از نظارت استصوابی می‌کنند، حال این‌که نظارت استصوابی در واقع همان نظارت مؤثر است و در تمام کشورهای دنیا هم نهاد یا نهادهای مشخصی وظیفه‌ی چنین نظارتی را برعهده دارند. ناظر وقتی قرار است نظارت انجام دهد، باید این نظارت منجر به «تولید اعتماد» شود و در واقع، نظارت مؤثر وقتی می‌تواند جریان پیدا کند که ضمیمه و پیوست آن اعتمادسازی باشد.

آیت‌الله حسینی خراسانی:

سپاه یک عطیه‌ی الهی برای ملت است

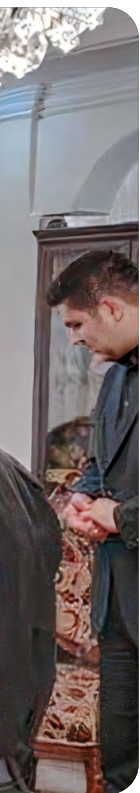
مسلح نظام جمهوری اسلامی تحت زعامت و فرماندهی فرمانده کل قوا انجام وظیفه می‌کند که اطاعت‌پذیری آن‌ها برکات فراوانی به ارمغان آورده است.

برکات تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر احدی پوشیده نیست، امام راحل فرمودند «اگر سپاه نبود کشور نبود»، رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرمایند «سپاه همواره رو به جلو در حرکت است» و پیشرفت‌های سپاه را مورد تأکید و برجسته می‌کنند. فرماندهی کل قوا همواره از سپاه به عنوان پشتیبان مهم انقلاب و حافظ نظام و ملت حمایت گسترده و همه‌جانبه دارند.

همه‌ی دشمنان ما روی سپاه حساس هستند چرا که نقش تعیین‌کننده و حساسی در منطقه دارد. سپاه در حوزه‌های مختلف خصوصاً در حفاظت و صیانت از تمامیت ارضی، استقلال کشور و انقلاب اسلامی بسیار موفق ظاهر شده است و برکسی پوشیده نیست که این سربلندی و عزت را در سایه‌ی رهنمودهای رهبر انقلاب و ولایت‌پذیری دارد. سپاه یک مجموعه‌ی منسجم متحد، مؤمن، معتقد انقلابی جهادی پای کار گوش به فرمان و تابع رهبری توصیف شده است. ای‌کاش این روحیه و رویکرد اطاعت از رهبری و پیاده کردن سیاست‌های کلان رهبری در دیگر مجموعه‌های نظام پیاده و تقویت می‌شد. سپاه موجب عزت انقلاب، کشور و ملت شده است.



عضو فقهای شورای نگهبان با اشاره به نقش سپاه در نظام جمهوری اسلامی عنوان نمودند: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با تیزهوشی، فراست و بصیرت امام راحل رهبر تأسیس و شکل گرفت یک عطیه‌ی الهی برای کشور، ملت، نظام ما و دنیای اسلام و جبهه‌ی مستضعفان در سراسر جهان است. سپاه به عنوان بخشی از قوای



آیت الله جنتے:

محبت اہل بیت علیہم السلام افتخار ما ایرانیہا است

آیت الله احمد جنتے دبیر شورای نگهبان گفت: غم امام حسین علیہ السلام ہرگز کھنہ نمی شود؛ خداوند دست ما را در دنیا و آخرت از دامن اہل بیت علیہم السلام کوتاه نفرماید و توفیق دہد تا در دنیا راہ شان را ادامہ دہیم. طبق روایت ہر کس اہل بیت علیہم السلام را دوست داشتہ باشد خداوند را دوست دارد و ہر کس ایشان را دشمن بداند دشمن خدا است.

افتخار ما ایرانیہا این است کہ محبت و دوستدار اہل بیت علیہم السلام ہستیم و دل مان مملو از محبت آل پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم است. امیدواریم در دنیا و آخرت اہل بیت دست ما را بگیرند و عاقبت مان ختم بہ شہادت شود.

ایران ما، مملکت علوی، فاطمی، حسینی، حسینی و مہدوی است. خداوند پدران ما را رحمت کند کہ این میراث [بودن در مسیر اہل بیت علیہم السلام] را برای ما گذاشتند. امیدواریم کہ قدر این نعمت را بدانیم و راہ را بہ درستی پیماییم. ما باید در کنار قدر دانے زبانے از اہل بیت علیہم السلام بہ صورت عملے ہم در این مسیر حرکت کنیم.



آیت الله خاتمی:

انقلاب اسلامی، در مسیر انقلاب سیدالشهدا است

آیت الله سیداحمد خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان گفت: بیش از ۱۳۸۰ سال از شهادت امام حسین علیه السلام می گذرد ولی هنوز واقعه ای عاشورا و شهادت این امام معصوم علیه السلام فراموش نشده است. اولین عزادار امام حسین علیه السلام، حضرت آدم و پیامبران قبل از پیامبر خاتم الله بوده اند. عزاداری برای امام حسین علیه السلام در همه ی نسل ها تا قیامت خواهد بود و به فراموشی سپرده نخواهد شد.

در آیتانی از سوره الرحمن اشاره شده است که اگر کسی در راه و مسیر خدایی باشد، ابدی می شود و لذا راز ماندگاری قیام امام حسین علیه السلام نیز آن است که نهضت حضرت علیه السلام از آغاز تا پایان برای خدا بود.

انقلاب ما، متصل به انقلاب امام حسین علیه السلام است. این نهضت هر چه دارد از امام حسین علیه السلام است و امروز با ظرفیت رسانه های مجازی و حقیقی، همه با نهضت امام حسین علیه السلام آشنا هستند. نهضت سیدالشهدا علیه السلام

جرقه ای نبود که امروز به پایان برسد. امام حسین علیه السلام با این که به شهادت رسیدند، اما آرمان ها و اهداف ایشان فراموش نشده است. امروز بیعت با نظام اسلامی، بیعت با شهیدان و نهضت امام حسین علیه السلام است. دشمنان امروز انقلاب اسلامی، همان کسانی هستند که در گذشته اجازه نمی دادند پرچم امام حسین علیه السلام برافراشته بماند.

آمریکا با هدف همین شرارت ها قبل از انقلاب اسلامی، اموال ایران را به تاراج می برد، اما امروز با وجود انقلاب اسلامی دیگر نمی تواند، چرا که نظام جمهوری اسلامی حامی تمام مظلومان جهان است و دین و فرهنگ عاشورا به ما می گوید که از کشورهای مظلوم منطقه حمایت کنیم. استکبار جهانی امروز در مقابل اسلام ناب محمدی است و اردوگاه امام حسین علیه السلام تغییر نکرده و این نهضت حسینی به بن بست نخواهد رسید و ادامه خواهد داشت.

انقلاب اسلامی با الگو از نهضت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد و طاغوت را شکست داد. رژیم پهلوی از ۴۳ سال پیش فریاد می زند که یک سال دیگر به ایران می آید، در صورتی که در این سال ها فقط خمیازه می کشد و انقلاب اسلامی هر روز نسبت به گذشته استوارتر ایستاده است.

آیت الله حسینی خراسانی:

فضای زندگی شهید صیاد خدایه درس آموز است

آیت الله حسینی خراسانی عضو فقهای شورای نگهبان با حضور در منزل شهید والامقام صیاد خدایی از فرماندهان مدافع حرم با خانواده ی معزز این شهید دیدار و گفتگو کرد.

وی با بیان این که جهت انجام وظیفه و ادای احترام به روح قدسی شهید صیاد خدایی در منزل ایشان حضور یافتیم، گفت: فضای زندگی معنوی، انقلابی، ایمانی و ولایی این شهید حقیقتاً درس آموز است. همچنین در این دیدار درباره ی ایمان، اخلاص و فداکاری های این شهید مطالب ارزشمندی مطرح شد.

گفتنی است شهید صیاد خدایی اول خرداد ۱۴۰۱ به دست صهیونیست ها در مقابل منزل خود به شهادت رسید.



اولین فراخوان ارسال خاطرات و تجربیات ناظران انتخابات

اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان در نظر دارد به منظور ثبت و بهره‌برداری از خاطرات و تجربیات ناظران امین خود، اولین مسابقه‌ی «خاطره‌نویسی و تجربه‌نگاری ناظران در ایام انتخابات» را برگزار نماید.

مهلت ارسال آثار:
پایان آبان‌ماه ۱۴۰۱



جوایز

جایزه نقدی

۱۱۰

کمک هزینه سفر به مشهد مقدس

۱۴

تذکر

- * حتماً نام و نام خانوادگی، محل خدمت و شماره تلفن تماس را در اثر خود قید فرمایید.
- * ارسال چند خاطره (کتبی یا صوتی) توسط یک نفر بلا مانع می‌باشد.
- * تاریخ، نوع و دوره انتخابات در اثر بیان شود.

جهت ارسال آثار و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت www.shora-gc.ir مراجعه فرمایید.

برای انتقال به صفحه ثبت نام بارکد را با گوشی همراه خود اسکن کنید!



عناوین و موضوعات زیر، جهت آشنای بیشتر ناظران پیشنهاد می‌شود:

- ۱- قاطعیت و شجاعت ناظران در امر نظارت بر انتخابات
- ۲- تعامل و همکاری با نیروهای اجرایی، انتظامی و نمایندگان نامزدها در شعبه
- ۳- پیچیدگی‌ها و دشواری‌های برگزاری انتخابات‌های همزمان
- ۴- اشکالات و محسّنات دستگاه‌های احراز
- ۵- ناگفته‌های اخذ رأی در شعب سیتار
- ۶- چالش‌های شمارش و تجمیع آرا
- ۷- ابتکارات، تیزهوشی، فداکاری و حس مسئولیت ناظران حین انجام وظیفه
- ۸- اتفاقات غیرمنتظره و حوادث پیش‌بینی نشده در روز رأی‌گیری، قبل و بعد آن
- ۹- کارشکنی‌ها و بی‌برنامگی‌ها در روز اخذ رأی
- ۱۰- برگزاری انتخابات در شرایط کرونایی
- ۱۱- تأثیر آموزش‌های ارائه شده به شبکه نظارت، تسلط و اشراف آنها بر قوانین و مقررات انتخابات
- ۱۲- فرهنگ جهادی و بسیجی در ایفای نقش نظارتی
- ۱۳- اولین نظارت من (خاطرات ناظرین جدیدالورود)
- ۱۴- رویدادهای طنز حین نظارت بر انتخابات
- ۱۵- رأی‌دهندگان با شرایط خاص (افراد مسن، بیمار، عروس و داماد و...)
- ۱۶- مشارکت عمومی و حضور حداکثری
- ۱۷- فرهنگ‌ها، رسوم و آداب اجتماعی
- ۱۸- اشکالات و محسّنات دوره‌های آموزش مجازی
- شرح وظایف ناظرین
- ۱۹- انتخابات در شعب اقلیت دینی
- ۲۰- موضوع آزاد

نحوه‌ی ارزیابی آثار

- * آثار ارسالی در دو مرحله «استانی» و «کشوری» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آثار برتر پس از داوری و تأیید، علاوه بر نشریه‌ی «ناظر امین» در کتاب جداگانه‌ای منتشر و برخی از آنها به صورت فیلم کوتاه (موشن و...) نمایش داده خواهد شد.
- * در بررسی و ارزیابی آثار نکات ذیل، حائز اهمیت و امتیاز است:
- * تجربه‌ی ارائه شده واقعی و مستند، ارائه‌کننده‌ی تجربه‌ای در نظارت مؤثر بر انتخابات، نکات ابتکاری و کاربردی یا بیان‌کننده‌ی حقایق قانونی، لغزشگاه‌های امر نظارت و تخلفات پیش‌بینی نشده باشد.
- * شیوایی و اصول نگارش در اثر مکتوب رعایت گردد.

قوانین

- تنها اعضای شبکه‌ی نظارت حق شرکت در این فراخوان را دارند.
- خاطره ارائه شده باید مستند و واقعی باشد و نه ساخته‌ی ذهن نویسنده و گوینده!
- خاطره بیان شده، صرفاً برای گوینده اتفاق افتاده یا شخصاً شاهد آن بوده است. (حتماً اسامی دقیق افراد دخیل در خاطره بیان گردد)
- خاطره مطرح شده، پیش از این در کتاب یا نشریه‌ی دیگری منتشر نشده و برای اولین بار در این فراخوان بیان می‌شود.
- شورای نگهبان حق ویرایش، تخلص، جرح، تعدیل و انتشار اثر را داشته و می‌تواند در تولید آثار مختلف سمعی و بصری خود با ذکر نام خالق اثر، از آن استفاده نماید.



ارسال خاطرات و تجربیات ناظران انتخابات

اداره کل امور انتخابات شورای نگهبان در نظر دارد به منظور ثبت و بهره‌برداری از خاطرات و تجربیات ناظران امین خود، اولین مسابقه‌ی «خاطره‌نویسی و تجربه‌نگاری ناظران در ایام انتخابات» را برگزار نماید.



جوایز

۱۴ کمک هزینه سفر به مشهد مقدس ۱۱۰ جایزه نقدی

تذکر

- * حتماً نام و نام خانوادگی، محل خدمت و شماره تلفن تماس را در اثر خود قید فرمایید.
- * ارسال چند خاطره (کلیه یا صوتی) توسط یک نفر بلا مانع می‌باشد.
- * تاریخ، نوع و دوره انتخابات در اثر بیان شود.

نحوه‌ی ارزیابی آثار

* آثار ارسالی در دو مرحله «استانی» و «کشوری» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آثار برتر پس از دوری و تأیید، علاوه بر نشریه‌ی «ناظر امین» در کتاب جداگانه‌ای منتشر و برخی از آنها به صورت فیلم کوتاه (موشن و...) نمایش داده خواهد شد.
* در بررسی و ارزیابی آثار نکات ذیل، حائز اهمیت و امتیاز است:
* تجربه‌ی ارائه شده واقعی و مستند، ارائه‌کننده تجربه‌ای در نظارت مؤثر بر انتخابات، نکات ابتکاری و کاربردی یا بیان‌کننده‌ی خلاءهای قانونی، لغزشگاه‌های امر نظارت و تخلفات پیش‌بینی نشده باشد.
* شیوایی و اصول نگارش در اثر مکتوب رعایت گردد.

جهت ارسال آثار و کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت www.shora-gc.ir مراجعه فرمایید.

برای انتقال به صفحه ثبت نام بارکد را با گوشی همراه خود اسکن کنید



ناظران محترم می‌توانند آثار خود را به یک از دوروش زیر ارائه نمایند:

۱ اثر مکتوب (متن خاطره به صورت «دست‌نویس» یا «تایپ شده» حداکثر در سه صفحه‌ی A4)

۲ اثر صوتی (فایل ضبط شده‌ی خاطره، حداکثر در سه دقیقه)

مهلت ارسال آثار: پایان آبان ماه ۱۴۰۱